

کتابخانه  
جمهوری  
اسلامی  
۱۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب طب

مؤلف ناسخانی

مترجم

شماره قفسه ۱۷۶۲۸

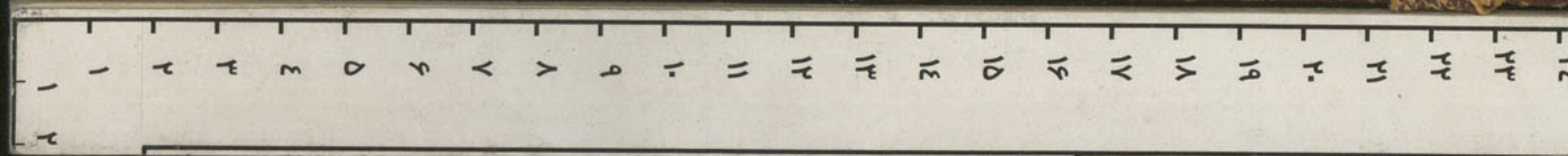


جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۷۷۹۳

۱۷۶۲۸  
۲-۸۷۹۳



عرب دوا میگردد در مرض عرقانی غیر با درد در کمر درد در میان دبر که میگردد  
 نبریک الی چهارده جهت بخورد در وقت خوردن بعد از نماز است

سر لیمان قوتمان مقدر است هر صاع پوست پندیر زرد پوست پندیر سیاه بلیله صبر زرد  
 ریون پندیر رب ریونید هر صاع هر صاع جوز یو را کدر شکر مال کمر صاع  
 رسته سبیل است صمغ عربی جوهر این این این این این این این این این این این  
 صمغ لاجوی رسته پنجاه صمغ دانه کمر کلا میوه و دانه کمر صمغ لاجوی

که بپزد در پارچه یا از کمر رو نماید بدهد هر سه تا که با زرد آرد عمل صاف و موم  
 حشر نماید و بعد در دانه کمر حشر نماید تا نام مقدار این بود و تریک که چهارده  
 بعد از تصفیه حشر صمغ نماید و ممکن است صمغ دانه کمر و صمغ لاجوی و صمغ  
 سر نماید که در وقت حشر دانه کمر نماید و در وقت حشر دانه کلا میوه و دانه کمر  
 انحصار هرگز است اولی تا نافع خواهد بود

از هر یک بخورد غلظت ناقص از هر یک درم پنجاه در چینی آنرا غلظت  
 جوز بو از هر یک دو درم نیم خنده خنده بود در کوشه و چغت لبیل است شند شربت  
 چهار شغال **جوارش** صندلی اوجاع مفاصل و لغزش و وجع ظهر و توجع را  
 قطع باشد **صفت** ستمو نیاده در معده بود ناقص در چینی پنجاه در شغال  
 از هر یک پنجم تر بپزند صد درم کوشه و چغت لبیل است شند **صفت**  
 ضعف معده و معاد مضعف است و طعام را ضعیف کند با آب بشکند  
 اسهال را دارد **صفت** پنجاه درم صمغ عربی غیر بو از هر یک درم  
 قوتش در چینی از هر یک پنجم جوز بو نیم درم زعفران یک درم است  
 چهل درم شکر طبرزد و شغال **جوارش** صندلی قویج را در لغزش از نافع  
 در غلط علیظ را خرد و صند **صفت** در غلظت پنجاه درم و قوتش در چینی  
 از هر یک درم درم کوزی پنجاه عاقره قاضی طبرزد از هر یک شدم  
 قند خنده سازد درم کوشه و چغت لبیل است شند **جوارش** صندلی که معده  
 و دل را بخشد از قوت بر دوقی از زرد و صندلی و قند منع کجاست  
**صفت** آب تریش در شیرین داب سبب آب با مرود و غوره آب  
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰  
 ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

جوارش عمود از هر یک  
 دل و مغز و حکم  
 و نا باز دارد  
 صفت این است  
 نمود هند را در قند  
 ۱۰ ۱۰۰ ۱۰۰  
 مصکلی پندیر  
 ۳۰ ۳۰ ۳۰  
 درت سبب دانه  
 ۲۰ ۲۰ ۲۰  
 در حسی رغوا  
 ۱۰ ۱۰ ۱۰  
 طیاره  
 ۱۰ ۱۰ ۱۰  
 باور کسر  
 ۱۰ ۱۰ ۱۰

۱  
۱  
۸  
۸  
۳  
۵  
۶  
۸  
۷  
۶  
۱  
۱۱  
۸۱  
۸۱  
۳۱  
۹۱  
۶۱  
۸۱  
۷۱

زرشک آب ساق آب لیمو مجموع مساوی جو شاست تا ربعی فرو کند و  
 بقوام زیاده آوردن دینیز نیم زنده آب بر آن میریزند چند آنکه بر روی سنگ نرود  
**باب الحاحب ایاج** دماغ و اعضای خیره از فضول خط  
 بلغمی پاک کند و صرع و سکت و در ارض عصب و اناض بهشت **صفحه** آیه  
 فیهقرا تر به سفید از هر یک گرمی حب النیل غار تیون اینسون از هر یک نیم درم شحم  
 حنظل نمک مندی از هر یک آنکه نیم کوفته و چغنت **باب** از یانه بهر شند  
 و چغنت **حب صبر** اوجاع مفصل و نفوس و فالج و لقوه اناض  
**صفحه** صبر قوطری یمنقال تر به سفید دودرم نیم حب النیل غار تیون  
 از هر یک آنی شحم حنظل درمی نمک مندی قدری مثل تیر از هر یک آنی کوفته  
 و چغنت **باب** از یانه **حب سورجیان** مفصل و نفوس و عرق النساء  
 نافع بهشت **صفحه** صبر قوطری مای زهره از هر یک می سورجیان تر به سفید  
 از هر یک شغالی تیر ادانی حب النیل نیم درم شحم حنظل و آنی نمک مندی آنی  
 نیم کوفته و چغنت **باب** از یانه **حب سورجیان** **در کلبین**  
 خاصیت دارد **صفحه** ایازه فیهقرا تر به سفید مای زهره از هر یک می سورجیان

۲

پوست ملیله زرد غار تیون اینسون از هر یک گرمی سیمونیا کثیر شحم حنظل از هر یک  
 در آنی کوفته و چغنت **باب** از یانه **حب شیار** صبر کلبین  
 پوست ملیله زرد تر به سفید از هر یک نیم درم سورجیان سیمونیا از هر یک آنی  
 و نیم گرم کرفس نمک مندی از هر یک آنی **باب** از یانه **حب سورجیان**  
 در دوده را نافع بهشت در وقت با صره و دودرم در دهر و تاریکی بهشت برود  
**صفحه** صبر قوطری **باب** از یانه پوست ملیله زرد و ورق گل سرخ مصطکی تر به  
 سفید از هر یک گرمی سیمونیا درمی کوفته و چغنت **باب** از یانه شربتی یمنقال در  
 وقت خواب فرو برد **حب قوتیا** صداع در در چشم و فضلها غلیظ  
 از هر یک فرود آورد **صفحه** صبر قوطری حصار نه استین مصطکی از هر یک  
 یک شغل شحم حنظل سیمونیا از هر یک نیم درم کوفته و چغنت **باب** از یانه **حب سورجیان**  
 شربتی یمنقال **حب غار تیون** سده رگباید و استفاد از هر یک کبیرا  
 نافع بهشت **صفحه** آنتیون صبر قوطری از هر یک ششم درم غار تیون  
 چهار درم اینسون فطر اسالیون شحم کرفس در قوا از هر یک دودرم کوفته سیمونیا  
 یک درم کوفته و چغنت **باب** از یانه **حب سورجیان** از یانه شربتی دودرم **حب غار تیون**

همین خاصیت دارد و طبع را نرم کند چون هر شب آن یک درم خوب نشوند  
 غاریقون ده درم عصاره خاخاش ریوند از هر یک دو درم قند سفید بزنند  
 درم کوشه و چغندر آب عمل است و درم سبزه زرد **صفت** **دگر** که با او بکنند  
 از سودا و بلغم و خسلاط غلیظ پاک کند **صفت** پوست بلیله کالی شود  
 آله استین غاریقون از هر یک یک درم اسارون انیسون تخم کرفس  
 از هر یک دو درم ترب سفید حوت درم آتیمون چند درم ایاره فیرانه درم  
 زعفران یک درم فانیله چهار درم فانیله را در آب بکند از دو درم سقونیا در آن  
 حل کنند و در او کوشه و چغندر آب عمل است **دگر** **صفت**  
 صداع و درم و چشم را نافع باشد **صفت** صبره قوطری است درم ایله زرد  
 ده درم کتیر امصطکی سقونیا زعفران از هر یک سه درم در قیاس تخم کرفس  
 کوشه و چغندر بکباب سبزه زرد شربتی دو درم **دگر** که در انجلیب  
 نافع باشد و صنف او سودا و بلغم را دفع کند **صفت** آتیمون چغندر سفید  
 تخم خنظل سقونیا نمک مندی استین از هر یک دو مثقال صبره قوطری  
 ده مثقال از زردت بسطاج خسته سقونیا از هر یک سه مثقال ترب سفید و زرد

مشقال

مشقال کوشه و چغندر آب خالص سبزه زرد شربتی سه درم **دگر** **صفت**  
 قوننج کشاید و باوی غلیظ را دفع کند **صفت** کسبج تخم خنظل از هر یک درم  
 سقونیا درم آب سداب سبزه زرد شربتی یک درم **دگر** که با او بکنند  
 و فتنق و او را خصیه نافع باشد **صفت** تخم کرفس هزار سبزه زردت  
 زعفران از هر یک درم پوست بلیله کالی ایله کسبج مقل از هر یک ده درم  
 درم فطره اسالیون فو نداز و خرقطره زرد و درم اسارون از هر یک درم  
 کوشه و چغندر آب سداب سبزه زرد و هر روز یک درم تناول فرمایند **دگر**  
 استسقای اتقی را نافع باشد **صفت** ریوند عصاره خاخاش تخم کرفس از  
 هر یک سه درم غاریقون چند درم فانیله در بر نه درم کوشه و چغندر سبزه زرد  
 شربتی دو درم **دگر** که همین خاصیت دارد **صفت** تخم فانیله  
 مغز بادام از هر یک چند درم شکر یک درم و نیم کوشه و چغندر سبزه زرد  
**دگر** **صفت** خنظل و خود و دسلو را نافع باشد **صفت** ایاره فیرانه  
 غاریقون دو درم و نیم تخم خنظل یک درم و نیم از زردت چهار درم  
 ترب سفید درم جادو شیر کفقال نوشا در دو درم سقونیا مشقالی

کوفته بخت باب کند ما حب س ازند شربت هر روز یکدم **حب دگر** کوهن  
خاصیت دارد **صفت** سبیل سلجیه حب لبان اساردن عود لبان  
مصطکی در پستی زعفران از هر یک یکدم صبر قوطری شازوه درم  
اسطوخودوس شحم خنظل از هر یک یکدم تر به غیب هفت درم نک  
همدی دو درم تقوینا چهارم **حب شطرح** عرق النساء و او جامع **صفت**  
و دج الطور رانافع باشد **صفت** پوست بلبله زرده درم صبر قوطری  
پست درم فلفل در فلفل درمی خردل سردم شطرح نمک کندی  
شحم خنظل زنجبیل از هر یک دو درم فانیه بحری چهار درم باب کرم  
**حب** ازند شرتی سردم **حب غافث** یرقان و درم حکر اسود  
**صفت** غافث صبر قوطری پوست بلبله زرد مسادی کوفته بخت  
باب کرفس حب س ازند شرتی دو درم **حب دگر** که بهق بر جرم  
صرع و امراض سودا سی رانافع پست **صفت** ایله فیقرا بخدم  
فستیمون ده درم لاجورد منول هفت درم تقوینا شحم خنظل  
خرقی سیاه از هر یک دو درم سبیل و اینول از هر یک درمی

کوفته

کوفته بخت باب کرفس حب س ازند شرتی دو درم نیم **حب دگر** پوست  
بلبله زرده بلبله سیاه از هر یک یکدم پست بلبله زرده شرتی دو درم **حب**  
**مقل** پوست رانافع باشد **صفت** پوست بلبله زرده بلبله سیاه از هر یک یکدم  
بلبله کالی مقل از زده درم کسب خنظل خردل دو درم مقل کسب خنظل و آب  
حل کنند و دروای دیگر کوفته بخت باب کرفس **حب مقل** نیم **حب دگر**  
شفاق اسود دارد و طبع را نرم کند و محرور را موافق باشد **صفت** پوست بلبله  
کالی پست درم مقل و درم کسب خنظل نیم کسب خنظل و در آب هم زنده امرا  
شود و با لایند مقل و کسب خنظل در آن حل کنند و پوست بلبله کوفته در آن بشند  
و **حب** ازند شرتی دو درم **حب مقل** نیم **حب دگر** در دهنده و چهار یک  
رانافع پست **صفت** بلبله سیاه بلبله ایله از هر یک یکدم مقل بر جرم در آب  
حل کنند و دروای دیگر کوفته بخت باب کرفس **حب** ازند شرتی  
دو درم نیم **حب دگر** سه شب متوالی نبوشند و حج بوا سیرت کسب خنظل  
**صفت** پوست بلبله زرده پوست بلبله سیاه ایله مقل از هر یک یکدم مقل  
چهار درم در آب حل سازند و او دیگر کوفته بخت باب کرفس **حب** ازند شرتی

و حبسا زنده شربت و در دم صمغ **حب دیکر** که چون شب متولی نباشد نذبح  
بواسیرت کین کفنه **صفحه** بلید سیاه بلید آله از هر یک چهار درم نیک سندا  
صغره و مصطکی سورنجان شش که کندل خوبند نزار از فندک شطرح تا خوا  
از هر یک درمی سنبل زعفران در جندی و ج زنجبیل فاقله سلخا از هر یک غم غم  
صبر قوطی است درم کینج را در آب کشتند با کله از باقی او دیگر کوفته  
و نخته بان لبر شد و حبسا زنده شربت و در شغال **حب الیقه قاره** با دانه  
دفع کند و طبع را نرم کند و قوی کینج **صفحه** زنجبیل فلفل از جندی فلفل در  
فلفل نار شک مصطکی از هر یک شغالی سقمونیا هفت شغال قند سفید هفت  
شغال کوفته و نخت همه با سازند هر یک قدر نخودی هر حب یک محلیه دفع کند  
**حب برای استسقای طی** انافع باشد صبر قوطی و در از ده درم است یون  
شند درم سقمونیا چهار درم سنبل سلخا تر به غنیه مصطکی از هر یک درم  
زعفران کیدرم و نیم غار یقون سه درم حمالا کیدرم کوفته و نخته حب سازند نری  
دو درم نیم **حب دیکر** بقی بر صمغ انافع باشد **صفحه** ایازه فیقرا ایشتغال لاجورد  
مغول کینیل انیسون شحم خنظل کتیرا سقمونیا از هر یک انکی کوفته و نخته

ایازه

باب کزف حب سازند **حب الصرع** ایازه فیقرا نیم شغال انیسون شحم خنظل  
سفاچ نیک سندی غار یقون از هر یک نیک نیک تر به غنیه پوست لیلید تر شحم  
خنظل کتیرا سقمونیا از هر یک انکی کوفته و نخته باب کزف حب سازند **حب دیکر**  
**حب صرع** صبر قوطی درم غار یقون نیم درم شحم خنظل و دانه سقمونیا  
دانه مصطکی سنبل از هر یک انکی حب سازند و بطینج مطوخا در سن نیشند  
**حب دیکر** ایازه فیقرا تر به غنیه از هر یک درم حب انیسون از هر یک  
شحم شحم خنظل غار یقون عاقره قاضیه النخلاب از هر یک نیک نیک  
دانه کوفته و نخت بکباب حب سازند **حب دیکر** جهت اتشک **صفحه**  
ایازه فیقرا ایشتغال تر به غنیه کیدرم غار یقون لاجورد مغول پوست بلید  
زر و سورنجان از هر یک نیک درم سقمونیا دانه کینج طسوج انیسون کتیرا از  
هر یک دانه کوفته و نخت بکباب حب سازند **حب دیکر** حبه را  
نافع باشد **صفحه** پوست لیلید زر و بلید سیاه از هر یک انکی کوفته و  
نخته باب حب سازند **حب استسقا** صرع ریح کسبت **صفحه** ایازه  
فیقرا تر به غنیه غار یقون از هر یک کیدرم شحم خنظل حب انیسون سلخا

از هر یک دانه نیم سطل خود و سوزیدان از هر یک نیم گرم کتیرا دانه کوشه  
 و پنجه حس سازند **حب قهوه** ایاره فیهرا از برفید غار فیهون از هر یک نیم  
 گرم شخم فلفل مصطکی دانه محمود نیم دانه کباب از یانه حس سازند **حب  
 بقی** تر برفید کیدرم ریوند خنی نیم گرم غار فیهون زراوند صحر  
 زراوند طویل از هر یک دانه نیم مقل التیود شخم انخره از هر یک دود و یک  
 فیهون بر وزن کل حرب کرده دارد و کوشه و حکمت بر کمال حب  
 سازند **حب دیگر** جهت استقا صفه ایاره فیهرا از هر یک  
 کیدرم غار فیهون اسارون ریوند و سننین رومی شخم انخره از هر  
 یک نیم گرم نمک مندی دانه مقل دود و دانه کربت از یانه شخم کرفس از  
 هر یک نیم گرم محمود دانه نیم باب الص حب سازند **حب صبر** ایاره  
 فیهرا از برفید صبر سقوطی از هر یک شالی حب استیل شقالی شخم فلفل  
 نمک مندی از هر یک نیم گرم منون در فلفل مصطکی کتیرا از هر یک دانه  
 باب از یانه حس سازند **حب بقی** تر برفید کیدرم دانه نیم غار فیهون  
 ایاره فیهرا استیمون از هر یک چهار دانه یک سیاه شطرح عصاره

سنن

سننین از هر یک دود دانه مقویا شخم و مقل دانه منون از هر یک دانه کباب  
 حب سازند **حب قهوه** تر برفید کیدرم دانه نیم ایاره فیهرا استیمون از هر یک چهار  
 دانه یک سیاه شطرح عصاره سننین از هر یک دود دانه مقویا شخم خود  
 مقل دانه منون از هر یک دانه کباب حب سازند **حب شام** تر برفید کیدرم ایاره  
 فیهرا استیمون از هر یک چهار دانه سوزجان نیم گرم دانه نیمه زنجبیل  
 از هر یک دود دانه محمود مقل از هر یک دانه کباب حب سازند **حب  
 شنج** تر برفید کیدرم پوست لبلله کبابی غار فیهون از هر یک نیم گرم سوزجان  
 صبر چهار دانه کل سرخ دود دانه مقل دانه نیم دانه کباب حب سازند  
**حب عرشه** و شنج نوع دیگر سفر جلی سهل سه گرم تر برفید کیدرم نیم سوزجان  
 چهار دانه کوزیدان دانه نیم نرح فسطویون و دوق از هر یک دود دانه کباب  
 حب سازند **حبی** که در دوق در ساعت نباشد **حب صفه** انیسون زنده  
 کرانی فلفل سفید و لظیف منفر حب القرح شخم کاجره از هر یک دو گرم  
 سلیخه کیدرم زنجبیل فیهون از هر یک چهار گرم مصطکی شش گرم  
 سوزجان هست درم باب از یانه حس سازند شربتی دو گرم باب





و مانع نزال آب گردد و در خلط فاسد را از زبان بیرون کند **صفحه** صبر  
 سقوطی عقونیا شحم حنظل عصاره نستین مصطکی از هر یک انگلی کثیرا نیم  
 دانگ بآب حبسازند **حب العشره** لغوه و عرش و فالج را نافع باشد  
**صفحه** زنجبیل در فلفل ایله صطک در چینی سبیل سلجی سارون از  
 هر یک دو درم صبر پست درم بابک کنس حبسازند شربتی دو درم **حب**  
**النصر** سرخ کنده در بوضیق اللغش امرض سینه را نافع باشد **صفحه**  
 غار عقون تربید خندان از هر یک درم اصل الموس شحم حنظل ایله فقیرا  
 اندودت از هر یک دو درم بآب حبسازند شربت ایله شغال با الصل  
**حب سهل** صبر نیم مشقال ریوند نیم مشقال مصطکی نیم مشقال زعفران  
 دو دانگ کثیرا انگلی عقونیا دو دانگ پوست بلبله زرد دو دانگ باد  
 دو دانگ کجلا ب حبسازند **حب الملوک** نافعست کسی اگر از استهلا  
 بطعم کراهت داشته باشد و سهل را می کند **صفحه** تربید خندان درم  
 چهار دانگ پوست بلبله زرد مصطکی بلبله سیاه از هر یک انگلی نیم  
 انبیمون نیم درم کاو زبان فرخ شکب در نجبویه محموده طباشیر زعفران

کل سرخ

کل سرخ از هر یک انگلی کثیرا نیم مشقال کجلا ب حبسازند **حب الملوک** کبر  
 قویج کبشاید و بادامی غلیظ دفع کند **صفحه** صبر سقوطی خندرم تر بوده درم  
 پوست بلبله زرد پوست بلبله کاجی از هر یک درم نمک هندی  
 درم مصطکی زعفران ساج هندی شط سلجی ریوند چینی سبیل زنجبیل  
 انبیمون کرفس فلفل خیر بود از هر چینی تبر اقا قله از هر یک نیم درم عقونیا دو  
 شغال مشک انگلی گوشه و پخت حبسازند کجلا ب شربتی سه درم **حب**  
**انبیمون** عصا سر و معده را از سودا پاک کند **صفحه** ایاره فتر امتقل غار عقون  
 شحم حنظل حجازی نیم مشقال انبیمون از هر یک دو درم نیم عقونیا یک درم تربید  
 درم بآب حبسازند شربتی دو درم **حب بنفاج** بلغم و سودا را از معده پاک  
 کند و مانع را **صفحه** ایاره فتر درمی بسفاج دو درم شحم حنظل ششدرم  
 انبیمون اسطوخودوس سنبل هر یک دو درم و نیم عقونیا یک درم و نیم تربید  
 پست درم باب حبسازند شربتی دو درم و نیم **حبی** که جمیع مواد سودا  
 و صفرا را نافع باشد **صفحه** پوست بلبله ششدرم بلبله ایله معشر  
 کل سرخ نمک هندی از هر یک دو درم ایاره فتر انبیمون ششدرم عقونیا

عصا زه نشتین از هر یک سه درم شخم کز شخم نیم درم غار یقون چهار درم کوفه  
 چغندر آب کستی حب سا زنده نثری سه درم **حب معال** صمغ عربی نشسته  
 کثیر از هر یک سه درم مغز بنه دانه مغز شخم کدو مغز خیار از هر یک دو درم مغز بادام  
 متشخخاش سفید از هر یک چهار درم کوفه و خجسته شکر طبرزد فانی از  
 هر یک هفت درم بلعاب نبر قطن ما حب زنده اگر سر نه بلنجی باشد رب السوسن  
 و منقعی از هر یک چهار درم اضافت نماید **حب معال دیگر** نافع است اطفال که  
 از بسبب بیماری سر قتی کند و سر قشک که مانع از خواب باشد و نواز از اجاره  
 را دفع کند **صفحه** نشسته صمغ عربی رب السوسن شخخاش سفید  
 اینون مساوی کوفه و خجسته بلعاب همدانه حب سا زنده هر چه قدر  
 نخودی **حب معال دیگر** مغز بادام شخم خیارین صمغ عربی نشسته شخخاش  
 سفید از هر یک سه درم رب السوسن و درم با قلاسه درم بلعاب زرقطونا  
 حب سا زنده **حب معال دیگر** پوست سحج را زربا به پرسیاوشان شخم کز شخم  
 رب السوسن مغز بادام مساوی کوفه و خجسته باب حب سا زنده **حب معال**  
 متقوق و مسلول انافع باشد و سر قشک که سر **صفحه** صمغ عربی

کثیرا

کثیرا مغز بنه دانه شخم خطمی رب السوسن شخخاش شخم خرفه سفید از  
 هر یک سه درم مغز بادام با قلاسه متشخخاش کدو از هر یک چهار درم بلعاب زرقطونا  
 حب سا زنده **حب معال دیگر** که سینه پاک کند و آرد صاف کرده اند حرارت و خشم  
 دایم انافع باشد **صفحه** مغز بادام تلخ بزرگ لوماک کرد و جلقوزه از  
 یک دو درم کثیرا و این سون و صمغ عربی اصل السوسن و رب السوسن از هر یک  
 نیم درم نمایند و قند از هر یک چهار درم آب از نانه و قدری عمل حب سا زنده  
**حب السعال دیگر** سر قشک انافع بود **صفحه** نشسته صمغ عربی رب  
 السوسن شخم خیارین شخم خطمین کثیرا کوفه و خجسته بلعاب همدانه حب سا زنده  
**حب السعال دیگر** بوی همین خوش کند و لته را قوت دهد **صفحه** فلفل خولجان  
 عاقر قرحا از هر یک درمی کل سرخ صندل طلیله از هر یک دو درم طباشیر خردم  
 مشک کافور از هر یک انکی کوفه و خجسته کلاب حب سا زنده **حب معال دیگر** که  
 همین خاصیت دارد **صفحه** قاقه جوز بواقر فلفل کافور در حسنی خولجان فلفل  
 از هر یک درمی مشک دو درم پوست ترنج کبابه سه درم از هر یک یک مثقال  
 دو درم کلاب حب سا زنده **حب السعال دیگر** که همین منفعت دارد **صفحه** سبک

ترنفل قرفه جوز بوسیدن پست ترنج عود خام مسای با بز و الوحبت  
هر یک مقدار خودی و صبر سیاح و مسایک جازان در دهن نگاه دارند  
**حب جویه** که فزک جندله استعمال کنیند در جربست **صفت** زنجبیل  
در دم صطی چندم چند پسته که در زرد کندر چندم با سه درم  
ریونند چندم ماه فرغین نصف شرف کلاب ده درم آب لیمو درم  
همه احب ساخته هر شب دو مرتبه در خندق بخورد تا پست پوز  
و بگما که ناضت **حب دیگر** که بوی میر و ساز و شراب از دهن برود  
پوست ترنج مرچک بل ترنجیل کباب با سه درم سعید از هر یک چندم  
مشک طباشیر از هر یک نیم درم عنبر نیم مثقال صندل سوده بگلای درم  
صمغ عربی دانی بگلای حب سازند **حب دیگر** که صین عمل کند **صفت**  
کبابه جنی ترنفل قرفه طباشیر از هر یک دو درم مشک دانی عنبر نیم درم  
عود یک درم کوفه و نخیست که صمغ عربی منقوع باشد سرشته سازند  
**حب قنقن** خون فتن از بوسیدن با زرد دارد **صفت** طبله سیاه  
پوست طبله کبابی پوست بلبله لاله متشتر از هر یک ده درم مرجان

کهریا

کیرا از هر یک یک درم مقل ادوات است که آن حل کنند و در او با صلیب کرده  
بان لیسر شند شربت دودوم **مقل دیگر** که همین خاصیت دارد **صفت**  
بیلکه کبابی بریان کرده بر دهن کاسی درم کبریا و مثقال مقل بر او بجا بستند  
و او رویه دیگر کوفته و نخیست بان لیسر شند و حب سازند شربت دودوم **حب**  
**مک** طبعیت به بند و خون فتن با زرد دارد **صفت** سماق دودوم با زرد یک درم  
پوست ناماز نیم درم حب لاس ده درم شحم زبیب درمی کوفته و نخیست آب  
لعاب صمغ عربی حب سازند شربت دودوم آب میوز به بند و نخیست آن  
پاره آب سرد با زرد نند **حب دیگر** که اسهال خون با زرد دارد **صفت** مارو کرانج  
افیون مسادی حب سازند شربت دودوم **حب دیگر** که اسهال المغان  
دارد **صفت** ترنفل چند پسته ترنفل مسادی کوفته و نخیست حبانند  
برابر فلفلی شربت ریح تا نخیست حب بخورد **حب ازیم** اسهال کهنه را  
نافع باشد کاهی که از حرارت و تب نباشد **صفت** چند پسته سارون  
سایله بر البیج سیاه کند مسادی آب حب سازند شربت دودوم **حب دیگر**  
که در ساعت شکم به بند **صفت** افیون یک درم قاقیا دودوم کل از حاق

حب الاس از هر یک چهار درم کوفته آب صمغ عربی در آن منقوع باشد  
 حب سبزه شترتی نیم مثقال **حبی** که لغو طام آورد در طول انزال اثر  
 تمام دارد **صفحه** عود خام قز نقل از هر یک درم زعفران نیم درم  
 بالنکو و درم در نقل تخم بوبونه در اید از هر یک درمی کوفته و بخته بافتند  
 بقوام آرد و بهر شند و حب سازند هر یک مقدار خودی **حب بزرگ** که  
 مسکن و جماع است **صفحه** مصطک حب الغار مکی زعفران نقل نقل  
 چند ستر سبیل هندی عاقر قرحا از هر یک یک مثقال شک در آنی انبوه کف  
 مشک در آنی نیم کباب حب سازند شربت بکدرم **حقیقه لینه** اراض حاره  
 حیات بهر سام را مانع است و طبع را نرم گرداند **صفحه** غنابستان  
 نبغشته شعیر مشتر نیم کوفته سبوس کندم خطمی خشک اکلیل الملک از هر یک  
 کنفی آنچه دره عدد در سه رطل آب بچوشانند تا بطلی آید و با لایند و شکر  
 سرخ بچردم روغن بنفشه با دوام ده درم روغن بجنوده درم اجماع  
 بچردم اضافه نماید نیم گرم **حقیقه** کندم **حقیقه لینه** دیگر آنچه عدد  
 اصل السوس در درم پستان سی عدد و شک جو یک کف نبغشته

بنام

نیلوز از هر یک بچردم با بونه یک کف جلید او را آب بچوشانند تا بپسند آید صاف  
 کنند و درم لعاب زرقطو با پست درم روغن بنفشه با دوام ده درم کافور  
 و دو درم بوزله ارمنی بکدرم کافور اضافه نمایند و پست درم شکر سرخ در آن  
 حل کنند و بسند نوبت بریزند **حقیقه معتدله** حلیه بزرگ آنچه غنابستان  
 خطمی با بونه اکلیل الملک خشک شبت سبوس کندم از هر یک کنفی بپزند چنانکه  
 رسد و با لایند و ده درم فانید و دو درم بوزله ارمنی بکدرم غنابستان  
 و باز ده درم روغن شتر سبیل اضافه کنند و نیم گرم عمل نمایند **حقیقه حاد**  
 شحم حنظل شبت سبوس سفیاج از هر یک درم فودج یک کف بپزند و با لایند  
 و پست درم شکر سرخ و ده درم روغن بوبونه اضافه نمایند و استعمال  
 کنند **حقیقه دیگر** قونج بلخی را بجایید و در پست با دای غلیظ را مانع باشد  
**صفحه** حلیه بزرگ قنطور یون با بونه خشک نیم کوفته خطمی از هر یک کنفی آنچه عدد  
 غنابستان از هر یک سی از سبوس کندم بکدرم بکدرم بکدرم  
 شبت سداب از هر یک دست سبکینج مقل جاوشیر از هر یک درم مغز  
 تخم کافور کوفته پست درم بپزند و با لایند چنانکه رسد بکدرم

نمک مندی و دو دانگ شکر حنظل و ده درم آب گامه و پست درم شکر سرخ  
 اضافه کنند و پست تعال نمایند **حقیقه دیگر** استر خا و فالج و در بعضی  
 نافع باشد **صفحه** سنای کی بخدرم شربت بخدرم بابونه دکا فینیه کرم  
 و سپید خیمه کوفته از هر یک گنی برک سیادشان با در نجبویه قطریون  
 از هر یک دو درم شکر سرخ با زده درم آب گامه ده شقال آب برک  
 بخند روغن زیت از هر یک ده درم نمک بوزه ارمنی از هر یک نیم  
 بطریق معمول عمل نمایند **حقیقه دیگر** تونج یک بشاید **صفحه** سنای کی کج  
 شقال کا فربان خشک شربت از هر یک درم در زمانه انیسون  
 بسفاج از هر یک دو درم بابونه سبوس کندم کل خطمی از هر یک گنی  
 کل سرخ تازه دو زده عدد روغن زیت کل سرخ شکر سرخ آب برک  
 بخند از هر یک ده شقال آب گامه کل قند آفتابی از هر یک ده درم بوزه  
 ارمنی نیم درم سخته و صاف کرده چنانکه هست عمل نمایند **حقیقه** که درین  
 روده و همال صغری را سود دارد **صفحه** آب برک خرفه لسان الحمل  
 از هر یک چهل شقال شکر مرغ روغن کل آمیخته یک پخته فاقیا نیم

دم الاغوبین چهار دانگ خد سوخته عیند اب کبر با مر جان کل مخلوطم از هر یک  
 یک درم سکه یک درم زنجبیل سازند و پست تعال نمایند **حقیقه دیگر** که قروح معده  
 و اسهال دموی نافع بود **صفحه** کشک بوزنج شسته پخته کرده نراز  
 هر یک سی شقال بیزند و با لانی عیند اب شسته و افاقیا از هر یک نیم  
 درم زعفران سیاقی اینض از هر یک یک درم زرده شخم مرغ عدوی بزه  
 درم روغن گل گرده در یک کیر پانیزند و پست تعال نمایند **باب الحی**  
**خاصه لقیق** برودت معده و حشا و جگر را نافع بود و با ضمه قوت دهد  
 و از برای هیران مفید بود **صفحه** شراب کهنه دو درم عسل صاف  
 سه درم نخل سه درم فاقله خیره از عفران از هر یک یک شقال از نخل شکر  
 از هر یک نیم درم در حسی قلفل از هر یک یک درم او ویدرا نیم کوفته  
 کند سوی مشک زعفران در کینه شده و سر کسبه نرم به سبب  
 و شراب عسل را بچوشانند و کسبه ادران بکشند و هر ساعت  
 برست میمالند تا شراب بقوام آید پس کسبه را بردارند و مشک  
 زعفران را ادران حل کنند و نگاه دارند **غضاب محراب** مازو

جرم کرده بر تاب بر این نشاندند ششامه شود سیاه کرد و از آن پت  
 درم رنجست ده درم شب میانی دو درم ملح آمد رانی یک درم بن چهار را  
 خورد بید تاب پوست جوز باب سفید اب جینا باب املیا باب  
 شقایق باب لاجوج با آنچه حاضر باشد که مکنند بدان لبیر شد و تا سه  
 ساعت بگذارد تا چون خمیر بر آید آنگاه در موی الد و برک جوز باریک غنیز  
 بر روی نهد که ترمانند مقدار شش ساعت بگذارد آنگاه آب سرد شود  
 در آن پوست دی سیاه کرد و باب با قلا و خود بشوید تا سفید کرد **خصای**  
 که موی را سیاه کند **صفحه** ماز و کربل کثیر اردی سونته شب میانی  
 از هر یک چند درم نوشت در چهار درم نمک اندرانی دو درم ماز و در روغن  
 زیت بچوشانند تا شق شود و او دید دیگر بکوبند و باب کرم لبیر شد  
 بگذارد تا چهار ساعت بگذرد و بعد از آن سرور شش را بشوید و خشک کند  
 و خضاب ابران بمالند بعد از شش ساعت باب نیم کرم نشوید  
**خضاب دیگر** دسمه چهل درم جینا چند درم کوشه و نخته بر روغن کل جگر کنند  
 و باب کرم لبیر شد و شب بمالند و صباح باب کرم بشوید **خضاب دیگر**

کل

کل شقایق ده درم آینه قشیر پوست با قلا تر از هر یک چند درم کوشه و نخته  
 لبیر که لبیر شد و پت روز در آفتاب بنهند و سر که اضافه میکنند  
 و بعد از آن استحال نمایند **خضاب دیگر** باب که یک کرد کان بندها  
 یکم و داندرون آن با حسن لطیف باریک پرون آرد هم وزن آن عسل غم  
 وزن شقایق النعمان هر سه را با هم بکوبد و بطریق معجون سازد و در آن  
 پوست کرد کان کند و سرش را بموم بکشد و در میان هر کسین فن کنند  
 تا یکجا همیشه آنگاه بر گیرد و آریا شده است بعد رسیده و اگر نه باز  
 بگذارد تا خوب سیاه شود که بر زاغ بلکه سیاه تر و هرگز سفید نشود  
**خضاب دیگر** اگر کربل شقایق و نیم طلای پوست کرد کان تر در ششامه کنند و  
 سر کسین تر و هفتد و فن کنند بشرطی که چهار درم روی و هفتد در ه  
 بالای آن کنند بعد و هفتد باب آن موی را شانه کنند سیاه  
 کرد اندر دست زبانه بان رنگ کند خضاب عجایب بود **خضاب دیگر**  
 جوز السرد در سر که جوشانیده پت درم مازوی سیر در روغن زیت  
 جوشانیده تا سوخته شود شش درم مس سوخته پوست کرد کان تر از

هر یک ده درم یک سیاه و شان شب میانی قاقیا که از هر یک شش درم  
 تر نفل در دو درم کوشه و پخته باب کرم بهر شند و خضاب کنند و بعد از سه  
 ساعت بشویند **خضاب دیگر** پوست گردگان شب میانی پوست نامر  
 مس سوخت لادن ساوی کوشه و پخته باب کرم بهر شند و خضاب کنند  
 و بعد از سه ساعت بشویند **خضاب دیگر** حنا چهار درم و نیمه شست درم  
 سوخته شب میانی نمک اندرائی با زوی سبزی بریان کرده در روغن زیت  
 خست الحدید از هر یک سه درم کوشه و پخته باب کرم بهر شند و استعمال  
 نمایند **خضاب دیگر** شکوفه گردگان و مفضل با روغن زیت صلا کرده  
 استعمال نمایند و بعد از شش ساعت باب کرم بشویند **باب الدال**  
**دو ارسنه** و آراده الملوک نیز کوشید و جماع عنفاصل و لوا سیر فرما سو  
 برص و هتق غنید و سیاه و خدام را نافع بود و جو اسن اقوی کند و با  
 رازیاده کند و هر که این معجون استعمال نماید موی او خراشیده سفید  
 سفید شود **حصه** بلبله سیاه بلبله طله از هر یک سه درم و شش مثقال شویز  
 بست چهار مثقال نفل شوق در نفل زنجبیل نفل بلبله از هر یک بست

در نفل

دو مثقال قاقیه صفرا زار مشک سعد از هر یک و مثقال کباب عسل بلادر از  
 هر یک شش مثقال فانیه شصت مثقال فانیه را کوشه در با تیل کنند  
 و در آب بگذارند و در او را کوشه و پخته بلادر با آن بهر شند و  
 اقراص سازند هر یک و مثقال دانگ نیم هر مباد از اران نخورند در این  
 سال که این معجون استعمال کنند از ترشیاات و لبنیات پرهیز کنند  
**دو الکحل** ضعف معده و دل و خفقان و صرع و ضیق النفس و  
 فالج و لغوه و تب ربع را سود دارد و بادای زمان استن اودغ کند  
 و زک سبکی که در اند **حصه** زرنبا در روغ از هر یک درم و از نفل  
 که باب کرم بهر شیم مقض از هر یک نیم درم همین غنید و سرخ ساوج میندی  
 سنبل الطیب قاقیه تر نفل چند سدر و داله از هر یک چهار دانگ پخیل  
 و نفل از هر یک دو دانگ نیم کوشه و پخته لعسل شهد که شش ندیده  
 باشد بهر شند و بعد از چهار ماه استعمال نمایند شترتی از یک درم و دو  
 درم کافی است **دو الکحل** که با بخور طباشیر بخورم در ق کل  
 سرخ بخورم شینه چهار درم کا در بان غت درم سبک درم سبک



سدرم ابریشم ترض سدرم صندل سفید سدرم شحم خرفه پنجه درم مشک کیدرم  
آمله هفت درم درم درم زعفران درم علی قند سه درم زردان ادویه **دوا**  
**المشک پنج** رطوبات معده ببرد خفقان سودایی درم خنجره رانافع باشد  
**صفحه** انستین روی صبر سقوی از هر یک شست درم مشک نارون  
ساج هندی مروری ناسفته از هر یک دو درم چند ستر کیدرم منعم لعل  
سیرت شربت کیشقال **دوا** **المشک کبر** صلابت کبد و طحال معده و  
استقاد برودت معده رانافع باشد رسد کیشاید و بول براند و سنگ  
کرده و مثانه بریزاند و بدن لایع کند **صفحه** نمک مغزول و دانه شحم کف  
جلی زیره کمانی زنجبیل از هر یک شست درم کافور سوس زنجبیل از هر  
یک چهار درم خنطیا مار زانند و درم درم درم صبر سقوی سنبل از هر یک  
دوازده درم درم سنبل سیخه مصطکی نصب الزریره اسار و منقل  
از هر یک شست درم چند چهار درم درم درم زانند و طول از هر یک سدرم  
نیم رب السوس سبت و شست درم ریونند چینی جعبه از خرا از هر یک دو  
درم نخل و قسط از هر یک ده درم سیالیوس سدرم کوشه و پنجه لعل

سازند شربت کیشقال **دوا** **المشک صغیر** منافع آن قریب بمنافع کبر است  
**صفحه** لک مغزول قسط پنج فقاخ از خرفه سوس انغار طبله نخل از هر یک  
درم ریونند چینی بازوه درم کوشه و پنجه لعل سیرت شربت کیدرم  
بطنج فستین باب کرم **دوا** **المشک کبر** امراض عکرو سبزر که از  
سردی بود رانافع باشد رسد کیشاید و باد دفع کند و کرده و مثانه را قوت  
دهد و بول براند و استقار که سبب درم سبزر که باشد و در  
**صفحه** زعفران دوازده شقال اسار و نمود و انیسون و فطر اسالینو  
دریونند چینی از هر یک چهار درم سنبل شست درم قسط سیخه و فقاخ از خرفه  
و حب لبان از هر یک کیدرم رب السوس فقه جعبه مصطکی شست  
از هر یک سدرم درم درم لبان پنجه درم منصف چهار درم کوشه و پنجه  
لعل سیرت شربت کیدرم تا دو درم با ال لعل **دوا** **المشک صغیر**  
منافع آن قریب بمنافع کبر است **صفحه** زعفران سیخه سنبل از هر یک  
دو درم قسط فقاخ از خرفه در چینی از هر یک درم کوشه و پنجه کیشاید و در  
لبان انکو تر کنند و روزی که لعل معجون سازند شربت کیشقال

**دوم روک** سیخه در چینی از هر یک یک مثقال روق کل سیخ و حمر آوده شغال  
 غسل سه وزن اودیه **دوار الکبریت** امراض لمغی سودایی و تبهای کهن  
 ناقص و تنگی نفس و سرفه لمغی و عسر البول اناغ باشد و سنگ کرده و  
 بریزانند و حضرت اودیه سمیه چون فیون و شوکران و سیخ اجاج را ذوق کند  
 و از جته گردان عقب و رتیل اناغ باشد **صفحه** گوگرد و زرد و بذر الینج سفید  
 قرمانا سیوه سایله از هر یک مشت در ممداب قسط تلخ از هر یک درم  
 فیون و زعفران از هر یک دو درم سیخه و دانه درم فلفل سفید درم  
 کوفته و نجیه لعبل معجون کند شربتی بمشغال **دومر با باد** است که در تلخ  
 راناع باشد **صفحه** هزار هفت حله از هر یک سی درم در پنج حقه قلی ال  
 و در فلفل عافره ها اسارون سیخه قسط زعفران زنجبیل از هر یک درم درم  
 کوفته و نجیه لعبل سیرت شربتی و درم **دوار الحلیت** تب مع و زاید  
 عقبه رتیلادمانندان راناع باشد و از جته تب در کجین بند  
 و بعد از آن که جمل روزه گذشته باشد و از جته گردین جانوران زهر  
 در شراب **صفحه** حلیت سداب مر فلفل مساوی کوفته و نجیه

لعبل

لعبل سیرت شربتی مقدار یک نخود **دوار الما ذر بوز** استسقا و اکثر امراض  
 سودایی و مغز راناع باشد **صفحه** ما ذر بوز در سرکه خیسانند یک شانه روز  
 و در سایه خشک کرده یک درم زیره کرمانی و نمک مندی و پوست لیلند زرد  
 از هر یک یک درم نیمون و تر بید سفید از هر یک یک درم کوفته و نجیه شربتی  
 دو درم بخورند **دوار التریب** حمیات لمغی راناع باشد **صفحه** زنجبیل مصطکی  
 از هر یک ده درم تر بید سفید درم شکر طبرزد چهل درم شربتی هر شش مثقال  
**دوار التریب** جن صفوه را که سبب آن حرارت باشد نافست **صفحه**  
 ترنجبین سفیدی درم در و در طبل شیر تازه بچوشانند تا بقوام آید و شرب و  
 لعقه نبوشند **دوار الحک** در تقویه باه فی نظیر است **صفحه** خشک شکاک  
 بکوبند و بنزد در آب خشک تر کنند و سبب باشد و در وقت آشامیدن بهر درم  
 و هر روز تازه بکینند چندانکه آب خشک تر سه وزن خشک شکاک بکارد  
 پس خشک کنند و سه درم از آن با ده درم شیر تازه و ده درم نبات  
 بنوشند و سرد مزاج قدری زنجبیل کوفته و نجیه اضافه نماید **دوار الوصل**  
 تولید می کند و لغو و آفرود و با سبب متومی باه بود **صفحه** آب سبب بخورد

و غسل و جزو بگوشانند تا بقوام آید در وقت خواب و ملحقه از آن بنوشند  
**دواء القوس** جهت ضعف معده که سبب آن برودت و رطوبت باشد  
بسیک سیاه بر وزن یک کاه و بریان کرده در دم خرف مخلوط نمودند  
و صغیر ناری از هر یک سه درم خشت الیدیده در دم سرت در دم باریک  
گفته **دواء الخطا** حنظل بلقی و سودا بی انافع باشد چون بدان غرضه  
کنند یا بر خراج طلا سازند **صفت** تخم کوشک انیسون نامخواه صفت  
دار چینی از زرد آمد طویل زعفران از هر یک ده درم کل سرخ است در دم  
درما الخطا لطیف از هر یک سی درم نشاسته نیش از هر یک چهار درم از وی  
سپرده عدد کوشه و خسته بپسند و استعمال نمایند **دواء الحرجل**  
همین خاصیت دارد **صفت** هزار اسپند تخم ترب حلیت مر لوز که  
نوشاد و مسوی کوشه و خسته استعمال نمایند **دیاقودا** منع زلا  
کند در سه فرسک را بغایت نافست **صفت** ششخاش سفید با بوی  
بست عدد تخم خطمی کثیر اصمغ عربی تخم خیارین بهدانه شیرین از  
هر یک چهار درم اصل السوسن بست درم زرد قطوناده درم مجموع درش

رطل

رطل آب باران خیسانند و دو ش با نه روز تا زخم خود پس ایشان زخم  
تا مبراشود و پودینه که بعد از آن صاف کند و یک فن سفید با ضمیر  
و بقوام آورند **دیاقودا** و **دیکر** قریب المنفقت منبجه اول ششخاش سفید  
با پوست ششخاش سیاه از هر یک ده شقال اصل السوسن بست درم  
و صمغ عربی از هر یک پنج شقال آب انار شیرین بست شقال قند سفید  
صد درم سرت سازند خاک کیمست **دیکر** و **دیکر** اکله و اسورد لحم  
زاهد را نافست **صفت** زرخ سرخ و زرخ زرد از هر یک شش درم  
مرکلی ده درم آب پزوه درم زنگار کیدرم کوشه و خسته بپسند  
بپسند و فرض سازند **دروسی** کلهوی اسپاه و دراز کند برنج  
برک مورد شیر بریان کرده مسوی کوشه و بر وزن مورد یا رطوبت  
سرسنم استعمال نمایند **دروسی** که کند با پود **صفت** شب بانی در آب  
حل کنند و باج ابدان بپزند و فست **دروسی** که حب الفرج و ام  
در از بخت و اخرج کند **صفت** قنبل سرخ حب البیل از هر یک چهار درم  
در نه ترکی دو درم زرد و بزرگ کالی متشتر از هر یک یک درم نکات سنی

در کمی کوشه و چغندر با شیر و شکر یا میزند و بیاشامند **داروی** که همین قوام  
دارد **صفحه** بنک کبابی قشقر از هر یک سه درم ترب سفید دو درم قنبل یک درم  
حب النیل یک درم نمک مندی درجی کوشه و چغندر خوب منقعی سرشته تالی  
نمایند **داروی** که چون برتش نهند از دو آن جانوران که زنده **صفحه**  
زلفت روحی گوگرد و شاخ کوزن باد آورده مساوی زفت با یکدیگر زنده  
و کوشه و چغندر را در با آن لیسر کنند و استعمال نمایند **داروی** که حبس عرق  
کنند **صفحه** برگ مورد و ورق گل سرخ صندل سرخ کلاب جوشاننده  
جامه را ترکشند و بپوشند **داروی** که نافع است از جبهه گرمی که  
در گوش باشد **صفحه** شراب و درم غسل درم روغن یک درم سفید چغندر  
منع و در چغندر مجموع را با هم مخلوط سازند و به ششم باره بدان ترکشند  
و نیم گرم در گوش بچکانند در آنجا نیکو کند یک ساعت بعد از آن  
بیکار آن ششم را پرودن کنند گرم پرودن آید **داروی** که از جهت  
کزیدن عقرب و حیه با نجا صید نافع باشد **صفحه** آهک برگ توت کوشه و روغن  
دنبه بر محل زخم نهند با آهک در زرده تخم مرغ بهم چغندر بزرخ نهند

در دوساکن کرد اندر اگر قلا کوشه بدو شتاب سرشته بر موضع کزندی مالند  
فی الحال در دوساکن شود و اگر کزوم را در روغن بچوشانند و با لایه کسی آهک  
کزوم مگردان روغن بر موضع کزندی مالند و دوساکن کرد و در اگر غسل  
آن روغن با مینند چون گوگرد اما در نراید از آن نیم درم بکام که دوگ مالند  
اگر در همه سر کزوم او را کزور در و کند و اگر حرکت کوشه بر موضع کزندی  
عقرب مالند در دوساکن کند و اگر سریش سر که ترکشند و بمالند و صبر علی کند  
و آن کزوم کسی که زبیده به شکر بکشد و بنام سوده و بر روغن جازع گرم کنند  
و بزرخ کزوم نهند فی الحال در دوساکن شود و اگر خود مغز و آنچه و سیر کوشه بزرخ  
مالند نافع است **داروی** **آتشک** بزین معنوی نافع است شقال خالایان  
مصطکی سورجان از هر یک دو درم ترب سفید و پنج نغف از هر یک نیم  
روغن کل و شقال آب لیمو و شقال سه بزسی شقال و اگر جهت آن  
باشد تو تیا و سفید آب مر در استنک از هر یک ده درم زنگار نیم درم  
اضافه نمایند و بطریق هر هم ترتیب نموده بدست متعارف بمالند  
**داروی** که سهوشی آورد **صفحه** انجون پنجم درم خشخاش سیاه ده درم

در سرطل آب جوشانند تا بر طلی آمد و نیم طل کند ماک در آن جوشانند  
تا آب تمام نیست شود پس کند ماک را خشک کنند و بگویند و کثقال از آن بر  
برند بخورد **در روی** که همین عمل کند **صفحه** تخم شمشیر سیاه تخم کاهواز هر یک  
نیم درم بذر البیج ده شقال جوشانند و صاف کنند با قند بقوام آردند  
شقالی از آن مسکه باشد و اگر شسته در شراب کنند هر که بخورد بخورد شود اگر  
خواهند که مست نزود و شربا شود هر که کهنه با کلاب برهند با دودغ کا  
بارف سرد کرده بوشند **در روی** که با قند از جهت حکم و بر ب و حکم  
سعد و آن ششی گویند **صفحه** پوست لیل زرد شش درم ساق  
و شاه تره از هر یک دو درم شش تین یک درم و نیم کوشه و نیم کوشه شمشیر کوشه  
ببر شش تین سبب قابل خورد **در روی** که شہوات رویه زنا را دفع کند  
**صفحه** مصطکی یک درم و دو خام نیم درم زیره کرمانی دانه نیم کوشه و نیم  
باده درم کافور شسته بوشند **در روی** که با قند از جهت درود  
که سبب آن حرارت باشد **صفحه** انیسون نیم دانه در دودغ کل عمل کنند  
و قدری نیمه بر آن تر کنند و بر دندان نهند نافع باشد **در روی** که نافع است

از هر

از جهت در دندان که سبب آن برودت باشد و آنرا تریاق الماس نامند  
**صفحه** چند پسته حلیث فلفل مرز و اند مدحرج زنجبیل مسویق انیسون  
بذر البیج مساوی کوشه و نیم پسته بوسل بر شند و پنبه ابدان تر کنند و بر دندان  
نهند **در روی** که همین منفعت آرد **صفحه** فلفل عاقر قرحا مویز زنجبیل  
از هر یک هر فروی بوزه ارمنی کچر و نیم کوشه و نیم پسته بوسل بر شند و استعمال نمایند  
**در روی** که در دندان سوراخ در رانغ باشد **صفحه** فلفل عاقر قرحا بازو  
فلفل عاقر قرحا را کجوند و بیاز و سبب شند و در سوراخ دندان گذارند  
**در روی** که لثه را کج کند و گوشت فرستد را بر ویانند **صفحه** کندر زرد  
مدحرج و مالاخوبین کرکند نیم سوسن مساوی کوشه و نیم پسته بسکنجبین  
عضلی بوشند و استعمال نمایند **در روی** که در دندان ترا ساکن کند **صفحه**  
عاقر قرحا مویز از هر یک دو درم یک درم یک شش تین تازه پسته شقال  
شیر کاه و ده شقال جوشانند و سبب از دندان نهند و اگر سدا تاز  
با مویز سیاه بگویند و بر دندان نهند همین عمل کند و الله اعلم بالصواب  
**باب النبال ذر و رکابیا** در دودغ است و در رانغ نافع باشد **صفحه**

انزروت پرورده بشیر نشاسته صمغ عربی نبات مسادی گوشه بجز  
چخته استعمال نمایند **ذو رصف** نافع است از جته کتیه المده دود  
چشم که سبب آن رطوبت باشد **صفه** انزروت مرابنج درم شایب اشیا  
دودرم صبر غدریم فیون چهاره آنک عفران بخدرم گوشه دخته استعمال  
**ذو راصف دیگر** انزروت مرابی ده درم صبر زعفران حفص ازهریک و  
درم صاف یک درم گوشه دخته استعمال نمایند **ذو رصف فرغ دیگر**  
که قرصه و مویز صمغ عربی سادنج عدسی مغول گوشه  
ذو ر سازند **ذو ر دیگر** که است برای رمد رانفع باشد **صفه** قلیبیا  
نقره سفیداب صبر قوطری ازهریک دودرم کتیر است درم صمغ عربی  
چهل درم کل سفید شخت درم نشاسته سی درم فیون ده درم  
گوشه دخته آب ازبانه پرورده شنج سوخته پرورده نوبیل درو سازند  
**ذو ر مادی** جرب و سبیل دو معده رانفع باشد **صفه** مامیران چنی کدریم  
توتیای کرمانی پرورده شنج سوخته پرورده نوبال مسخت مغول مر  
اصفغانی پرورده ازهریک ده درم گوشه دخته استعمال نمایند **ذو ر**

دوی

توتیای کرمانی پرورده شنج سوخته پرورده نوبال مسخت مغول مر

**دوی** مویز و شیره و قرصه رطوبه رانفع باشد **صفه** سفیداب ازهریک درم  
اقلیبیا نقره دودرم فیون دودر آنک دو حبه سادنج سفوف صمغ عربی درم  
و نیم انزروت نیم درم مسخت درو آنک دو حبه شادنج مغول چهار  
دراک گوشه دخته استعمال نمایند **ذو ر انزروت** قرصه را آنک کت  
**صفه** نشاسته درم انزروت مرابی هیدراج صاص ازهریک درم  
گوشه دخته درو سازند **ذو ر معسل** بیاض رانفع بود چون در فرینه نتو  
باشد **صفه** سرکین فطاف عاقرقرا انزروت زنگار محقونیا اقلیبیا گوشه  
دخته لبیل صفی اسرشتند استعمال نمایند **ذو ر** که موه در جرب ضعف  
نافع باشد و پرازموافق باشد **صفه** توتیای مغول نشاسته سفیداب  
ارزیز پوست تیلله زرد چوبه ازهریک بخدرم فلفل دودرم گوشه دخته استعمال  
نمایند **ذو ر** که نافع است از جته درو چشم کهنه و سرخی آب شقن  
**صفه** توتیای مغول نشاسته سفیداب ارزیز مسادی گوشه دخته  
ذو ر سازند **ذو ر** که نافع است از جته جرب و سبیل طفله و اکل  
جفن **صفه** اقلیبیا صمغ عربی درم عفران فلفل شکر از

هر یک دو درم فیون کیدرم صلیب کرده استعمال نمایند **ذره و قطره نیا**  
 مایشا ساج هندی جاما از هر یک دانگی نیم سمره نقل از کنار از هر یک کیدرم  
 کوفته و بخت ذره و سازند **ذره و دیگر** که از جهت در چشم اطفال  
 نافع باشد **صفت** از زردت مری چشمک از هر یک دو درم مایه دم الاخوان  
 از هر یک دو درم کوفته و بخت استعمال نمایند **ذره و کسته** در نقل و در  
 هلیله زرد و خنفس مر از هر یک دو درم زبد الجوز کیدرم مایه دم دو درم صبر  
 دانگی نیم کوفته و بخت استعمال نمایند **ذره و سیل** توتیای معمولی و شقال  
 مایه دم جنی دو درم زبد الجوز دو درم خنفس کج صبر سقوی طری و ارض  
 پوست هلیله زرد از هر یک کیدرم از زردت مری چهار شقال جمع غلی  
 یک شقال کوفته و بخت ذره و سازند **ذره و بیاض** ساج هندی  
 شندرم مس بخت سمره صفه مایه توپال س از هر یک دو درم  
 شادنج عدسی مفول مر صاف از هر یک کیدرم صدف بخت مایه دم  
 جنی از هر یک کیدرم صلیب کرده استعمال نمایند **ذره و کافوری** تا  
 از جهت حرارت چشم در **صفت** صدف کوفته و در مایه دم

اندریک

از هر یک دو درم شاسته کیدرم کافور دانگی صلیب کرده ذره و سازند  
**ذره و راجه** گوشت برویانه خون فتن از هر جهت مازاد در عا  
 نافع بود **صفت** از زردت مری مر کندرم الاخوان مساوی کوفته و بخت  
 استعمال نمایند **ذره و دیگر** که همین خاصیت دارد **صفت** از زردت مری  
 الاخوان کندر کلنا کل ارضی از هر یک کیدرم عدس شکر کیدرم کوفته و بخت  
 ذره و سازند **ذره و دیگر** که گوشت فاسد شده آنچورد و سر جرحت بند  
 و بخت کند در وقت بد شدن در اول جرحت بکشاید تری بر چند  
 و گوشت برویانه **صفت** از زردت چهار درم دم الاخوان دو درم کل  
 تخموم موز ارسنگ کندر از هر یک کیدرم و نیم کل ارضی شیان مایشا از  
 هر یک درمی نیم صبر سقوی زراوند مخرج از هر یک دو درم کوفته و بخت  
 استعمال نمایند **ذره و دیگر** که ناخت از جهت خروج مقعد سودر هم مقعد  
**صفت** سعیداب از زرد کلنا رشب بمانی مازو مساوی کوفته و بخت مقعد  
 بر وزن کل جرح کنند و بر آن نهند **ذره و دیگر** که استر خا  
 مقعد را نافع باشد **صفت** حفت لموط مازو قمار کندر شخ سوخته

کله شخ کوزن محرق مردار سنگ صدف سوخته اقلیمیا ساوی  
 صلیا کرده ذرور سازند **دزوری** که همین خاصیت دارد **صفه** حب مطبوخ  
 کله جوزا لسه و کاغذ سوخته از هر یک سه درم کوشه و بخت بر مفید  
 پستانه **دزوری** که سوختگی آتش و بر وزن گرم و مانند آنرا باغ  
**صفه** مردار سنگ ایک از هر یک قدری بکوبند و جای سوختگی از روغن  
 کل چرب کنند و این را در بار بار بجای آفتاب کنند در روز خشک شود  
**باب الزرار و غش قسط** فالج و لقوه دمده و جبک را سود دارد  
 و سیاهی روی نگاه دارد و اعصاب را قوت دهد **صفه** قسطه درم  
 فلفل فرنیون از هر یک سه درم عاقر قرحا چهار درم کله از سردی بود در کل  
 و فالج است خارا سود دارد قسطه درم عاقر قرحا هفت درم  
 سونج سه درم جدم کوشه کنند در چهار صد درم شراب کهنه بپزند  
 تا سیخ شود و یک بخت بماند و نصف از روغن حرش بماند  
 و نیز تا شراب برود و روغن بماند پس در هر روز درم روغن درون  
 فرنیون نازک اندازند و یک جوش بدهند و بره ارد کند چند پستتر

بروت دوزم

دو درم فنیون شراب کهنه صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط فلفل عاقر قرحا  
 نیم کوشه در شراب خیسانند یک شب صبح بچوشانند تا به نیمه آید بعد آن  
 روغن زیت در آن ریزند و چند آن بچوشانند که شراب برود و روغن بماند  
 بعد از آن چند پستتر و فرنیون کوشه و بخت در آنجا ریزند در زمانی که  
 آتش خن کشته باشد **دزوری** قسطه نیمه دیگر که در درج و مده بود  
 و مفاصل است خارا باغ باشد **صفه** قسطه نصب الزریره سنبل  
 ساوج هندی سیویه سیاه پنج درم سن قرفه پستانه از هر یک یک درم  
 راس خشک سیخه عود بلبلان از هر یک ده درم مرصاف قنفل از هر یک  
 چند درم مجموع نیم کوشه در سن من آب بنهند تا بکین آید و با نیم من  
 روغن کجند بچوشانند تا آب برود و روغن بماند **دزوری** قسطه بنوعی دیگر که در  
 معده را نافع باشد و چون پاشانند و چون بر صحنی که موی درت باشد  
 بمالند موی برود و اعصاب را محکم کند **صفه** قسطه پنج صد درم خرم  
 جوز چهل درم سلیمه شش درم مجموع نیم کوشه کنند و در شراب خیسانند  
 و یک شبانه روز دیگر بچوشانند و پاشانند و سه چهار یک روغن زیت

روغن کجند در شراب  
 قنفل عاقر قرحا  
 فلفل کوشه کرده  
 سیاه بنفشه  
 اب کهنه  
 روغن کجند  
 عمل کند



بار و عن کجند بران بریزند و بچوشانند تا روغن بماند **روغن قسط** به نسخه دیگر از  
 بار در انافع باشد و محمل ریح و مواد غلیظ و متوقی عصاب است **صفحه**  
 قرفل سیخه از هر یک ده درم قصبه از زیره سبیل ساج قرفه است  
 چند پسته قسط از هر یک پست درم پنج تنغش سی درم فرخنده در نیم کوشه  
 در آب بچوشانند تا مبراشود و بعد از آن صاف کرده در روغن کجند و بنام  
 نمایند و چندان بچوشانند که آب برود و روغن بماند **روغن شونیز** فالج و لثوه  
 و تشنج را سود دارد **صفحه** شونیز پست درم مغز بادام تلخ سی درم  
 بکوبند و روغن از آن روغن بشند **روغن زیتون** معده و حبس و  
 جمع اعضا را قوت دهد **صفحه** زیت بار و عن بادام تلخ بار و عن زرد  
 تلخ نیم من زیتون در می تازه در سرد نیم در شیشه کهنه چند روز در  
 آفتاب بیاید و **روغن فنیون** همه در دو پاکه از سردی بود و از آن فالج و سترخا  
 را سود دارد **صفحه** قسط ده درم عاقر قرحا هفت درم سوزج سد درم حبله  
 نیم کوشه کنند در چهار صد درم شراب کهنه بپزند تا سکنجش برود و یک  
 بخش بماند و نصف از روغن جنبری با آن پاشینند و بپزند تا شراب برود

دارو عن

در روغن بماند پس در هر ده درم روغن دو درم قرفل تازه اندازند و یک  
 جوش بپزند و بردارند **روغن سیسین** برودت و تشنج رحم را دارد  
 و کرده و دستانه سرد را گرم کرد **صفحه** سیخه حب لبان قسط از هر یک ده  
 درم قرفه قرفل مصطکی از هر یک پنج درم کل سوسن سی عدد زعفران ده  
 درم زردی از سوسن بردارند و کزک طل و نیم روغن کجند در شیشه کهنه  
 دارد و با کوشه بر روی آن کنند و در زردی یک شتاب بنهند در ساجیل  
 روز یکبار از ناپس سردی آورند و نگاه دارند **روغن پندیر** مسهل شیم  
 بود و اعصاب از رطوبت پاک کند پندیر کجیر بریان کرده نرم کوبند و  
 بچوشانند و کت میکیزند و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند و آب نرود  
 بماند آب بپزند و آن کف بچوشانند که تمام بار و عن صاف میشود **روغن**  
**پندیر کجیر** افلیج و لثوه و سده و حبس که در سبب زانافع باشد و تو لثوه کجیر  
**صفحه** تا نخواه صغره خود که کوی کجیر کس انبوس مصطکی اسارون از  
 هر یک ده درم شطرنج مثل از هر یک پنج درم کجیر کجیر زردی و در روغن  
 عرقی از هر یک درم زنجبیل در روغن قاقله خیر و اکاب در غلغل

جوزیاب با سه شویز قسط کرده پانزده یک چهارم و نیم کوشه بخنیا نند در  
 آب یک شانه بماند و در پنج شانه تا زخم شود و با لایند و صد و پنجاه درم روغن سید  
 انجیر ساده بر روی آن کشند و بچوشانند تا آب برود در روغن بماند و شربت  
 دو درم تا سه درم با اصل **روغن ترب** روغن ترب تا شند روغن ترب  
 بود در کم تر از روغن سید انجیر باشد در کوشش رافع بود و با او که در کوشش بود  
 دفع کند **صفه** آب ترب هر چه در روغن کجند کجند و بچوشانند تا آب  
 برود و روغن بماند **روغن شکر** عسل النول عظیم را رافع باشد **صفه** خشک  
 و شقال پنجیل چهار شقال نیم کوشه بچوشانند تا آب برود و روغن بماند  
**روغن کدو** بوسیدن مالیدن آن سرسام و با انجیر یا رافع بود **صفه** کدو  
 تازه بستانند پوست از آن بخرشند و با شکر کوبند و آب آن کپزند  
 چهارم روغن کجند روغن سید انجیر بچوشانند تا آب برود و  
 روغن بماند اما بهتر است که از مغز و آنکه کدی خشک کپزند و بچوشانند روغن باکم  
**روغن بجان** نافع در در زانو رافع باشد **صفه** آب بجان دو جز و روغن  
 کجند کجند و بچوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن لاله** معده سرد را

لله

گرم کند **صفه** برک لاله از نبات آن جدا کنند و در شیشه کنند و روغن کجند با  
 زیت برایش بریزند و بجایه در آفتاب بپاویزند **روغن** که در کوشش که از کوشی  
 باشد را این **صفه** روغن ان شفتا لوده درم روغن بلور شمرین پنجاه گرم  
 کنند سی درم بکند و بچوشانند تا آب برود و روغن بماند در  
 کوشش چکانند **روغن کندر** در کوشش که از سردی بود را این **صفه** کندر  
 صبر مرکب مصطکی چند سید تر حوض زهره کاوا از هر یک یک درم روغن باکم  
 تلخ سبب درم شراب کهنه چهل درم ادویه کوشه با شراب روغن کجوشانند  
 تا روغن بماند و با لایند و در کوشش چکانند **روغن مصطکی** معده راقوت دهد  
**صفه** روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند و در مصطکی بر روی  
 بریزند و یکی را تا نیمه آب کشند و آن شب بشه را در میان آن یک کوزیند  
 و آبش کشند تا آب بچوشد چند آنکه مصطکی که چشمه شود **روغن مود** که موی  
 کناه دارد و کپه ریشیه باشد بر داند **صفه** بکیر نذاب سرد سه جز و روغن  
 زیت کجند و با یکدیگر بچوشانند تا زوایا که آب برود و روغن بماند قدری  
 لادن در آن اندازند تا بکند از و فرو گیرند **روغن مکر** که موی الحافظت کنند

**صفحه** پوست بلیک کبابی از بزرگ مورد از یک کج و در شرب آب بجای خیسانیک  
 شانه زور پس بنزد و پلانید و کج و در غن بنجد در آن ریزند در هر صد در غن  
 ده درم لادن در وقت فراغت پس از غذا بگذارند و فرود گیرند و موی را  
 چوب کشند و صباح در حمام بنشینند **روغن دیگر** که موی سیاه دارد در دواز  
 کند و از افسان نگاه دارد **صفحه** ساوج هندی جاما خضص کی لادن آبله از  
 هر یک چند گرم کوفته در سرطل آب بنزد تا بر طلی آید و یکطل روغن کج در آن ریزد  
 و بچوشانند تا کباب برود و روغن بماند هر روز بزرگ جغندر بنشیند و این روغن  
 میمانند **روغن دیگر** که موی سیاه کند ششماه سیاهی آن بماند **صفحه**  
 جو زندی و سران بردارند و مغز هر کس کشند و بیترود درم از آن مغز بادام  
 آله و ده درم کراوه آهن و نیم درم بوزه از سنی درم ساینده خورد و در میان آن  
 خوب کشند و سران بنجیر محکم کنند و تمام آن جو در کل حکمت گیرند و در میان  
 اشش از بند هر چون آورند و روغن که از آن زانید شود در موی آینه کشند  
 حاصل شود **روغن سماوی** سیاه کند و عرق النساء و اوجاع مفاصل را نافع  
 باشد **صفحه** بک خوابک چهار یک در روغن آب بچوشانند تا بکس آید و پلانید

دعای

و با نیم روغن کج بچوشانند تا روغن بماند **روغن آله** موی سیاه کند  
 قوی کرد اند **صفحه** آله قشمر بزرگ مورد پوست پنج صنوبر مسادی کوفته در آب  
 بنزد تا مراد شود و صاف کنند و بچوشانند روغن کج اضافه نمایند  
 بچوشانند تا روغن بماند **روغن پنجم** دو هفت بر هر موضع که بمالند موی  
 برود یا نکند کج بزرگه سوراج کشند و از هر چون بنزد و وسیع عدد زنده تخم  
 مرغ در اندرون آن خرز به ریزند با پنج سیر روغن زیت بزرگ مورد کوفته و  
 براده آهن صلابه کرده از هر یک دو درم سوراج خرز به را محکم کنند و در کل  
 حکمت گیرند و یک شب در تنوشند و روز دیگر هر چون آورند و کل از آن جدا  
 کنند و این خرز به را با روغن زیت بمالند تا نرم شود و نگاه دارند **روغن ششم** که  
 سهر با فراط آورد چون بر بنی آینه **صفحه** نوشاد و نمک نبطی سپندان تخم  
 جرجهر فلفل سیاه زنجبیل ککنج مسادی نیم کوفته کنند و در آب بچوشانند  
 تا مراد شود پس صاف کنند و بچوشانند آب و روغن سید کج بچوشانند خیزد  
 آب برود و روغن بماند **روغن هفتم** معده را قوت دهد و حسی عرق کشند  
 و اگر بروی کتک کشند و باز خوردن سهال آید و **صفحه** آب بر

در جزو آب یک مود بخورد در روغن کل که بجز بچوشانند تا آب برود در روغن نماید  
**روغن زرد نو** مستفاد نافع بود **صفت** یک مازولون یک چهار یک در سینه آب  
بچوشانند تا نیمه یک مود سه وقته روغن با دوام در آن بچینند و بچوشانند تا روغن  
بماند شربت یک مود با شیر شکر اعرابی **روغن غیب بادام** سرد و تر بود و جرب ا  
مالیدن نافع بود و صلابت و معاصر را نرم کند و در اخراج مالیدن صحت آنرا  
نکته دارد و دفع بخوابی کند **صفت** مغز بادام شیرین که تلخ در او نشاء  
سفید کنند و نیم کنند و خشک کرده اند در روغن بادام کلین بشک  
بروشین برینند و در جرب طبع که باس نور و روز در میان بید شک برینند  
و بعد از آن بید شک از جود بچینند و بچینند تازه برویش برینند هر  
دیگر با روغن برویش برینند و چند روز در زجانه خواب کنند تا نیک بچینند  
بکیر و بعد از آن معلق بپاویزند تا نیک خشک شود و روغن از آن جدا کنند  
و روغن از آن کشند چنانکه رسم است **روغن بادام** معتدل بود در حرارت  
در دودت و باغ را نافع بود و فهم سفر اید و اسهال ماری باز دارد و در دودت که از  
کرمی باشد سوود دارد و چون در آب سرکه بریند صاحب جرب بالنافع باشد

چون غیب بادام است بچای غیبش در ق کل کنند هر دو من با دوام در سینه  
کل سرخ کنند **روغن کل سرخ** و سفید شقایق و دایمی **در کسین سدا**  
**دشیت** در هر چه تازه باشد دوست است که در شیشه کنند و در آب شکر بریند  
**روغن جگر** که از او سوسن المبارک گویند مخصوص بسیار دارد و گرم تر از نطف سفید  
و لطیفه دامراض بارده را بغایت سودمند بود و جهت کردن عمقرب کسی که  
افسوس در بذر البیخ خورد باشد نافع بود **صفت** آجر سرخ آب نمیده با دوام  
با دوام کنند و در کوش اندازند تا سرخ شود و با نمبر که بریند و در روغن زیت  
اندازند و بعد از آن برین آورند و خورد کنند و در شیشه که کل حکمت  
گرفته باشند کنند در سرش بموی آب بکیرند و بکلکنی که سوراخ در آن  
باشد و بر فحم کنند و آنش در آن اندازند و پتیری در زیر شیشه نهند و روغن  
که بکلک نگاه دارند **روغن سورنجان** معاصر نافع بود **صفت** سورنجان  
قصب الزیره نیمه که شسته بچینانند یک شب بماند و روز دیگر بچوشانند تا بر شود  
و به بالانید و آب کز سس صافه نمایند و تا یک چهار یک و روغن زیت  
بچوشانند تا آب برود و روغن بماند **روغن کران** بواسیر را نافع بود

**صفه** آب کنده روغن بجز نیمین با ده درم متان بچوشانند تا آب برود و روغن  
 بماند **روغن تاقره** جهت دفع سرخس از زال نظیر نذر و چون کف با برهمن  
 چرک کشند **صفه** تاقره هندی از پوست پاک کنند و نیم کوزه در میان  
 شیشه کردن دراز کنند و سر شیشه را بوی آب محکم کنند و شیشه را کلکت  
 گیرند و در کاسه بزرگ که آتش قرآن کرده ترتیب نمایند و حج کاسه را سوراخ  
 کنند و سر شیشه را از آن سوراخ هر دو آورند و در زیر شیشه پالانند و  
 کاسه را بر بالای سه پایه بنهند و آتش را بر بالای شیشه کنند در اندرون کاسه  
 در روغنی که از آن بچکد نگاه دارند **روغن عقرب** سنگ مشانه را با باره پاکیزه  
 و بدون آرد **صفه** روغن بجز هندی خنیا نا پوست پنج که از بزرگ  
 یک قیر روغن با دانه تلخ که برطل و اربا کوفته در شیشه کنند و روغن بر سر  
 آن بزنند و کهنه در آفتاب نهند و بعد از آن پالانند و ده عقرب  
 زنده در آن اندازند و سر شیشه به بنند و کهنه دیگر در آفتاب بگذارند  
 و پالانند و دو قطره از آن در حلال بچکانند **روغن نارودین** منقول از  
 قانون اوجاع باره چشم و قوت لجاج و بعضی روغنی با شعله بادای

علی

غلیظ را دفع کند در دوش سکن کردند و چون در غنی بچکانند صداع  
 شقیقه باره را سود و از دوزخک استخواب کردند و در حم را گرم کردند و چون در  
 احلیل بچکانند امراضی که نافع باشد در این روغن شرف و غنماست و نافع  
 این بسیار است **صفه** قصب الزیره سعد و ورق الغار و عود لبان لک  
 ساج هندی بر یک مورد و از خراش اهل اسن فرودمانه زنجوش بر یک پست درم  
 نیم کوفته در شراب آب جنینانند صاف کنند و سنبل روی و قندیل و میخ  
 کوفته کنند با آب و شراب این روغن صافی بچوشانند و صاف کنند و روغن  
 لبان شصت درم با آن ضم کنند و چوشانند تا آب برود و روغن بماند  
**روغن نارودین** کبر او را صلبه معده را نافع باشد **صفه** روغن این کابل  
 سنبل غم و قیر مصطکی قسط سعد و زعفران و قصب الزیره از هر یک یک درم نیم کوفته  
 و در شیشه کنند و سرش محکم سازند و یک معنه در آفتاب بگذارند و بعد از آن  
 صاف کنند و او دیده را در یک باره در آن بزنند و چشمان با نوبت بگذارند  
 صاف کرده استعمال نمایند **روغن القاص** سنگ گزده و مشانه را بزنند  
**صفه** کبیرز عقرب با روغن شیشه محکم کنند و در کلکت گیرند و در تور گرم کنند

روغن  
 صاف  
 در  
 روغن  
 صاف  
 در

ساعت پس هر دو آورند کوفته در مجرای خجست یکدک استعمال نمایند **باب الا**  
**زرغونی** است که در کوزه در محکم کند و معده را قوت دهد و بلغم وضع کند و  
بوی زمین خوشتر کند و آب از دهن بر نفس باز دارد و باد پاشکند در یک  
از شان باک کند **صفحه** شکر کزنس شکر کند شکر شکر شکر شکر شکر شکر شکر شکر شکر  
شکر خیزه مغز شکر باد رنگ شکر کزنس از هر یک شکر شکر عاقر قرحه از هر یک  
مصطکی عود و خام از هر یک شکر دم بسا که تر نفل کبابه جنی فلفلویه از هر یک سه  
درم غنچه شکر یک شکر شکر عدس در وزن او و یک کوفته در پنجه تان بسازند و بعد از  
دو ماه استعمال کنند **زرغونی دیگر** منی بنفشه از هر یک در وقت دهد و پشت کرد  
رحم کند و در اجسامت عظیم نافع باشد **صفحه** شکر کزنس شکر کند شکر  
شکر  
القلقل مغز زنجبیل از هر یک مغز از جل تازه مغز فلفلویه از هر یک شکر شکر شکر شکر شکر شکر شکر شکر شکر شکر  
تر نفل فلفلویه عاقر قرحه کبابه زنجبیل شکر  
شکر کند ما خولجان بخور بواکل سرخ تر فلفل از هر یک سه درم کل تر فلفل  
زرغوان کند از هر یک چهار درم بیون بوزیدان همین سرخ همین بنفشه

شقایق

شقایق لسان العصفای از هر یک پنجاه درم بصل العاقر بر این کرده خسته الثعلب  
تصنیف کاوه و سه مغز کله کجشک زرشک مرغی کش خرماز از هر یک سه شقال  
غنچه شکر و شقال مشک خالص نیم شقال قند بوزن او و عسل بوزن  
جمع بطریق معمول و معجون از هر یک درم مزاج در شقال نبوشه و از عقاب آن  
ده درم شیر تازه دوده درم شکر در آن حل کرده پاشاند و سر در مزاج پنجاه درم  
فرود و بعد از آن یک کاسه ماء العسل بپاشد و در آن یک کاسه **باب السین فرعی**  
**مسلم** معده را قوت دهد و شتهای عالم آورد و قوی بکشد **صفحه**  
بصفا مانعی را از پوست و اندام که گشتند نیم درم و در سر که با شراب بپوشند  
تا مبر شود و از غزال پروکن گشتند و یکین عسل صاف بر سر آن بزنند و بپوشند  
تا بقولام آید و این در روزها که کوفته و خجست بدان بسازند زنجبیل در نفل  
قافیه کبابه و صفار در از جنی زعفران از هر یک سه درم مصطکی پنجاه درم بر بنفشه  
سی درم مقونیا ده درم سرخی از شقال تا هفت شقال باک گرم حبه قویج  
نافع باشد **صفحه** صاحب مزاج که در اموات باشد در نفل کابولان  
داد ازین حبه محمد کرایا این اسفنجی است تانی نام نهاده **صفحه** مقونیا

دو درم نیم تر بر بغیده دو درم مغز خیار خردم درق کل سرخ و طباشیر از هر یک  
 دو درم نیم کبرخچین و عصاره بوازهر یک پنجاه درم آب بر در خچین بچوشا  
 چند آنکه در خچین کدخت شود و بقوام آمد پس در او با کوفته و خخته آن بپزند  
 و این جمله شربت است **سفرجی مسک** شکم به بند و معدده را قوت به  
 و دفعی کند و لون بر سبک که در اندک است نمای طعمه آورد **صفه** به ضمه  
 از پوست دانها که کرده نیم من در سر که بچوشا نند تا مترا شود و بعد از آن  
 بکوبند و نیم من پل بر سر آن بریزند و بچوشا نند تا بقوام آید فری که در این  
 دارو را کوفته و خخته آن بپزند و بچوشا نند و فلفل و زعفران از هر یک چهار  
 درم تخم کرفس ناخواه زعفران از هر یک دو درم شربت بهما و شغال **سیریا**  
 بادای حلیط را دفع کند و در دندان و قولنج و عسر البول المعنی اسود دارد  
 و سده جب که بشاید و صلابه از آن به تحلیل برود و معدده را گرم کرد و اندک خسته را نافع  
 باشد و سرد مزاج را موافی باشد **صفه** چند پدیدتر در چینی انیون اسان  
 قوسود و تو از هر یک یک درم فلفل و زعفران قطط با رز و از هر یک شش درم  
 زعفران نیم درم با رز و در عمل کند از رز و در او با کوفته و خخته آن بپزند

دو

و بعد از ششماه استعمال نماند شربت و در شغال آورد درم آب که **سکچین**  
**ساده** صغارا دفع کند و محر و مزاج را نافع باشد و بهمای حاره و جب که گرم  
 نافع باشد و شنگلی نباشد و سده بکشاید و بول براند **صفه** قند فید کین در  
 دیکت نند و یک چهار یک سر که صاف بر روی آن بریزند و بچوشا نند تا بقوام  
 آید و یک قیه کلاب بر سر آن بریزند و فرود گیرند **سکچین** بزوری بار سده  
 جگر کشاید و بول براند و استقا و بهمای حاره را نافع باشد و شنگلی نباشد  
**صفه** پوست سنج کا سنی صحت درم سخمه از هر یک چند درم نیم کوفته و در آب  
 یک چهار یک سر که خیسانند یک شب بماند روز دیگر بچوشا نند و سالانید کین قند  
 بقوام آرد و فرود گیرند **سکچین** **جاری** سده معدده جب که بشاید و  
 بول براند و فضول از معدده پاک کند و سستی را نافع باشد **صفه** تخم کاسنی  
 نیم کوفته تخم کشوت تخم کرفس از هر یک پنج درم پوست سنج در از بار پوست  
 سنج کرفس از هر یک دو درم در آب و سر که خیسانند چنانکه ذکر کرده شد و یک  
 قند اضافت کنند و بقوام آورند **سکچین** **بونی** رقان مرده و حکر که از کرم  
 سود دارد **صفه** تخم کاسنی نیم کوفته شربت درم شانه سنج و تخم کشوت از

یکم قند وزن طبیب  
 ده بر است

هر یک ده درم ریوندر چینی چند درم ریوندر کوفته در کب سبندند با دوی دیگر  
 در دوسن آب بچوشانند در زمان زمان کینه ریوندر را بدست بمانند تا شربت تمام  
 باز دهد بعد از آن صاف کنند و با کین قند و چهل مثقال سرکه بچوشانند  
 تا بقوام آید شربت با نوره درم چند درم کلاب **کنجین ریوندری نوع دیگر**  
 در دوجک را سود دارد و سه کبشاید و طبع را نرم کند **صفه** ریوندر چینی سی  
 درم ترب سفید بشناج مستقی کخم کاستنی نیم کوفته از هر یک پست درم  
 غاریقون چند درم مجموع را در دوسن آب بنزند و سه درم دوانی بخوبل  
 کوفته صاف نمایند و صاف کنند و با یک چهار یک سرکه و کین نیم قند  
 چنانکه ذکر رفت بچوشانند تا بقوام آید **کنجین ریوندری معتدل شده**  
 در سبز و حبه کک کشاید و بول براند و تهمای هر که انافع باشد **صفه** کخم  
 کاستنی از زمانه کخم کفن از هر یک سه درم کخم نیلوفر و کشتوت از هر  
 یک چند درم پست کخم کاستنی پست کخم از زمانه از هر یک هفت درم  
 مجموع نیم کوفته در سه رطل آب پست درم سرکه خیسانند یک شانه  
 دیگر بچوشانند و با کین قند بقوام آید **کنجین رمانی** تهمای موفه

را و جگر و معدنه گرم را سود دارد و قشنگی نباشد **صفه** آب انار شیرین و آب  
 انار ترش از هر یک نیم من بچوشانند تا بقوام آید و قدری زرشک سرکه صاف  
 یک چهار یک کین قند صاف کنند و بچوشانند و بقوام آید و اگر بجای سرکه  
 آب لیمو کنند صواب باشد **کنجین لیموسی** که همین خاصیت دارد  
**صفه** آب برنجان مثقال هر که صاف و کلاب آب لیمو از هر یک سی مثقال  
 قند غنچه کین بچوشانند و بقوام آید **کنجین دیگر** که صلابت سبز را  
 نافع باشد **صفه** ریوندر چینی غاریقون پست کخم کب پست درخت سید  
 کزبانج قند بیون عافیت کخم کشتوت کخم کاستنی از هر یک ده درم  
 چهار یک سرکه و آب خیسانند و بچوشانند و با کین قند بقوام آید **کنجین**  
**دیگر** که حرارت خمار و صفر انباشند و اسهال صفرایی باز دارد و کسی که لاله  
 بدید آمده باشد نافع باشد **صفه** سرکه گندم و کلاب از هر یک یک چهار یک  
 برک کل سنجاه درم کنا پست درم در سرکه و کلاب خیسانند سه شانه  
 پس بچوشانند و با لاینه و با کین قند بقوام آید **کنجین فنی**  
 بالجو لیا را و اصحاب خارش و صرع را نافع باشد **صفه** آستیمونج و درم



بسفاج فستقی تر به سفید از هر یک شد درم کا زبان پر سیاوشان  
 شخم کاسنی ابرسان شخم کثوث پوست شخم کاسنی از هر یک چند درم حاشا  
 درق کل سرخ کافیتوس از هر یک چهار درم شخم با درخ زنجشک با در  
 بنجویه زرباد درون شخم عقری بهمن سفید ساوج هندی قاقله سنبل از هر  
 یک سه درم کل قند اشافی بوزن او دویه در سرکه دایب خیسانند یک شبانه  
 روز و بچوشانند و با یک فنق بقوام آورند **سکنجبین فتمیونی نوع دیگر**  
 اسطوخودوس رازبان شاه تره از هر یک چند درم نیمون بسفاج  
 فستقی سارگی پوست ایلکه کابی از هر یک ده درم نیم کوشه در نگاه درم  
 سرکه خیسانند و با نیم فنق بقوام آورند **سکنجبین فوه استقوا**  
 صلابت طحال و درم صلابت بکرانافع بود و سده بجشاید **صفه رازبان**  
 پوست شخم کرفس پوست شخم کبر شخم کاسنی انیسون و پوست شخم کاسنی  
 خشک رو فافوه عافش نشتین از هر یک ده درم شخم کثوث پوست شخم  
 کرفس حمیده سنبل اسارون از هر یک فنق درم در صد درم سرکه سفید  
 و یک فنق بقوام آورند **سکنجبین عصفلی** ضیق النفس در بود سرفه مغزی رانافع

بود **صفه** سرکه عصفلی یک چهار یک عسل صغی کمین بچوشانند بقوام **سکنجبین**  
**عصفلی نوع دیگر** استقوا در دورد بهلکه از سردی بود و سرفه کینه مغزی فالج و  
 لقوه در سر سام مغزی ضیق النفس رانافع باشد و سده بجشاید و بچورد و بندازد  
**صفه** سرکه عصفلی کمین زنجبیل رازبان انیسون حلیت عاقره خافوه دشتی  
 از هر یک ده درم شخم کرفس زربیه کرمانی قند مانا از هر یک چند درم او دویه نیم کوشه  
 کنند و در سرکه عصفلی یک چهار یک عسل صغی خیسانند یک معده در اشا  
 نهند و بعد از آن با لایند و نگاه و از نردوشن از طعام سی درم استمال  
 نمایند **سرکه عصفلی** شخم دندان سخت کند و بوی من خوش کند **صفه**  
 کیمند با فضل و بکار و چون پاک کنند و در ریسمان شند بشا کیمند  
 بخت در چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک شود و بعد از آن در ظرفی  
 کنند و هر یکین هزارانه من سرکه کهنه درخس نمانند و دو ماه در اشا نهند  
 و بکار دارند که سفید است **سغوف طباشیر دل گرمی** اسود دارد **سغوف کلخ**  
 طباشیر از هر یک سه درم شخم خشک و در درم بجز مر و ایدنا شسته با  
 از هر یک نیم درم کافور دانی دو درم **سکنجبین** سفر جلی **سغوف مرغ** خفقا

سرد را سود دارد و در پنج عقرب فی اسان الشور از هر یک شش درم نرین باد  
دو درم کوفته و پنج شربت میثقال چهار یک ما شراب کهنه با مارسل  
**سفوف قاقله** معده سرد تر را سود دارد **صفحه** و نفل کبابه از هر یک پنجم  
سین و مصطکی از هر یک سه درم عود خام پست درم شکر طبرزد  
بوزن همه شربت میثقال باده درم کلقد **سفوف خاص** شہوت طین  
و شہوات رذیلة زمان حامله را نافع باشد **صفحه** قاقله خیره بواجب سادی  
شکر بوزن همه شربت ده درم آب کرم **سفوف کرب** شحم کاسنی  
شحم کرب زرشک منقعی عدس منقش سماق کل سبز طبا نیر سادی  
کوفته و پنج شربت سه درم آب طسوج کافور در آب نار حل کرده  
نبوشند **سفوف دیگر** که دفع سرعت مینی کند **صفحه** شحم کرب مغز باد  
شیرین مغز باد ام تیخ پودنه از هر یک سه درم ناخواه نمک سداب زیره از  
هر یک یک درم کوفته و پنج در آب نار حل کنند باز خورد شربت سه درم  
**سفوف انیسون** با دای می معده را دفع کند و معده از اخلاط غلیظ پاک کند  
**صفحه** ناخواه شحم لرض از هر یک پنجم کند ز قاع از غر قسط مصطکی از

یک

هر یک سه درم سندان سفید درمی کوفته و پنجت با فانید بسبب شربت  
پنجم **سفوف جز اسهال** یعنی باز دارد **صفحه** جوز بریان کرده سه درم ناخواه  
یک درم کند ز نیم درم کوفته باب کرم نبوشند **سفوف مقلبا** بوی میوه  
اسهال کند و ترخ و ضعف معده را نافع باشد **صفحه** شحم تره تیزک پست ام  
زیره کرفانی در سه که خیس اند و خشک کرده بریان پنج شقال نذر الکسان و شحم  
کند نا بیلید سیاه در روغن نسبت بریان کرده از هر یک و شقال مصطکی  
یک شقال مجموع کوفته سوی شحم تره تیزک شربت دو درم آب سرد **سفوف دیگر**  
که سلس البول را نافع باشد **صفحه** لوط سحاه درم کند سبی درم شکر نیر خشک با  
کرده کل اینی صمغ عربی از هر یک دو درم کلنا کرنا زنج از هر یک پنجم شربت  
درم آب خالص **سفوف** که همین خاصیت دارد **صفحه** کند رسوخو نخان  
زیره کرفانی شاه لوط سحاب لاس سادی کوفته و پنجت نبوشند **صفحه**  
**نمک** معده و جگر و اوجاع مفاصل و امراض که سبب آن است لایا باشد  
نافع بود **صفحه** نمک طعام سی درم فلفل سفید پست درم زنجبیل بازده درم  
انیسون پنجت درم شحم جز ناخواه نوشاد فلفل سیاه پودنه از هر یک ده

درم کوفته بخت شربت سرد درم باب گرم **سفوف بلبل** درم حکر امانغ بود  
**صفه** بلبلک سیاه پوست بیلک کابلی از هر یک جمل درم تخم کرفس انیسون  
 رازانه از هر یک چند درم کوفته بخت شربت سرد درم باشیر شتر **سفوف بکر**  
 درم حکر اسود دارد بول براند **صفه** تخم خربزه تخم خیارین از هر یک چند درم  
 تخم کاسنی تخم کشت از هر یک درم تخم کرفس انیسون رازانه شربت  
 السوسن از هر یک درم عصاره زرشک چهار درم بول کفقالک کفقالک  
 چهار دانگ زعفران سبیل اصطلی نستین از هر یک یک درم کافور دو  
 دانگ شربت سرد درم **سفوف فزبی** نخود سفید خواجه درم در سرکه قدری  
 آب جینا نیک شبانه روز و خشک برنج خشک کرده مان سیده  
 خشک کرده از هر یکی درمی مغز بادام قشر شست درم کشک چوک کشک  
 از هر یک سی درم خنکاش سفیدی درم شکر طبرزد نیم من مجموع کوفته در  
 یکدیگر مزوج سازند و صبر صباح سی درم باشیر تازه باشد **صفه سفوف**  
**پروسی** از جهت زحیر مجرب است **صفه** تخم تره بزرگ بریان کرده بزقطونا  
 بریان کرده باهل بریان کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی تخم کندنا تخم

شبت

شبت خنکاش انیسون تخم کرفس نذر ابلخ از هر یک دو درم نیم انیسون سرد درم  
 دو دانگ کوفته بخت رازان سفوف سازند **صفوفی** کففت درم امانغ  
 باشد **صفه** طباشیر کل سرخ کل ارغنی کل مخت هم ساج عدسی معول تخم خرفه  
 از هر یک چند درم سبک با مر و اریزما سفوف خنکاش سفید رب السوسن قاتیبا  
 عصاره لحیه البتیس از هر یک درم بزقطونا شربت درم فیون درم  
 مجموع کوفته بخت سردی بزقطونا سفوف سازند شربت دو درم باب  
 باران یا آب برک خرفه الزهر ارت قوی باشد سرد درم کندر اخضاق این دارو  
 نمایند **صفوف جالبان** ضعف معده اعمه اسهال مراری امانغ بود **صفه** انار  
 دانه بریان کرده دو درم لوط سماق زیره کرمانی مدبر حب الماس سنجید  
 کشنیر خشک بریان کرده خرنوبت نبطی از کینار از هر یک چند درم عود خام  
 چند درم انک کفقالک کوفته بخت بارب نار استمال نمایند شربت درم  
**سفوف الطین** و آنرا سفوف الطین مع النساء نیز گویند اسهال مراری موهی  
 ناف بود **صفه** بزقطونا ریحان تخم مر و ونفاست تخم حاض بریان  
 کرده صمغ عربی کل ارغنی طباشیر مساوی کوفته بغیر از سه تخم اول یکدیگر با هم

شربت سرد درم بر وزن کن دوام حرکت کند و بکباب تر کرده فروزند **صفت**  
**ابن سوسیه** چته ترخ و در جمع و اعراض سحر نافست **صفت** تخم خطمی مقشر  
 تخم حیارین مقشر از هر یک چندم نشانست بریان کرده سرد درم صمغ عربی  
 کل ارمنی از هر یک دو درم کوشه و پنجست شربت سرد درم صمغ عربی  
 مساباتی که طباشیر و کل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع بوده باشد نافذ بود  
**سفوفی** که شکم پست و در صمغ معده را نافذ بود **صفت** سماق یا نخود  
 زنجبیل نار و زنده بریان کرده زرشک منقی اردکنار از هر یک دو درم نبات سفید  
 کوشه پست درم شربت یکمقال **صفت** سماق شکرکی نشانند و اسهال  
 معده ای نافذ باشد **صفت** سماق ده درم حب لاس نار و زنده بریان کرده  
 از هر یک چندم صمغ عربی کلنار از هر یک دو درم کوشه و پنجست استعمال نمایند  
 شربت یکمقال **صفت** و **نور** نقرس و مناسل و عرق السار نافذ شد  
**صفت** سوربخان مصری ده درم سنا کی هست درم پوست بلبله  
 زرد مغز بادام مقشر از هر یک سرد درم زعفران نیم درم تمونیا یک درم سفید  
 سی درم داکرا ده یعنی باشد تریب سفید پنجمقال اضاف نمایند و تمونیا نیم درم

یاده

زیاد کنند **صفت** **سرفوف** **سرفوف** که مسلول ابغایت نافذ بود **صفت** سرفوف  
 نهری محرق دو درم طین قبری صمغ عربی خشخاش سفید خشخاش سیاه مغز تخم  
 خربزه از هر یک چندم کوشه و پنجست شربت یکمقال با شراب نار شیرین یا  
 شراب خشخاش دهند **صفت** **سفوفی** که سنگ کرده و شانه اطفال پاک کند  
**صفت** مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ لوقالت مساوی کوشه و پنجست شربت  
 نیم درم تا یک درم **صفت** **سفوفی** که خفقان گرم را نافذ باشد **صفت** کل ارمنی زنجبیل  
 خشک از هر یک یک درم طباشیر کبریا از هر یک نیم درم کافور دانه کوشه و پنجست  
 باد و غ کاوه دهند **صفت** **سرفوف** **سرفوف** که از برای آفت در ساخته بود  
 ذرب و تسای معده و زردی روی و در سوسان سیار نافذ بود  
 طعام را هضم کند و بوی دهن خوش کند و در ارقوت **صفت** **توف**  
 ساوج عود بهال اسارون مصطکی بلبله کابلی زنجبیل نرسک زبیره  
 کرفانی در این است نه فلفل در اطفال زنجبیل و فلفل نار دانه جوز بوکا  
 فاعله از هر یک دو درم مشک عنبر از هر یک یک درم شربت تاسد **صفت** **سرفوف**  
**عبار** معده سرد و تر نافذ بود و در کرا قوت و **صفت** **سرفوف** که مغز



قلت از هر یک سه درم تخم سیالیوس فطر السالیون از هر یک یک درم  
 صمغ عربی و کثیر از هر یک بمشقال کوفته و چغندر شربتی دو درم با شرباب  
 خشک **سفوف حجر الیهود** و تخم کبک بزرگه درم مغز تخم کدو  
 مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک چهار درم نیم سیالیوس دو درم  
 صمغ عربی ناشسته کثیر از هر یک سه درم حجر الیهود شش درم  
 سفید شتاد و شت درم کوفته و چغندر شربتی دو درم باب نخود  
 سیاه **سفوفی** که در ساعت شکم بنید و **صفه** شاه بلوط سه درم زرد  
 پوست انار از هر یک چهار درم که در سمان شش درم حب لاس  
 هفت درم کوفته و چغندر شربتی دو درم آب سرد **سفوف نسوم**  
 کندر عود خام از هر یک درم ششخاش ده درم عفران و انکی نبات  
 نیست درم کوفته و چغندر شربتی یک درم **سفوف** که شہوات روئی  
 زمان حامله را دفع کند و معده را قوت دهد و آستهای طعالم آورد  
**صفه** زرنبا و تخم کرفس با نخاه زرنبا کربابی از هر یک دو درم کندر درم  
 کبچد مششده درم نبات نو و مشقال کوفته و چغندر سفوف سا زرد

کوفته

که دفع سرعت انزال کند **صفه** طباشیر سفید ششخاش انیسون کندر از هر یک  
 یک درم جوز السوسه درم کوفته و چغندر شربتی دو درم شرباب ششخاش  
**سفوفی** که در فوق و سول قروح سینه و نفس المده المانع باشد  
**صفه** صمغ عربی ناشسته کثیر از مغز هیدانه ششخاش سیاه تخم کدو  
 تخم خطمی از هر یک شش درم صندل سفید دو درم شکر العشر طباشیر  
 از هر یک سه درم ورق کل سرخ تخم خیارین تخم خبازی تخم خرفه از هر یک  
 چدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و عصا و لسان الحمل کل محتسوم  
 کل از نسی کل قریبی از هر یک چهار درم عفران یک درم کوفته و چغندر  
 شربتی دو مشقال با نید انگ کافور و دود انگ ماد السرطان شرباب  
 ششخاش و شیر و تخم خرفه نافع باشد **سفوفی** که با و باد دفع کند  
 و استسقای طبعی امانع باشد **صفه** تخم کرفس از زبانہ انیسون سواد  
 قطریون و چغندر از هر یک دو درم زرنبا کربابی سه درم سنبل حد  
 از هر یک یک درم و نیم کوفته و چغندر شربتی بمشقال **سفوفی** که سهال  
 معدی را نافع باشد **صفه** انار دانه بریان کرده از دکنسار آرد سنجید

از هر یک دو درم کشتن ز خشک بریان کرده چند درم خربوت شامی خربوت  
 سبطی بلوط در سرکه چینی ساندیکت با نرد در سایه خشک کرده در بریان کرده  
 از هر یک چند درم سماق سه درم کوفته و چغندر شربتی دو درم **سفوفی** که  
 قرصه مشانه را نافع باشد **صفه** و مالاخون شاد و پنج عدسی منقول کشته  
 تخم کرفس از هر یک چند درم صمغ عربی کیدرم مومبایی و دو دانگ کاج دو درم  
 کوفته و چغندر شربتی کیدرم و نیم با شربت تخم شمشیر **سفوف لولوی**  
 دو سنیطی برای کیدی انا نافع باشد و معده و دل و جگر اوقات دهد  
 و حرارت تشنگی نباشد **صفه** مردارید ناسفته چهار درم بسبب حشو  
 کلنا رطب شیر خربوب کل زمینی کل قهبری تخم کل صندل سفید بارتنگ  
 بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مور و بست کنار آرد و چند  
 کشتن ز خشک بریان کرده صمغ عربی بریان کرده سماق زرشک بست  
 جو بریان کرده طراشیت تخم خرفه بریان کرده زرقطونا بریان کرده  
 از هر یک سه درم کل زمینی کل قهبری تخم صمغ عربی کیدرم انار دانه  
 چند درم کبر با قیام منقول از هر یک دو درم مجموع کوفته و چغندر نیمه از

با این

بارتنگ زرقطونا سفوف سازند **سفوف زرب** تخم حماض زرشک پسته  
 تخم زبیدی کشتن ز خشک بریان کرده کل سرخ خربوب شاه بلوط طبایر  
 از هر یک کیدرم سماق و حب الاس از هر یک دو درم انار دانه چهار درم  
 مجموع کوفته و چغندر سفوف سازند **سفوف خربوب** اسهال معده  
 دست خای معده را نافع باشد **صفه** خربوب سبطی بی دانه زیره  
 کوفانی بد سماق بست کنار حب الاس مصطکی بلوط کشتن ز خشک  
 بریان کرده مسادی کوفته و چغندر شربت کیشال آب مور نافع  
 بود **سفوف الزبور** با دها بست کند و معده را قوت دهد **صفه** کردیا  
 انیسون زیره کمانی قاقله قرفه ناسخوه تخم کرفس از هر یک دو درم قنفل  
 نیندرم زنجبیل در قنفل از هر یک دانه قند بست مشغال کوفته و چغندر  
 شربتی دو درم **سفوف حب العنب** شکم پستد و معده را قوت دهد  
**صفه** دانه انکور و صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الاس و سماق از  
 هر یک دو درم مصطکی کلنا را از هر یک کیدرم کوفته و چغندر سفوف  
 سازند **سفوفی** کینافست از حبه اسهال که بان هر نوبه باشد **صفه**

حب الاس شاه بلوط خشخاش خرنوب از هر یک دو درم صمغ عربی  
 یک درم کوفته و چغندر شربت سه درم **سفوف بکر** که همین خاصیت دارد  
**صفه** صمغ عربی طباشیر کل ازنی حب الاس از هر یک چهار درم بر  
 سیاهشان کند از هر یک یک درم خرنوب شامی و قند کل از هر یک  
 سه درم کوفته و چغندر شربت سه درم شربت خشخاش **سفوفی** که  
 حرقت بول و جمع کلیه مشابه را نافع باشد و بول براند **صفه** مغز تخم  
 خرنوبه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش سفید  
 از هر یک ده درم نشاسته کثیر ارب السوس از هر یک سه درم زرننج  
 سفید دو درم قند برابر نیمه شربت سه درم شبانگه شربت خشخاش  
**سفوف و یا نطر** صمغ عربی کل ازنی کلنا سماق بلوط از هر یک پنج درم نشاسته  
 کثیر اشک کلم و تخم خرفه از هر یک سه درم صندل سفید یک درم کوفته و  
 پنجه شربت سه درم باب انار ترش **سفوفی** که او جاع منفاصل را  
 سود دارد **صفه** سورنگان ده درم تقوینا یک درم و چهار دانگ کباب  
 یک درم قند سفید سی درم کوفته و چغندر شربت سه درم **سفوفی** که

بکر

بواسیر و اسهال از زجیر و بعضی نافع بود **صفه** تخم تره تیزک بریان کرده  
 نو و مشقال بزرک بریان کرده بزرقطونا از هر یک سه درم تخم کرفس بریان  
 کرده و کل ازنی و تخم خرفه از هر یک دو درم و نیم صمغ عربی یک درم کوفته و چغندر  
 سوی تره تیزک و بزرقطونا و تخم خرفه سفوف سازند **سفوفی** که  
 نافع است از جهت حرارت حب کردی رقان و نفث لدم سه درم جگر  
**صفه** بهدانه مقشه نشاسته مغز تخم خیار از هر یک چهار درم و رقیق  
 کل سرخ کل ازنی لک مغنول سبیل اصل السوس از هر یک یک درم طباشیر  
 نیم درم صطکی و دو دانگ شربت یک درم باب سرد **سفوفی** که نفث  
 از جهت رقان و در رجب کردنی صفا سی **صفه** لک مغنول کثیف  
 طباشیر دو درم زعفران یک درم ربونید چینی دانگی شربت دو درم با شرا  
 تمهندی یا شرب الکو **سفوف مجرب** جهت دفع اسهال مجرب است  
**صفه** بلیک سیاه و دو عدد زنجبیل عدد و حوز عدد و هم را باب لیمو چغندر  
 نباشتا بنوشند **سفوف بلوط** معده را قوت دهد و اسهال را درازد  
**صفه** بلوط شاه بلوط و انه مویرا و کنی از هر یک دو درم خرنوب منطی و





دم الاغزین نشاسته کندر مغز تخم خرزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم  
 که در سبب الویس لک مغسول بود چینی مغز حبیب الصغیر خشخاش بزرالنج  
 مسادی کوفته و پخته شربی دو درم **صفحه** سفوفی که در جمع کلیه مشابه را  
 تسکین کند **صفحه** بزرالنج و انکی فیون قراطی مغز تخم خیارین سه درم تخم  
 کاهو تخم خرزه از هر یک درمی کوفته بشراب خشخاش نبوشند **صفوفی** که  
 از جهت استرخای زبان آفت **صفه** در حینی صامبیل از هر یک سه  
 درم سادج ناخواه نرادند طویل کرفس شبت مصطکی سیالیوس  
 دونو انیسون از هر یک یک درم مروریدنا سفوف کبریا از هر یک دو درم کوفته  
 و پخته شربی یک درم باب کرم با شراب کهنه **صفوفی** که در استبتی عین  
 باشد **صفه** نشاره علاج دوبات از هر یک یک مثقال زن سرش سفوف ساند  
 و شب چهارم مروریدنا جماعت کند استبتن شود بشرط انکه بعد از ظهر  
 باشد و بعضی گفته اند نشاره علاج رازن هفت روز متوالی هر روز دو درم  
 بهار العسل یا شامه بعد از آن جماعت دست دهد استبتن شود **صفوفی**  
 که بول براند و حرقه البول اناغ باشد **صفه** مغز تخم خیارین مغز تخم کدو

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰

تخم خرزه خشخاش نشاسته کتیرا سبب الویس از هر یک سه درم بزرالنج  
 دو درم کند سفید برابر او دینه شربی سه درم بشراب خشخاش **صفوفی**  
 که قوی الدم را مانع باشد **صفه** کل ارضینی صمغ عربی کلنا درم الاغزین کندر  
 از هر یک یک درم نیم کوفته و پخته بوده درم به نبوشند **صفوفی** که قوی نفوس  
 را دفع کند **صفه** کندر مصطکی از هر یک یک درم و دو درم صمغ درم مارا درم  
 بازده درم قزاق قله جوز بوب سبب با سه بعد نفع از هر یک چهار درم بود  
 ترنج فرج شک از هر یک یک درم کل ترنج شش درم سبب اطل از هر یک یک درم  
 کوفته و پخته سفوف سازند شربی سه درم **صفوفی** که شتوت طین و  
 شهوات روید را مانع باشد **صفه** انیسون تخم کرفس بزره کرانی ناخواه از  
 هر یک ده درم فلفل سفید دو درم نیم قزاق یک درم کوفته و پخته شربی هر  
 صبح و شام یک مثقال **صفوفی** که عین خاصیت دارد **صفه** مصطکی بزره  
 کرانی ناخواه قافتلین مسادی نبات برابر که کوفته و پخته سفوف سازند  
**صفوفی** که صداع کرم و خشک اناغ باشد **صفه** آبک بود در غرض تلویف  
 از هر یک یک درم شیر و شران دو درم بود یک درم مزاج ساخته در شنبلی چکانند

**سوطی** که فالج و لثوه را سود دارد **صفحه** صبر شو نیز لایحه ارمنی مسادی  
 آب جفند رحل گروه در مینی چکانند **سوطی** که درونج **درد چشم**  
 اطفال اناغ است **صفحه** کندش حضرت کند از هر یک یک درم حضرت  
 زعفران مر از هر یک یک درم گوشه و چغندر کلکلهما سازند و بوقت جا  
 بشیر خستران باروغن غنیم با دام بسایند در مینی چکانند **سوطی**  
 که صداع مغنی و ریجی اود و در اناغ باشد **صفحه** صبر فر کند حضرت  
 چند پسته زعفران دار فلفل فلفل سفید از هر یک یک درم کندش  
 دو درم مشک نیم درم گوشه و چغندر باب مر زنجوش بسایند و در مینی  
 چکانند **سوطی** که سکنه و لثوه را نافع باشد **صفحه** زهره کلکله است  
 بسایند با چند پسته و با ماء العسل در مینی چکانند **سوطی** که صداع  
 حار را نافع باشد **صفحه** روغن بنفشه با دام دروغن که در آنکاهو  
 آب کاستنی شیر و خمران مسادی بهم پانیزند و در مینی چکانند **سوطی**  
 که شقیفه سرد را نافع باشد **صفحه** روغن بادام آب مر زنجوش در مینی  
 چکانند **سوطی** که سرسام و صداع حار را نافع بود **صفحه** آب مورد

عرق پندش صدک کافر یکدیگر مخلوط ساخته در مینی چکانند **سوطی**  
 که صداع بارود است یا نرسود دارد **صفحه** جوز بود در مینی ترکی قنقل  
 مر زنجوش از هر یک یک مثقال با سه چهار مثقال گوشه و چغندر باب  
 مر زنجوش در مینی چکانند **سوطی** که خیارین را نافع بود **صفحه** بسا  
 کاو زبان از هر یک یک درم زهره خارشست که کافر از هر یک یک درم نیم  
 زعفران نیم درم کندش دو درم با سرکه دروغن کل در مینی چکانند  
**سوطی** که همین خاصیت دارد **صفحه** در طفل ما میان شطیح هندیا  
 از هر یک یک درم مشک شمشیر شمشیر فلنجکشت از هر یک یک درم با سرکه  
 روغن کل در مینی چکانند **سوطی** که فالج و لثوه و شقیفه و جمیع مرض  
 باروه و طبعه که در سر چشم باشد سود دارد **صفحه** حضرت مر از هر یک  
 ده درم عدس و صعتر از هر یک یک درم صغیر سداب زهره کلکله و شیر  
 چند پسته شو نیز از هر یک یک درم نبات زعفران از هر یک یک درم  
 صبر زنیون از هر یک یک درم گوشه و چغندر باب خالص قرصها سازند  
 هر یک مقدار عدسی در وقت حاجت یکی از آن باب مر زنجوش

دروغ غیبش باد ام ساید و درینی چکانند **سوی** که عافش مانع  
 باشد **صفه** کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته با قیامار و در سر که  
 انداخته و سوخته پوست مادرش کند مرصاف سوخته شادنج  
 مفول کافور از هر یک قدری باب با دروج درینی بچکانند **سوی**  
 که ضعف استنان در مانع باشد **صفه** سورخان قزقل سعد کز مانع  
 پوست هلیله زرد صندل سفید کل سرخ مسادی کوفته و پخته سنون سازند  
**سوی** که همین خاصیت دارد **صفه** پوست هلیله زرد نمک کنده  
 از هر یک چند درم قرفه پانزده درم در چینی سعد از هر یک سه درم شب  
 یمانی سماق از هر یک دو درم عاقر قرحا هفت درم نوسه در و در اول  
 اوله زعفران از هر یک یک درم کل کز سه شقال قاقله کلنا از هر یک چهار  
 درم زرنبا و شازوه درم کوفته و پخته سنون سازند **سوی** که  
 حافظ هفت سنانت **صفه** شاخ کورن محرق کز مانع سعد  
 سنبل از هر یک چهار درم نمک اندرانی یک درم کوفته و پخته سنون  
 سازند **سوی** که دندان از حرکت پاک کند **صفه** نمک اندرانی

بر سوخت زرد حجر سماق مسقو بنیا مسادی کوفته و پخته سنون سازند  
**سوی** که دندان متحرک است که سارو **صفه** کلنا ریش یمانی اوله  
 اقا قیامسادی کوفته و پخته سنون سازند **سوی** که همین خاصیت دارد  
**صفه** ریش یمانی کلنا کز مانع مسادی کوفته و پخته لیسر که کسب کنند  
 و در سایه خشک کنند و در کرباره بگویند و سنون سازند **سوی** که  
 بغضت از جهت درد دندان که سبب آن درم لسه باشد **صفه** تخم خرفه کشنیز  
 خشک سماق حدس مشقه صندل سفید عاقر قرحا کافور مسادی کوفته و پخته  
 برشته دندان پشت اند بعد از آن که کلمات سر که در و پس عیبت  
 نکند و اشته باشد **سوی** که پنج دندان سخت کند و خون باز دارد  
**صفه** شاخ کورن محرق نمک اندرانی پوست هلیله زرد کل سرخ  
 از هر یک دو درم کلنا یک درم کوفته و پخته برشته دندان پشت  
**سوی** که دندان را محکم کند و خون رفته باز دارد و بوی بهین  
 خوش کند **صفه** هلیله لیلیه که مشرق کل سرخ کلنا راقا قیامش  
 یمانی فو طباشیر عاقر قرحا مسادی کوفته و پخته سنون سازند **سوی**

که رفتن از پنج دندان باز دارد **صفت** شب میانی محرق یک درم نمک برین  
 کرده دو درم سماق سه درم کوفته و بخت سنون سازند **سنونی** که  
 در دندان نافع باشد بوی دهن را خوش کند **صفت** مراهیل جوز السمر و عاقر  
 قرع مسادی کوفته و بخت استعمال نمایند **سنونی** که ماسورین دندان  
 با صلاح آورد **صفت** پنج سوسن عاقر قرع از هر یک یک درم شب میانی کلنا  
 باز سماق از هر یک دو درم کوفته و بخت سنون سازند **سنونی** که زردی  
 سیاهی از دندان برود بوی دهن خوش کند **صفت** کزنجشک از پنج پیل  
 البحر و فلفل قاقله از هر یک دو درم نمک برین کرده در می جویشند بخت  
 درم کوفته و بخت سنون سازند **سنون** بیانی خون رفتن از لثه  
 باز دارد بوی دهن خوش کند **صفت** شب میانی چند درم بود بوی  
 ده درم کوفته و بخت سنون سازند **سنونی** که مانع از جبهه در دندان  
 که سبب آن طوس است باشد **صفت** فلفل دو درم و نیم بوره اشتری یک درم نیم  
 عاقر قرع از پنج پیل موزج از هر یک یک درم کوفته و بخت استعمال نمایند  
**سنونی** که لثه را محکم کند بوی دهن خوش کند **صفت** سعد کلخ از هر

یک

هر یک چند درم کلنا کزنجشک فلفل از هر یک سه درم دم الاغین کند فلفل  
 نمک اندرانی مصطکی بودند محرق از هر یک دو درم و دو درم خام یک درم کوفته  
 و بخت استعمال نمایند **سنونی** که بیخ دندان را محکم کند و خون رفتن باز  
 دارد **صفت** پوست انار ترش ده درم شب میانی هشت درم عاقر قرع  
 کل سرخ کزنجشک سماق از هر یک چهار درم نمک هندی پوست تلخ زرد  
 از هر یک دو درم کوفته و بخت سنون سازند **سنونی** که خون رفتن از پنج  
 دندان باز دارد **صفت** کات هندی فلفل کلنا کل سرخ سماق دم  
 الاغین مسادی کوفته و بخت شب باشند و صباح بکتاب آب  
 سماق مضمضه کنند **سنونی** که دندان سیاه شده را سفید کند  
**صفت** پوست تلخ زرد ده درم فلفل چهار درم حمامه سه درم ساوچ هندی  
 دو درم ماروی سوخته هشت درم کوفته و بخت بر دندان لیسند  
**سنونی** که لثه را محکم کند و نشف لطوبات کند **صفت** کلنا دو درم  
 نوشادر ده درم موزج سه درم مانو یک درم بودند سوخته ده درم نمک  
 بصل هشت درم سوخته ده درم کوفته و بخت استعمال نمایند **سنونی**

که دندان از جلا دهد و لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند **صفحه** کلنا در دم  
 نوشا در ده درم مویز سه درم باز و یک درم بودنه سوخته ده درم نمک  
 بعسل هر ششتمه دو سوخته ده درم کوفته و پنجمه استعمال نمایند **سنونی**  
 که دندان از جلا دهد و لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند **صفحه** شبک  
 سوخته دو درم شح سوخته ده درم نمک اندازی زبد البجر جو سوخته سو  
 تاک سوخته از هر یک ده درم عاقر قرحا چهار درم کوفته و پنجمه سنون سازند  
**سنونی** که خون باز دارد و لثه را محکم کند **صفحه** کلنا از هر یک سه درم  
 عصاره الحیة اللیس کل غنیمت اهل اندک یک درم در حینی نیدرم  
 کوفته و پنجمه استعمال نمایند **سنونی** که دندان را سفید کند و بوی دهن  
 خوش کند **صفحه** زبد البجر ده درم نمک بریان کرده دو درم عود سوخته  
 دو جو سوخته بهر حال جنبی که نازج کلنا عاقر قرحا نعل ساوج هندی  
 کل سرخ سعد سماق از هر یک سه درم کوفته و پنجمه در دندان لپت  
**سنونی** که چون در محل در روی آتشک لیدن برود و پنجمه دندان  
 افشانند منع دهن بپوشش کند و اگر برود دهن بپوششیده استعمال

نماید

نماید بصلاح آرد **صفحه** زراوند صحرای دم الا خون کند در رک مورد سعد  
 کلنا سرخ سوسن باز و مسادی کوفته و پنجمه استعمال نمایند **سنونی**  
 که فلاح را نافع بود و دهن خوش و پنجمه دندان محکم سازد **صفحه**  
 شبک میسایطها شیر خشک کل سرخ لسان الحمل پوست بلبله زرد  
 کلنا برک نیون که نازج شب میانی مسادی کوفته و پنجمه استعمال  
 نمایند **سنونی** که اگر دما سورخ دندان نافع باشد و خون رفاق باز دارد  
**صفحه** مرثا در پنج سوکن زرنج سرخ عاقر قرحا مسادی کوفته و پنجمه  
 استعمال نمایند **سنونی** که همین خاصیت دارد **صفحه** پنج سوکن  
 عاقر قرحا از هر یک یک درم شب میانی کلنا رماز و سماق از هر یک  
 دو درم کوفته و پنجمه سنون سازند **سنونی** که دندان متحرک را محکم  
 سازد **صفحه** مرثا شب میانی نشاسته کل سرخ سماق پوست  
 انار ترش شیرین از هر یک سه درم باز کلنا رشب میانی کاغذ سوخته  
 عاقر قرحا از هر یک ده درم سماق باز زده درم نمک مندی نشا دراز  
 هر یک چند درم کوفته و پنجمه لیس که برشته شود و کلها سازند در

مردود با صفت و لون دارد  
 ماز و روزانید با صفت  
 ماز و روزانید با صفت  
 ماز و روزانید با صفت  
 ماز و روزانید با صفت

سایه خشک کرده و در وقت استیلاج و بار باره بکوشید در استعمال نمایند  
**سنون دیگر** که بهتر خا و درم لشر را نافع باشد و دندانها را از جگر پاک کند  
**صفت** پوست نار و درم کلنا رز و جوهر سماق شب میانی باز و از هر یک  
 یک درم کوشیده و پخته استعمال نمایند **باب شنب** شراب پختین  
 معده را قوت دهد و از اخلاط فاسده پاک گرداند **صفت** پختین  
 رو می چم درم درق کل سرخ هفت درم تر به سفید ده درم در و دین  
 آب بچوشانند و میالانند و یکم تنها اضافت کنند و بقوام آورند  
**شراب پختین نوع دیگر** معده ضعیف و جگر و سیر را سود دارد و طبع  
 را نرم کند و باد های روده دفع کند **صفت** پختین پنجاه درم سلیخته  
 درم تخم کرفس سی درم در و دین آب بنزد تا به نیمه آید و با یکم کنند  
 شربت بنزد **شراب پختین نوعی دیگر** پختین پنجاه درم در و دین  
 کل سرخ سیلخه اسارون از هر یک ده درم مصطکی سنبل از هر یک  
 هفت درم در و دین آب بچوشانند بغمیر از مصطکی صاف کنند  
 و با یکم نیم کنند بقوام آورند بعد از آن مصطکی را صلایه کرده آن

مغز فرج

مغز فرج سازند **شراب پختین دیگر** معده ضعیف از صفا پاک کند و سود  
 المزاج گرم را زایل گرداند **صفت** درق کل سرخ هفت درم شاه تره درم  
 از هر یک پنجم درم الوسی سیاه هفت عدد و تر هندی هفت درم میز  
 منقح می ماند در دین آب بنزد تا به نصفی آید صاف سازند و نیمین  
 شکر سفید در آن حل کرده بقوام آورند شربت و درم با یکم در صفت و طبعی  
**شراب سمال** سرفه کننده را بغایت نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند  
 و ریه و ضعیف النفس را مفید بود **صفت** پنجم سفید شش و نیمه با عنصل یک  
 میز منقح و دو قیقه انیسون نیم قیقه در قدری خل الخمر و آب جویسانند و  
 و بچوشانند و صاف کنند و دو طل عمل اضافت کنند و بقوام آورند  
**شراب فواکه** معده را قوت دهد و قی باز دارد و در راقوی گرداند  
**صفت** آب سیب آب به آب نارنش و شیرین آب مرو از هر یک  
 یک جز و آب زرشک آب سماق آب غوره آب غرور از هر یک نیم  
 جز و بچوشانند تا به ثلثی آید و هفت درم کنند که کفای باشد اضافت نماید  
 و بچوشانند تا بقوام آید **شراب نارنش** قی باز دارد و صفا و دفع

کند و معده قوت دهد **صفه** آب انار ترش و در من نفع نازده در شام  
 عود خام آله مصطکی از هر یک دو درم پوست هر دو یک پسته بخندرم  
 کوفته در آب بجوشاند سوتی مصطکی آب نیمه یک صاف کنند و با  
 یکین قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی اضافه نمایند **شراب انار منع**  
 فواق بنشانند وقتی باز در دو معده را قوت دهد **صفه** انار ترش شیرین  
 باشک کوبند و آب آن کبکیرند و در من و یکین قند و یک و قند آب نفع ضایع  
 کنند و بقوام آورند **شراب آلو** صفرا و بلغم دفع کند **صفه** آلو سیاه  
 صد عدد و تمر سندی یک چهار یک تریه فیت نفع از هر یک پسته درم  
 و یک کیمتند در پنجم آب بجوشانند تا یکین آید و نیک مالند و  
 بهالانید و یکین تر پنجم صاف کرده اضافه نمایند و شربت بنهند  
 فرد کبکیرند و بمشقال ستمونیا در آن حل کنند **شراب خنخاش منع** زلات  
 کند و ریش سینه و شش را نافع باشد و چوانی از ازال کرد اند **صفه**  
 خنخاش بزرگ با پوست صد عدد و نیم کوفته با دو درم نیم آب باران  
 بنهند و بهالانید و یکین نیم قند شربت بنهند و اگر از خنخاش بی پوست

بنهند پسته مشقال شش خنخاش کوبند و بنهند با یکین قند بقوام آورند  
 لیکن آن ادوی بود که با پوست بنهند **شراب سیب صفراوی** معده را  
 قوت دهد و در اوقات سخت دفع بودنی را ساکن گرداند و اسهال  
 صفراوی ابا زوارد **صفه** سیب صفراوی اندرون هر دو پاک کرده  
 بکوبند آب آن کبکیرند و بجوشانند تا بدو نیمه یک و یکین قند اضافه کنند  
 بجوشانند تا بقوام آید **شراب سفر حلی** در اوقات دهد و معده اقوی  
 گرداند و شتهای طعام آورد و طبع سرد و وقتی و غشیاں باز دارد  
**صفه** به ترش شیرین اندرون آن پاک کنند و آب کبکیرند و هر  
 پنجم آب یکین قند اضافه کنند و بقوام آورند **شراب ریاس**  
**اصطمال** صفراوی را نافع باشد وقتی باز دارد و شش نیکی نشاند و معده  
 قوت دهد **صفه** ریاس را سرد و نبال کجا و چوبین بنهند و در آب و  
 سنگین یا چوبین کوبند و آب آن کبکیرند و صاف کرده بجوشانند  
 تا بثلثی آید و زمانی کبکیرد و دیگر بارش بهالانید و یکین آب کبکیرند  
 اضافه کنند و بقوام آورند **شراب حماض** صفراوی کبکیرد وقتی باز



دارد و معده در اوقات دهر و خفقان گرم را نافع باشد **صفحه آب حاض**  
تجارت معتاد قند صفت یکین شربت بیزند چنانکه **شربت شراب**  
**لیس** معده را قوت دهد و اشتها آورد و صفت کندی با زردا  
و با صفت اقوی گرداند و دفع خمار کند **صفحه** مانند حاض است **شربت شراب**  
تشنگی بنشاند و دفع را قوت دهد و در سردی از گرمی باشد ساکن گرداند  
**صفحه** آب شراب یکین بچوشانند تا بضعفی آید و کف آن بگزیند و در قند  
شربت بیزند **شربت غوره** تشنگی بنشاند و تب گرم را سود دارد و خوار  
را دفع کند **صفحه** آب غوره بگزیند و بچوشانند تا بضعفی آید کف آن بگزیند  
و زمانی بگذارند و بکرباس نو بپالانند و بر یکین آب قند سفید ضام  
نمایند و شربت بیزند **شربت غوره** معده را قوت دهد و بوی کزنده  
خوش کند و با صفت اقوی گرداند **صفحه** عود هندی طله مشرف از هر یک  
دو درم سنبل و نفل مصطکی جوز بوا از هر یک دو درم مجموع عنبر کوفته  
در کینه کتان ریزند و در سه چهار یک کلاب بچوشانند و کسه را نیک  
بمالند تا قوت آن کلاب دهد و یکین قند بقوام آورد و آن کلاب

بر سر آن ریزند و یکبار بچوشانند تا بقوام آید و بگزیند و نیم درم مشک  
خالص سوخته در آن حل کنند **شربت حب لاس** معده را قوت دهد  
و اسهال باز آورد **صفحه** حب لاس در و خشک از هر یک پنجاه درم قوط  
و طراش از هر یک ده درم آب سرد آب سبب آب ناز از هر یک نیم  
دارد و کوشه در آن آب بچوشانند تا بثلثی آید و بپالانند و یکبار بچوشانند  
تا بقوام آید **شربت حب لاس** نسخه دیگر اسهال اسهال نافع باشد **صفحه**  
حب لاس بچوشند و بچوشانند تا نیک تر شود و بپالانند و بهر خرد در آن  
دو جزو قند سفید اضافه کنند تا بهر باشد **شربت دینار** طبع را نرم  
کند و جگر در اوقات دهر سده بکشد و سوء القینه را استسقاء  
ذامت الجنب نافع باشد و تشنگی بنشاند **صفحه** تخم کاسنی نیم کوفته  
ورق گل سرخ از هر یک پست دو درم تخم کوشک چهل درم نیلوفر کاذب  
از هر یک دو درم سیب زمینی در کتان است سه درم بچوشانند تا عصار  
شود و صاف کنند و با یکین قند بقوام آورند و فرو گیرند و در شغال  
ریزند چینی در آن حل کنند **شربت زوقا** سرفه بلغمی نافع باشد

سینه و شش را از احتیاط پاک کند و بر بوضیق النفس اسود دارد  
**صفحه** عناب سی وانه پستان پنجاه دانگ پنجه سفید سی وانه نبغشته  
چهار درم بر سیاهوشان هفت درم تخم خطمی تخم خبازی از هر  
یک پنجم اصل السوس و فواز هر یک هفت درم بچوشانند و سالانیه  
و کیمین قند اضافه کنند و بعضی پنجم درم سیون درخل میکنند **شراب**  
**تمهیدی** طبع از گرم کند و صفتش کند و معده را قوت دهد  
و قی باز دارد **صفحه** تمهیدی نیم من بچوشانند و شیر هاشم کیریند  
و سالانیه و کیمین قند اضافه کنند و بچوشانند **شراب صندل**  
در اوقوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد و کسلی نشاند **صفحه**  
صندل سفید ساییده است شغال در کلاب جنینانند یک شبانه  
روز روز دیگر اندک جوشنی برهند و شیر هاشم کیریند با کیمین قند شربت  
پزند **شراب پنجه** کرده و مشانه را نافع باشد و منی بپزاید و باه را قوت  
دهد و در پشت از ایل کند **صفحه** پنجه خوب درمن در تخمین آب بچوشانند  
تا کیمین نیم بماند باز کیمین نخود سفید در نیم من آب بپزند تا کیمین

نیم آید هر دو را بدست بمالند و صاف کنند و کیمین نیم عمل صفا  
بر سر آن بپزند و از جینی خوش بجان قرضان و سنبل الطیب از هر یک درمی  
زعفران نیم درم در کیمین سه دران اندازند و بچوشانند تا بقوام آید  
شربت میخمشال **شراب پنجه** دیگر ذات الحجب ذات الریه  
و تب و سرفه و صداع و در چشم درد کرده را نافع باشد و بول  
براند و سینه از گرم کند **صفحه** شربت تازه یک چهارم بچوشانند  
و سالانیه و با کیمین قند بپزند و اگر نبغشته تازه نباشد یک قی شغشته  
خشک آب بپزاید بچوشانند **شراب سیفر** صداع حار و تبهای صغیرا  
در سرفه و ذات الریه را نافع باشد **صفحه** کل نیوفریک قی و اگر تازه بود  
یک چهارم بچوشانند با کیمین قند شربت بپزند **شراب عناب** ماشر  
و آبله و حسه و در و سر و سینه و سرفه و غلبه بخولج را نافع بود **صفحه**  
عناب هر جانی یک چهارم در دوس آب بپزند و بدست بمالند  
و سالانیه بی سبالغ و با کیمین قند شربت بپزند **شراب کوزبان**  
در اوقوت دهد و سوداوی مزاج را بغایت نافع بود و خفقان را

زایل کند **صفت** آب که در زبان تازه یکس با یکس قند سفید بچوشانند و  
بردارند و بقوام آورند و پست مشقال کلاب در آن بریزند و فرو  
گیرند و اگر که در زبان تازه بشکشد یک چهار یک خشک کنند **شراب**  
**با درخت چوبه** در احوت دهد و خفقان سرد را نافع بود و توش سوادوی  
را زایل کند **صفت** با درخت چوبه تازه ستانند و آب بگیرند نیم من  
و با یکس قند شربت بپزند و اگر تازه باشد بخام مشقال خشک کنند  
**شراب هیله** اوجاع مفاصل و تهامی گرم را نافع بود و طبع را نرم  
کند **صفت** هیله زر و صندل و نیلوفتنه کند و در ظرفی گشتند و آب  
بر سر آن بریزند و نگاه دارند و سه روز بپزند بعد از آن آب  
از جدا کرده نگاه دارند و دیگر آب بر سر آن هیله بریزند و سه روز  
دیگر در آفتاب بنهند و آب اول دوم با هم بپایزند و صندل و نیلوفتنه  
مشقال ترخیش در آن حل کنند و صاف سازند و بر سر آفتاب بنهند  
و بقوام آورند و فرو گیرند و یک مشقال سقمونیاسوده در آن حل کنند  
**شرابی** که غواق از بنشند خنک است آنچه از بس طعم آید **صفت**

زیره

زیره کراتی انیسون خود کند از هر یک ده درم در دو من آب بچوشانند  
تا نصفی آید بپالانند و در هر چه بپوشند **شرابی** که یک از کرده  
مشانه پاک کند **صفت** بیون سی مشقال در دو من آب بچوشانند  
و بپالانند و با یکس قند شربت بپزند **شراب بزوری** معده و کبر  
نافع بود و باد و نفخ کند و مفاصل را سودا دارد **صفت** پوست بچ  
سی درم تخم کاسنی پوست بچ را زیند از هر یک پست درم از این  
تخم کرفس پوست بچ کرفس از هر یک ده درم تخم کشتوت در کمان است  
چند درم بچوشانند و بپالانند و با یکس قند شربت بپزند **شراب**  
**وردگر** مسهل صغیر بود و تهامی گرم که را نافع باشد **صفت** ورق کل  
تازه نیم من در نه من آب بچوشانند تا بهفت من آید بپالانند نیم  
من دیگر یک کل در آن بچوشانند و دیگر بپالانند چند نوبت بپوشند  
تا یکس آید صاف کنند و با یکس قند شربت بپزند **شرابی**  
سی درم باده درم بچپس مو آب بچ یا برف **شراب توت**  
در و کلو و حنظل را نافع باشد **صفت** آب توت سیاه بپزند و صفا

کنند و بگوشانند تا به نیمه آید و بهر پنج رطل از آن سه رطل قند صاف  
 اضافه کنند و بقوام آورند **شراب نارغزب** جگر را قوت دهد و زردی  
 نباشد آب مار شیرین کمر بند و بگوشانند تا به نیمه آید و بهر یکم از آن یکم  
 قند اضافه کرده بقوام آورند **شراب سیر** در روده و اعصاب  
 سود دارد و خفقان بار در از ایل کند **صفحه** عسل و دمن در درون آب  
 بگوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و غیره و زعفران از هر یک بمقال  
 اضافه کنند شربت پنجم **شراب شک** معده را قوت دهد و در  
 بلغمی رافع بود و پیر از موافق باشد **صفحه** عسل یکم قند سفید یکم  
 در درون آب بگوشانند و بقوام آورند و بمقال مشک یکم زعفران  
 سوخته اضافه کنند شربت سده **شراب** که نافع است از جهه اسهال  
 دومی و ضعف معده **صفحه** ریش به شیرین سی مشک کلنا رعد به  
 اول صندل سفید حب لاس از هر یک بمقال کلاب قند سفید از  
 هر یک پست بمقال بطریق معهود شربت سازند **شراب برنج**  
 جگر و لرا و احتیاج را قوت دهد و سده بگشاید و سفا و جمع مریض

بارده را نافع باشد و باه را زیاد کند و شاد آورده **صفحه** ابرشیم پنجاه  
 درم در آب هفت کران خیسانند سه شانه روز در در یک سنگین  
 بگوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و خولجان و وج و مصطکی از  
 هر یک سه درم زعفران یک درم صلابه کرده اضافه نمایند و بهمین قند  
 شربت پنجم شربت چهار درم **شراب اسطوخودوس** صرع و الجویا  
 و صدماع بار و وجع امراض و غمی را که سبب آن برودت باشد  
 سود دارد **صفحه** اسطوخودوس بر سیادشان عود صلیب از  
 هر یک پنجم اصل السوس کلوزبان را زیاده پست پنجم کرفس  
 خطمی کل سرخ از هر یک سه درم منقح پستان از هر یک با زردانه  
 بگوشانند و صاف کرده بهمین قند شربت پنجم **شراب منقال**  
 پست پنجم را زیاده پست منقال کخم کرفس از زیاده انیسون با نخود  
 مایه زهره سورنجان از هر یک ده درم پنجم کرفس پست در قند  
 سفید یکم بطریق معهود شربت سازند **شراب صعل** مواعظ  
 را نفع دهد و سده بگشاید و باد است کند و سود القینه دستفا

در جمع امراض بارده و جگر و معده را نافع بود **صفت** پوست خجک بر پوست  
خجک را از یانه پوست خجک کف کفست خجک کاسنی از هر یک سی  
درم را از یانه بازده درم تخم کرفس نیم کاسنی از هر یک دست درم  
انجیر زرد دست درم بوی زینتی جمل درانه فجاج او خربسبل اسارو  
سیلخه از هر یک ده درم قند سفید یکین شربت بزنده چنانکه رسم است  
**شراب کر** در دست نافع بود و باه را قوت دهد **صفت** کر  
شسته پاکیزه سردین پندازنده و سه درم درم شند و در یک یکین  
اندازند و آب بر بالای آن بریزند و سرد یک کپل انجیر محکم کنند چنانکه  
بخار از دی هر دو نیاید و با شستن است به بریزند و بکنند تا سرد شود  
بس سرد یک شاند و نیک بمالند و آب آن استانند و صاف کنند  
و بهست نیک آن عمل در یک ریزند و سنبل و خولجان و قرفنل و  
در چینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم مجموع نیم کوفته در کسینند  
و در آن یک اندازند و هر لحظه بدست بمالند و بچوشانند تا بقوام آید  
**شراب انجبار** اسهال موی اذ نفث الدم را و سیلان طمش را

نافع باشد و معده و جگر را قوت دهد **صفت** صندل سرخ و سفید ساییده از هر یک  
پنج شقال انجبار هفت شقال قاتیاد و شقال قند سفید نیمین بطریق معمول  
شربت سازند **شراب لاس** بزنده و کرم **صفت** آله قندی که شقال حلال لاس  
و شقال پوست خجک انجبار کنگر کل سرخ تخم حماض بری از هر یک دو درم  
رب به شیرین و کلاب از هر یک دست شقال شراب صندل شقال  
بدست و موهود شربت بزنده **شرابی** که از جهت انجولیا و امراض سواد  
را نافع باشد **صفت** تخم کاسنی و تخم کاسنی با درخوبه از هر یک دو درم و  
زبان سه درم با درخوبه هفت درم نیم اریبا دو درم و نیم اصل السوس  
نخدرم را از یانه بسفاج فستقی از هر یک سه درم و نیم در شش شل  
ادویه کلاب دو و مقابل ادویه آب یک شیرین بچوشانند تا شنی  
باقی ماند و یکین قند شربت بزنده **شراب قند** بغم و فغ کند و بغم مزاج  
نافع باشد **صفت** زنجبیل و ارچینی از هر یک نخدرم هبل کبار و قاقله از هر  
یک دو درم قرفنل یک درم مجموع نیم کوفته در هفت رطل آب بچوشند  
تا به نخ رطل آید و بمالند و با تخمین قند سفید بقوام آید و بزنده نیم درم

زعفران ساییده اضافه نمایند **شراب عمل** معده و جگر را گرم کند  
**صفحه** مصطکی سنبل در حینی قاقله عود هندی هل خوز بو از هر یک  
 یک گرم قرفل نیم گرم مجموع پنج کوفته در سه رطل آب بجوشانند تا ببرد  
 رطل آب با لایند و با پنج رطل آب بجوشانند تا بقوام آید **شراب شراب**  
 در دفع خمار بی نظیر است **صفحه** آوی سیاه قمر هندی از هر یک یک رطل  
 عناب چناه وانه در شش رطل آب بجوشانند تا ببرد و رطل آید و با لایند  
 و آب نارترش و شیرین و آب سیب آب لیمو از هر یک نیم رطل  
 اضافه نمایند و با کل قند بقوام آید **شراب فنجیوس** در عت انزال  
 نافع باشد **صفحه** آب انکور شش رطل سماق مارو کلنا کل سرخ  
 کشتن خشک کند صغیر سعد از هر یک ده درم زعفران مرشک بیانی  
 از هر یک یک گرم خبث الحدید می شغال بجوشانند تا لثی باقی ماند صفا  
 کنند و استعمال نمایند **شراب اردنجت** مقوی اعضای لرزه است  
 در میان امراض طبعی و سودایی را سود دارد و باه را قوت دهد  
 و بر اثر امواتش باشد **صفحه** آب انکور صد من به شیرین سه من

اصفهانی در سن کلاب نیم من آب خالص ده من در حینی قرفل  
 سنبل الطیب کباب حینی خیر بو انخونجان از هر یک پنجم گرم عود و حلام  
 سه سه و دوازده از هر یک سه درم زعفران دو و شغال مشک نیم شغال  
 عین کیمشغال سیب برادر آب انکور بجوشانند تا نهم شود و بعد از آن  
 برکشند و صاف کنند و مشک زعفران را در کلاب حل کنند و اضافه  
 نمایند و ادویه نیم کوفته در یک کیمشغال و در محل جوشانیدن یک سه او  
 دیگر اندازند و زمان مان یک سه او در یک بمالند تا شیره باز دهد و چون  
 شیره انکور را در خم بریزند یک سه او در خم اندازند و بعد از شش ماه استعمال  
 نمایند **شراب خبث الحدید** معده را قوت دهد و ضمه اقوی گردد  
 و لول را بکشد و با دو اسیر را نافع بود **صفحه** تخم کرفس از زمانه نریزه  
 کرمانی امسیون ناخجوا صغیر انجدان کاشم که در یک شکر خشک  
 فلفل در فلفل کند و در حینی سنبل قرفل خوز بو اشخ بر جسم تخم سبزه  
 سفید زنجبیل از هر یک یک شغال خبث الحدید ده شغال در شش شغال  
 ادویه شراب بجوشانند تا نیمه آید و صاف کنند شربتی هر روز

سی درم کافیت **شراب ریحانی** نسیان امراض لمغی اناض شد  
 و معده را قوت دهد و پراثر مواش باشد **صفه** شیره اکور صد  
 در خم ریزند و شش مرقتضا فکند و در اجنبی نقل  
 بسیاره جوز بو از هر یک ده درم مجموع نیم کوفته در کشته شود در خم  
 اندازند و سر خم کهنند و بعد از ششماه استعمال نمایند باید که خم را  
 از اول پاک بشویند و اندرون آن موم کد حنته کرد و از شدت شک  
 و غیره بیاگردهند **شرابی** که معده را قوت دهد امراض لمغی  
 و سودای را سود و ارد **صفه** آب سیب رطل آب بر شیرین  
 دو رطل در یک سنگین کنند و در نقل یک درم نیم عود مندی دو  
 درم کا در زبان باد و بنجوبه کل سرخ از هر یک سه درم کوفته و خسته است  
 در یک اندازند با آب سیب با آب بر بچوشانند تا به نیمه آید و در خم ریزند  
 و شراب ریحانی و دمن بر بالای آن ریزند و قند صفت یکین و طلع  
 نیم اضا ف نمایند و سر خم را کهنند و دست در در آفتاب کهنند و بعد  
 از آن صاف نموده استعمال کنند **شیاف احمر لب** سلاق غلظ

اجنان

اجنان و آخر در اناض باشد **صفه** شادنج مفصول ده درم مس خسته  
 هشت درم صمغ عربی کثیره صاف از هر یک دو درم سبدر و اریه  
 ناسفته ساوج هندی از هر یک چهار درم دم الاغین یک درم صلابه کرده  
 شیاف سازند **شیاف حار** سبل و ظفره و سلاق و ساق اناض شد  
**صفه** شادنج مفصول درم صمغ عربی بخدرم مس خسته راج خسته  
 از هر یک دو درم انبوتن صبر سقوطی از هر یک یک درم زنگار دو درم نیم  
 زعفران مر از هر یک اکی نیم کوفته و خسته بجز شیاف سازند **شیاف**  
**خنجر** جرب و سبل و ساخ اناض باشد **صفه** زنگار سه درم قلمبیا نقره  
 اشق صمغ عربی سفید اب از هر یک دو درم صمغ و اشق او را آب است  
 حل کنند و در او های دیگر را کوفته و خسته بجز بریدان سبب کنند  
 شیاف سازند **شیاف دینج** کند و جرب و سبل و سلاق و شوز اریه  
 اناض است **صفه** زنگار شش درم صمغ عربی اشق از هر یک چهار  
 درم قلمبیا اطل و انبوتن از هر یک دو درم بارزوی یک درم کوفته و خسته  
 آب سداب سبب کنند و شیاف سازند **شیاف طریبا طیبون** کند

در جرب و سلاق و استرخای ضعیف جنین در پنج سال نافع بود **صفت شایخ**  
 مفول و دوزده درم صمغ عربی دوه درم زنگار و قلفطار سوخته از هر یک یک درم  
 مس سوخته چهار درم فیون زعفران از هر یک یک درم باب از برای کشته  
 و شایف سازند **شیاف بیض فیون** در کرم رانافع بود در صوب  
 بنشیند و تخم نکند **صفت سفیداب** از زردت درم از زردت مرئی  
 بشیر کثیر از هر یک چهار درم بسفیده تخم مرغ سرشته شایف سازند  
**شیاف بیض زردت** به نسخه محمد ذکریار نافعست و حده آن کمتر از حده  
 ابیض است بهترین و سبکترین شایف در دست **صفت کل سرخ**  
 چهار مثقال فیون و صمغ عربی از هر یک یک مثقال بستور شایف سازند  
**شیاف بریوما** مجربست در دوزخ و زهر اصلاح آورد **صفت شایف**  
 ما میثاد از زردت مرئی از هر یک یک مثقال درم زعفران دو درم فیون  
 نیم درم کثیرا یک درم کوشه و چخته باب بران بسرشته و شایف سازند  
 و بسفیده تخم مرغ در چشم کشند **شیاف بریوما** به نسخه دیگر برسد  
 نافع بود در سرخی بر دوا مس بنشیند و در دست کین کند **صفت**

از بار در نافع بود  
 سفیداب از زردت درم  
 زردت مرئی از هر یک  
 هر یک چهار درم بسفیده  
 تخم مرغ سرشته شایف  
 شیاف کل سرخ

اهلیا

اقلبیا لافره در وی سوخته از هر یک سه مثقال کثیرا داقیا صمغ عربی از هر  
 یک دو مثقال فیون زعفران از هر یک یک مثقال کوشه و چخته بسفیده  
 تخم مرغ سرشته شایف سازند **شیاف قیصر** ظفره و ناخنه را بید را  
 نافع بود **صفت شایخ مفول** دوزده درم صمغ عربی دو درم سوخته از  
 هر یک شد درم قلفطار سوخته زنگار از هر یک دو درم باب از برای کشته  
 و شایف سازند **شیاف خلوتی** با دوا بر آن کنده کند دوا مس متخمه نشانی  
**صفت مس سوخته** سه درم داقیا دو درم کثیرا و صمغ عربی دو درم زعفران  
 از هر یک یک درم باب بران شایف سازند **شیاف سود** نافعست با دوا  
 را که در چشم و جنین باشد که بشک بدن و طهارت در آن مس سوخته  
 انیسون از هر یک یک درم و نیم زعفران شایف ما میثاد از هر یک یک درم درم  
 ناسقه و بسد از هر یک یک درم داقیا پنجم درم کوشه و چخته باب بران  
 شایف سازند **شیاف کندر** قرصه و مدده غلیظ را نافع باشد **صفت سفیداب**  
 از زردت درم فیون از زردت مرئی و کثیرا از هر یک یک درم صمغ  
 عربی چهار درم کندر نیم درم باب بران شایف سازند **شیاف ابار**

صمغ



قرصه و موسج را نافع باشد و حرارت نباشد و جنین ابرسان و **صفحه** قلمیا  
طلال سفیداب از زبر مسوختنست سرمه صفایانی صمغ عربی کثیر است  
سوخته از هر یک شست درم افیون یکدرم باب باران شیان سازند  
**شیاف باره پنجه** و **مکر** منفعت آن قریب بمفعت اول است  
**صفحه** آبار سوخته سرمه صفهانی تو تیا مسوختنست کثیر صمغ عربی از هر یک  
ششدرم افیون یکدرم گوشه و پنجه شیان سازند و بعضی اقلیمیا طلایه  
سفیداب از زبر از هر یک ششدرم کندر چهار درم اضافه کرده اند  
**شیاف کندر** شکر و قرصه را نافع باشد و گوشت بردیاند **صفحه** اشق  
انزروت از هر یک یکدرم کندر ده درم زعفران ده درم اشق اول کجا  
حلیج کسند باقی اودیه را گوشه و پنجه بدان بسپارند و شیان سازند  
**شیافی** که است در آب نافع باشد **صفحه** خرق سفید کتیه قلیه فلفل نیم  
دقیقه اشق یکدرم باب ترب شیان سازند **شیاف روشتا** جرب  
و ظفر و تشاد است دای زله را نافع باشد **صفحه** اقلیمیا بقره اقلیمیا  
طلال و ایدینا سفته از هر یک دو درم کافور و مشک از هر یک انبی صلا

کرده

کرده باب باران شیان سازند **شیاف اصغر** از جبهه ابتدا انزول و  
تاریخی چشم نافع است **صفحه** انزروت مربی شیان مایشا از  
هر یک شست درم بوزره ارمنی فلفل امیض از هر یک چهار درم زرنج  
کادو دو درم زعفران یکدرم فنیق گوشه و پنجه شیان سازند **صفحه**  
**اصغر** جوچی یک **صفحه** بلبله زرد تو تیا ی هندی از هر یک یکدرم فلفل  
سفید صمغ عربی از هر یک درم زعفران یکدرم باب باران شیان  
سازند **شیاف سماق** جرب و خارشنی و سوزشی و محفوظ را نافع باشد  
**صفحه** سماق سی شقال آب باران بنزد و پالانید و باره پنجه  
تا غلیظ شود و بگذارند تا سرد شود و دوه درم سفیداب از زبر آن  
بسپارند و شیان سازند و بعضی آب سماق را میجو شاند تا غلیظ  
میشود و در سماق بان هر شسته شیان بسیار سازند **شیاف و بنار**  
سبل قیق بر درو **صفحه** زرد چوبه شاد و پنجه سفول صبر سفوطری شیان  
مایشا مسادی گوشه و پنجه باب باران شیان سازند **شیاف و بنار**  
که صعبت در چشم ادر حال نباشد **صفحه** درق کل سرخ

پانزده درم زعفران هشت درم انیسون ده درم سبب الطیب  
 دو درم صمغ عربی یک درم باب ان شیان سازند **شیان سفید**  
 بنسخه دیگر مرده حرقت عین و دو معده سبب را که با دوات  
 باشد نافع بود **صفه** اقلیمیا سفیداب از ریز صمغ عربی انیسون از  
 هر یک چهار درم مس سخت سبب الطیب انشاسته از هر یک  
 یک درم و نیم افاقیا مغسول است چهار درم کوفته و پنجه و بعضی را  
 آب سو کرده آب عنب الثعلب شیان سازند **شیان اسطوخودوس**  
 استرخاد و جن و تارکی و است دای آب نافع باشد **صفه** اقلیمیا  
 طلا غفل سیاه انیسون از هر یک چهار درم صمغ عربی شیان  
 همیشه از هر یک هشت درم انزروت نمک هندی از پنج زرد  
 از هر یک یک درم بوزه ارمنی دو از ده درم باب از یازده شیان  
 سازند چنانکه رسمت **شیانی** که نافت جرب و غلطه جن  
 سبب کهنه که بان حرارت و حمزه نباشد و بیاض و تارکی چشم  
 زایل کند **صفه** انیسون اقلیمیا شیره از هر یک یک درم از ریز صمغ

عربی زنگار شق از هر یک دو درم بانی که اشق در آن حل کرده باشند  
 شیان سازند **شیانی** که نافت است مدار در او در دو ساکن کند  
 و خواب آورد **صفه** شیان شمشاد هشت درم زعفران انیسون  
 حنظل صمغ عربی از هر یک دو درم کیمیا از انزروت از هر یک چهار  
 درم چند پسته یک درم کوفته و پنجه شیان سازند **شیانی** که نافع  
 بود در حاره جدید را چوب اشک کند و کوشش بر دانه **صفه**  
 سفیداب از ریز ده درم خندانه زروت از هر یک یک درم انیسون  
 نیم درم کافور و دو آنک کوفته و پنجه شیان سازند **شیانی نیکاری**  
 جرب و باوسبب رانافع بود **صفه** صمغ عربی سفیداب از ریز  
 زنگار مساوی باب سدایت شیان سازند **شیان غوره**  
 جرب و حله و کینه نافع باشد **صفه** زنجبیل خندرم هلیله زرد تو تیبای  
 مغسول از هر یک ده درم حنظل یکی چهار درم زرد چوبه زعفران از  
 هر یک دو درم آب غوره شیان سازند **شیان عرب** که کهنه  
 کلن را از زروت زعفران خون سرکه شیب میانی از هر یک یک درم زنگار

و اینک در نیم کباب شیاف سازند و سوراخ را از حرکت پاک کنند و در پنج کجا  
**شیاف** در قرحه و سیخته و شیر و موسر و تو قرتیه و غنیه و کینه و  
رمد کینه را نافع باشد **صفحه** یک گل تازه هفت او و دو شقال اقلیمیا  
شهره محرق مغسول و صمغ عربی از هر یک بست درم و چهار شقال  
زعفران شش شقال انیسون و سه مه از هر یک سه شقال کما  
و تریبال نخاس و سنبل هندی از هر یک دو شقال و صاف چهار  
شقال کوشه و پنجهت باب باران شیاف سازند **شیاف و شیاف**  
چون بنیخته و دیگر را مد سودایی را نافع باشد **صفحه** سفید اب از زیر  
اقلیمیا از هر یک دو درم انیسون نشاسته از هر یک یک درم کبریا  
یک درم و نیم بطریق معهود شیاف سازند **شیاف آبار** بنیخته  
دیگر **صفحه** اقلیمیا طلا تو تبا سه مه سفید اب از زیر روی سوشه  
کنند از هر یک دو درم دم الاغون و انیسون از هر یک یک درم  
یک درم و نیم کوشه و پنجهت شیاف سازند **شیاف کندر** قرحه  
ببور انانگشت **صفحه** اشق از زودت از هر یک بخند درم

دو درم زعفران دو درم لعاب شیاف سازند **شیاف قلعند**  
از برای طفره بافت **صفحه** روی بوخته بخند درم زنگار دو درم نشاند  
قلعند بوره استی از هر یک درمی زرنج نیم درم کبریا کبریا  
بگذارند پس شیاف سازند **شیاف مرو** طفره را نافع بود **صفحه** کندر  
مر زعفران از هر یک یک درم زرنج سرخ درمی شیاف سازند باب  
کشیند تازه و چشم کشند **شیاف مرارات** انشار است ای  
زرد را نافع باشد **صفحه** زهره کلنگ زهره شویط زهره زرد کوهی  
زهره باز زهره عقاب زهره کنگ کج محب شمع خشک کرده درم تخم  
خضل کسب فنیون از هر یک یک درم باب از یانه شیاف سازند  
**شیاف مرارات** صغف بصره و است ای آب نافع باشد **صفحه**  
زهره بامش زهره عقاب زهره خود سن زهره روم زهره شویط  
مجموع خشک کرده مساوی باب از یانه شیاف سازند **شیاف**  
**مرارات** نوعی دیگر **صفحه** زهره کلنگ زهره کبک زهره زرد کوهی زهره  
باشه زهره حر که زهره کج زهره شیر زهره اعلق زهره خوک زهره کوش

زهره رو باه زهره آه زهره مای از هر یک خشک کرده یکدم کینج  
 فرنیون تخم حنظل از هر یک یکدم باب بویان چکن کنند و در آب  
 دیگر کوشند و بخت بان بپوشند و شیاف سازند **شیافی** که تا نیم تمام  
 مراد است **صفحه** زهره بزکوهی در ظرف پسین کشند تا خشک شود  
 ده درم تخم حنظل یکدم کینج دو درم فرنیون و نوشادر از هر یک  
 یکدم باب سداب آب از یانه شیاف سازند **شیافی علیانی** حک  
 و جرب سلاق و غله و موم و سبیل خوشه چهار مانع بود تریبا  
 سفول شده دم امیران چینی و شیاف مایش از هر یک چندم ار  
 غنفل زنجبیل زنبق بجز مفضل هندی پوست بلبله زرد ساج هند  
 از هر یک یک درم زعفران دو درم کتیرا صمغ عربی از هر یک دو  
 شقال آب غوره پرورده شیاف سازند **شیافی حلیت**  
 خیالات دست دارا آب مانع بود **صفحه** حلیت خربزه  
 از هر یک ده درم کینج سه درم بوسل هر شته شیاف سازند **شیافی**  
**دینار** بنوعی دیگر سبیل و نظره و جرب مانع است چشم را جلا دهد

**صفحه** افیمیا طلا و سفیداب از زهره از هر یک ده درم کتیرا از هر یک  
 چندم مر و اریزاسفته بسدوم الما خونین از هر یک چهار درم زنج  
 سرخ آقا قیاسات از هر یک یکدم فرنیون هفت درم زعفران  
 نشسته روی سوخته از هر یک ده درم کوشه و بخت شیاف سازند  
**شیافی** که جرب و سبیل و تخم زاید را مانع باشد **صفحه** ساج هندی  
 شش درم صمغ عربی چندم زنجبیل سه درم مس سوخته قطعه ریش  
 از هر یک دو درم فرنیون و زهره از هر یک یکدم زعفران یکدم در آب  
 سداب شیاف سازند **شیافی دیگر** که همین خاصیت دارد زنجار  
 سه درم سفیداب از زهره افیمیا شقره صمغ عربی شق از هر یک دو  
 درم شق را باب جل کوه داروهای دیگر کوشه و بخت بان کشند  
 و شیاف سازند **شیافی** که شوره و قرحه را سود دارد و نشان قرصا  
 برود **صفحه** شاخ کوزن سوخته مفضل چهار درم توپال مس مفضل  
 محرق دو درم صمغ عربی سه درم فرنیون یکدم شیاف سازند چنانکه  
 رسم است و جرب کشند **شیافی مسل** توپنج کشاید بلغم و صفرا دفع

کند در پشت اناغ بود **صفحه** سکنج متقل جاوشه اشق نمک مندی  
 شخم حنظل بوره ارمنی سقمونیا زرد حب النیل صمغنا باب سد  
 حل کنند و دیگر دارو را گوشه و چغندر بآن بپزند و شیاغ سازند  
 هر یکی دو درم **شیاغ دیگر** که در پشت و جمیع انواع مفاصل که  
 سبب آن سردی باشد نافع بود **صفحه** سکنج جاوشه متقل با زرد شخم  
 حنظل بید بخیر ماهی زهره بوزیران از هر یک یک درم و نیم سورخا و زرد  
 از هر یک سه درم چند پسته خردیم باب کنند شیاغ سازند  
**شیاغ زنجیر** زعفران حنظل مرافینون کند مساوی گوشه و نیمه  
 شیاغ سازند **شیاغ خیارشیر** قویج بکجا بد و طبع را نرم کند **صفحه**  
 بنفشه دو درم خطمی سه درم سنا و ملی چند درم نمک مندی یک درم عمل  
 و خیارشیر و شکر سرخ از هر یک دو درم شیاغ سازند **شیاغی** که  
 همین خاصیت دارد **صفحه** بنفشه چند درم سقمونیا نمک مندی از هر یک  
 دو درم بوره ارمنی تریا زهر یک سه درم قرقر دست فانی از هر یک  
 پنج مثقال شیاغ سازند **شیاغ قویج** بوره ارمنی ده درم شخم

حنظل

حنظل متقل سکنج از هر یک سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ  
 ده درم شیاغ سازند **شیاغ فرغیون** ضعف شانه و سلس البول  
 و قیق را نافع بود با قرقر و با **صفحه** نارچیل البصر زرد حب  
 الحلب متعشر مغز بادام تلخ گردانه حب الزلم از هر یک دو درم فرغیون چند  
 پسته سداب از هر یک سه درم متقل ده درم باب کنند شیاغ سازند  
**شیاغی** که متوی است **صفحه** حلتیث فرغیون از هر یک یک درم شکر  
 چند درم گوشه و نیم شیاغ سازند **شیاغی** که همین منفعت دارد **صفحه**  
 سه سو سمار زهره که حب القطن عاقر قرحا مساوی گوشه و نیمه بوزیران  
 سنبل شیاغ سازند **شیاغی** که استسقای طبعی را نافع بود با  
 دفع کند **صفحه** سداب حنظل از زبانه شخم کرفس زرد چند بوره ارمنی  
 از هر یک یک درم شکر سرخ چند درم باب سداب شیاغ سازند  
**شیاغ ثقل سمع** دوی و طینی که سبب آن ریح غلیظ باشد  
 و وجع مغنی گوش و طرستی که سبب آن اخلاط غلیظ از اهل گرداند **صفحه**  
 شخم حنظل یک درم بوره ارمنی سه درم چند پسته زرد از هر یک هر دو درم عصا

انستین از هر یک نیدرم قسط دانی فیون در کفی کوفته و بخت زهره  
کا و لبرشند و شیاف سازند و در وقت حاجت یکی از آن در غش  
با دایم تلخ حل کرده در کوشن بچکانند **شیافی** که نخون فتن از بوی  
باز دارد **صفه** کند از زردت دم الا خون کلنار سرمه زاج از هر یک  
یکدم زنگار دانی کوفته و بخته بعسل لبرشند و شیاف سازند **شیافی**  
**دیگر** که همین خاصیت دارد **صفه** قنطور یون مارک پنج سوسن  
انزروت از هر یک یکشغال مار و شغالی زنگار دانی بعسل لبرشته **شیافی**  
سازند **شیافی** که همین خاصیت دارد **صفه** افاقیا لحیة التیس  
کلنار کل زنی از هر یک یکدم و ع سوتته و سفیداب از هر یک یکدم  
باب لسان الحمل یا آب خرفه سرشته شیاف سازند **شیافی** که همین عمل  
کند **صفه** عصاره لحیة التیس افاقیا حفت بلوط دم الا خون از  
هر یک یکدم مر سفیداب صدف سوخت از هر یک یکدم باب لسان  
الحمل سرشته شیاف سازند **شیافی** که در عقب مهل استعمال کنند  
اگر در اسهال تصیری باشد و گرم از اجاز موافق باشد **صفه** ترنجبین

نخمس

نخدرم صابون رقی و خمین دنگ طعام از هر یک در دم شکر سرخ  
نخدرم شیاف سازند **شیافی** که اسهال موی اناغ باشد **صفه**  
مراقیا بذر البیج صمغ عربی برنج بریان کرده سادی کوفته و بخت  
باب موز سرشته شیاف سازند **شیافی** که مانعت از حمت  
زجیر داسهال اعراض **صفه** صمغ عربی افاقیا فیون مار و بذر البیج  
بریان کرده سادی کوفته و بخته باب موز شیاف کنند **شیافی**  
که شکم بند و **صفه** افاقیا صمغ عربی کلنار کوزنج بلوط برنج بریان  
کرده کوفته و بخته باب موز لبرشته و شیاف سازند **شیافی**  
فاقیا ام کلنار صمغ عربی کوفته و بخته باب موز لبرشته و شیاف سازند  
و پیش از جماعت استعمال نمایند **شیافی** که از بخته گرم کوجاک در  
سفلی طحال باشد و در **صفه** شحم حنظل قنطور یون نمک مندی نوز  
استخوان زرد الوی تلخ سادی کوفته و بخته شیاف سازند **باب**  
**الصاویفی** که بهق امض را بر یک برن آورد **صفه** شحم ترنجبین  
اب سانس فیه کندش خردل کوفته و بخته لبر که کهنه تر کنند

و در آفتاب بمالند **صیفی** که برص را از آن بکنند **صفه** شونیز ش  
 میانی فوه کوفته و بچسبند و بر شراب ترک نشدند و چند نوبت بمالند  
**صیفی** که همین خاصیت دارد **صفه** شطرج هندی عاقر قرحا  
 محض کی خردل شونیز کل شقایق مرزنجب زرد فوه مساوی کوفته  
 و بچسبند بخون زبرشته بمالند **صیفی** که همین عمل کند **صفه** شطرج  
 هندی فوه نیل شب میانی کل سرخ کوفته و بچسبند یک شب باز روز  
 در سر که خیسانند روز دیگر بمالند **صیفی** که بقی اسود را برود و در رنگ  
 بدن آورد **صفه** تخم ترب ده درم کند کشش و قسط از هر یک درم  
 سیرک کهنه بمالند **صیفی** که زکام را سرخ کرده اند **صفه** زعفران فوه  
 مصطکی مساوی کوفته با آب سبوس تر ساخته شب بمالند و صبح  
 با آب گرم بشویند **صیفی** که گشایش آن آب و جراحات را ریشها برود  
 و بر یک بدن آورد **صفه** مردار سنگ شسته سرخی کهنه آورد خود  
 استخوان پوسیده مغز تخم خوزه حب ابان قسط کوفته و بچسبند  
 لمعاب جلده و بذر الکنان یک شب بمالند و صبح سبوس ق آب گرم

بشوند

بشویند **صیفی** که همین خاصیت دارد **صفه** ایرساق طم در سنگ  
 مفصول شاخ کوزن سوخته بوزه ارمنی اشق کوفته بمالند **صیفی** که  
**باب الضاد صفت والتین** صلابت طحال اناضت **صفه**  
 مقل دوم شق در می آرد با قلا کرسنه نخود اکلیل الملک بزرک صلبه  
 با بونه ز مس سنبل از هر یک نیم درم پنجه زرد پسته چهار درم کوفته  
 پنجه بروغن سدایا روغن با بونه ضما و کنند **صفاوی** که درم  
 صلب رحم را نافست **صفه** مقل ازرق دو درم شق قند تخم در  
 صلبه زبرکتان آب کندا مغز فم کا و بدست تور معمول ساخته در آب غلیم  
 گیرند در درم گذارند **صفاوی** که نافست از جهه او را صلبه معده و بزرک  
**صفه** زعفران صبر از هر یک یک درم نین سنبل از هر یک یک درم و نیم  
 کوفته و بچسبند با آب گرم ضما و کنند **صفاوی** **حی العالم** نافست از  
 جهت حرارت و برودت جگر **صفه** بنفشه چهار مثقال کافور یک درم  
 کوفته با آب شسته تازه ضما و کنند **صفاوی** که درم جگر را نافست باشد **صفه**  
 جو در سر که خیسانند تا مهر شود پنجه درم طباشیر سفید فوخل از هر یک یک درم

کجیفه نضیه سر درم در  
 زده تخم مرغ  
 کجیفه نضیه سر درم در  
 زده تخم مرغ  
 کجیفه نضیه سر درم در  
 زده تخم مرغ

انستین درق کل سرخ قصب الزریه صندل سفید شیاف  
 مایش از هر یک درمی کافور وانی کوشه و جنت در لته گمان بالند در  
 موضع حکر اندازند **صفاوی** که قوبا و حار ش خضیه ابر و **صفه** بکیرند  
 شیاف مایشاد اقا قیا از هر یک درمی صبر و ش در از هر یک کلمی شین  
 پنجم بر وزن با سمن صفا و گشتند **صفاوی** که بجهت با و فتق کورگان  
 نافست **صفه** مقل در می ابر که حل کرده صفا و گشتند **صفاوی**  
**سوخه** بنفشه سبوس کندم آرد جو خطمی آرد با قلا اکل ال ملک  
 مساوی بر وزن بنفشه با و ام صفا و گشتند **صفا و دایسل** بزرگ  
 حلیه از هر یک ده درم میو سیاه چهار درم اقا قیا مر امله کز سعد زعفر  
 سنبل صطکی از هر یک پنجم ککله درم کوشه و پنجه باب بر صفا و  
 کنند **صفاوی** که معده بارده را گرم کند و قوت دهد **صفه** سعد صطکی  
 سنبل قسط انستین از هر یک پنجم از خوا امله قز نقل در حنی قصب  
 الزریه از هر یک دو درم کوشه و پنجه باب بر صفا و گشتند **صفاوی** که درم  
 گشته معده و تحلیل دهد **صفه** مقل حب البان تخم کرب از هر یک

دو درم

دو درم سنبل الطیب با شین مصطکی از هر یک پنجم درم سوم درم غرن  
 نارون با نرزه درم صمغنا را در شراب حل کنند و باقی آدوی را کوفته و  
 پنجه اضافه نمایند و با موم روغن صفا و گشتند **صفاوی** که همین  
 خاصیت دارد **صفه** حلیه سعد قصب الزریه از هر یک درم پنجم  
 سوم درم روغن با بونه با نرزه درم بطریق معهود صفا و گشتند **صفا و**  
**صفه** این که **صفاوی** از جهت معده و جب که گرم نافست  
**صفه** صندل سرخ و سفید کل سرخ شیاف مایشا کافور کوشه و پنجه  
 باب غلب الثعلب قدری سرکه صفا و گشتند **صفاوی** که استسقا  
 زرقی را که با آن حرارت باشد نافست **صفه** آرد جو سعد شیاف گشتند  
 بوزه ارمنی کل ارمنی مساوی کوشه و پنجه صفا و گشتند **صفاوی** که در تحلیان  
 سود دهد و صوابت را نرم کند **صفه** اشو شفت در سرد است درم  
 بوزه ارمنی فو نه از هر یک سه درم کوشه و پنجه صفا و گشتند **صفا و**  
**اداش** صلابت طحال را سود دهد **صفه** اشو نقل بوزه ارمنی یک گندی  
 از هر یک چهار درم گشته از خارج از هر یک گشته شد م سد است تمام



گوید و در دم آنچه زده عده دیگر را در سر که بزند و اشق و مقل را  
 در آن حل کنند باقی او میرد و گوشه و چینه افشا فرمایند و بجاوند  
**صمادی** که در صم و دوا سپر است که در **صم** سخوان افیون بزرگ  
 پیوسته از هر یک دو درم حطین و بزرگ از هر یک یک درم  
 روده تخم مرغ نیم برشته یک چینه بر روغن آسمان زرد و زرد  
 کنند **صمدی** که از جهت اشق نافع بود **صم** جوز السرد و درم صمد  
 مضع عین زرد خوش بار و آقا قین از هر یک یک درم گوشه و چینه  
 بر آب گشته برشته صم و گشته **صمادی** که بحدی ضایعیت دارد  
**صم** جوز السرد و صم سقوی و ورق صمداب با زرد یا بویسادی  
 گوشه و چینه بر روغن قسط صم و گشته **صمادی** که همین منفعت دارد  
**صم** مصطفی کند از زردت جوز السرد و برگ سردی  
 بطور مساوی گوشه و چینه بر که صم و گشته **صمادی** که نفوس بارود  
 سود دارد و بقایای او را در آب بارود و گلیس و **صم** مقل کند  
 جلد بزرگ اشق گوشه بر آب صم و گشته **صمادی** که بکلی از بین

باید دانست

پیرون آرد و **صم** اشق با زرد کس خنجی گوشه بعل صم و گشته **صمادی**  
**الطحقیون** بر دوت معده و کب و طحال نافع بود **صم** نشین  
 سنبل الطیب این صم سقوی از هر یک سه درم عود و لبان عین  
 از هر یک دو درم موم سفید شست درم موم در روغن نارودین یا روغن  
 شطایار و روغن زنبق که با زرد باقی او در گوشه و چینه بان تر سازند و صم  
 کنند **صمادی** که ضعف معده را که سبب آن حرارت باشد نافع بود **صم**  
 حب لاس امله عود کلنا بزرگ مورد پوست بر پوست کل بر صم  
 الزریه و صمدل سرخ و سفید گوشه و چینه کباب آب سب **صمادی**  
 کنند **صمادی** که نفوس او را م حاره را نافع باشد **صم** صمدل سرخ  
 عدس مقشر و فلفل شیانف اما شاکل از منی گوشه و چینه کباب آب سب  
 صم و گشته **صمادی** که لقمه و فالح و صدراع و در چشم را  
 شقیقه و صدغین صم و گشته و چون بر شانه صم و گشته بول  
 راند و چون برگزندی غریب صم و گشته در دوساکن کند و چون  
 بر شکم صم و گشته او را م عضار باطنه را نافع بود **صم** رعی الحمام دو

**صمادی** که بجهت اشق نافع است  
**نفس از راه چهار سب**  
**صفت صمدل بزرگ**  
 لا قیابون در بند صم  
 زردت کل از سر سورنی  
 بابک زرد سبده طارک  
**چند درم جوهر ننده**  
 کلک و زبان سورنی  
 سبک کرا احد الکرک  
 و زردت و نبات  
 بنوشند بعد از آن  
 یوم دیگر نیم گینت نسو  
 یکا گنده کربت غوا  
 و کل بخورده مید کنند

درم موم سفید و درم راسخ سه درم و عنبر نیت چهل درم موم و راسخ را  
در روغن زیت بگذارند در عی الحمار را که کوفته و چخت اضافه نمایند  
**ضمادی** که اگر بعد از مندی آرد و اگر زراف ضما و کند شکم براند  
و اگر بر جان ضما و کند چمن براند **ضمفه** بزنگ کبابی عصاره قنار  
الحمار از هر یک در شقال خربق سفید و در سنگ از هر یک چهار درم بر  
زیت بگذارند باقی او کوفته و چخت بر آن ضم کنند و بر روی  
کاغذ پارک کنند و ضما و کنند **ضمادی** که چون بر لخته کشند و بر فرغ  
معدده اندازند اسهال سو و افتد و چون بر زیر بغل ضما و کنند اسهال  
صفرا و چون بر پامین الوریکن ضما و کنند بلغم براند و این ضما و هر  
اطه است و پیران کبانی را که طافت اسهال بد و انما شد بدین  
معالجه کنند **ضمفه** ترس متشک یک کف بگویند و در دیک کنند  
و بعد از آن مساوی آن روغن کما و اضافه نمایند و بجوشانند تا تمام  
آید و استعمال کنند و چون خواهند که قطع اسهال شود و لته بر آید و ضمع  
را بجلاب بشویند **ضمادی** که جبر و کثر و دنی را مانع باشد **ضمفه** مقاشه

ماش

ماش کل اشقی از هر یک چهار درم تخمین از هر یک درم اقا قیما و صبار از هر یک  
یک درم کوفته و نخته آب سرد و زرده تخم مرغ ضما و کنند **ضمادی** که  
عرق لفسا و وجع الوریکن مانع است **ضمفه** پوست کبک کوفته که عی الحمار  
قرح از هر یک دو درم عصاره قنار الحمار حجب الحمار از هر یک یک درم کوفته و  
پخته لشراب العسل ضما و کنند **ضمادی** که عین خاصیت است **ضمادی**  
نظرون عاده قرح از هر یک دو درم قسط تخم تره نیک از هر یک یک درم  
زفت پنجم زفت ادر و روغن زیت بگذارند باقی او کوفته  
و نخته اضافه نمایند و ضما و سازند **ضمادی** که پوست بر کوه ماخن بر کرد  
و با صلاح آورد **ضمفه** مصطکی سه درم در پارزوه درم روغن کل یک درم  
دو درم نمک آن پانیزند و بر آن موضع ضما و کنند **ضمادی** که در پشت  
دگر رس کن گرداند **ضمفه** چند ستر زعفران فیول سفید را بر نیز  
سفیده تخم مرغ بر پشت ضما و کنند و با نش درشته دست نمایند  
**ضمادی** که از برای برص اطفال نافع باشد **ضمفه** زرنج سرخ زشت سیاه  
گوگرد از هر یک یک درم زفت رومی ده درم زفت ادر عسل و سرکه که بکند

دور و مای دیگر بان برشته ضما و کند ضما دی که استغای طبعی با  
سود دارد **صفحه** با بونه اکیل الملک حماما شبت مصطکی از هر یک ده درم  
انستین بنیل صبر از هر یک هفت درم کندر شش درم خطمی  
پانزده درم سه بط و دوازده درم سه مرغ بست درم سوم سفید مرغ  
ضما و سازند ضما و **بوسیر** تخم کند تا بزرگ قتل از نرق از هر یک پنجم درم  
بروشن کا و سرشته ضما و کند ضما دی که قروح معده راناف باشد  
**صفحه** انیون زعفران از هر یک نیم دانگ در اسکنک بقال غیداب  
از زنجیرم روغن کل پنجم درم ضما و سازند ضما که برست **ضما دی** که  
اخراج شست کند و چنین بر آن آورد **صفحه** تخم خطم قسط سد اب  
از هر یک سه درم کوشه و چغندر بز بزه کا و سرشته بند بر عاندوناف  
ضما و کند ضما دی که صدراع بار در راناف بود **صفحه** با بونه اکیل الملک  
در منة زقانت درم ورق الفارم زنگوش مسادی بر روغن خیری ضما  
کند ضما دی که اسهال صفراوی راناف باشد **صفحه** برک مورد کل سرخ کما  
کنار صندل از او لادون ساق اقا قیا حنض سادی کوشه و خخته

باب شش

باب مورد سرشته ضما و کند ضما دی که زلق و همعا بلغمی راناف باشد  
**صفحه** لادون سعد مصطکی قصب از زره او خمیر زنجوش تمام از هر یک  
پنجم درم عود جوز بواقر فضل از هر یک یک درم نیم کوشه و خخته باب مورد ضما  
کند ضما دی که او رام شری را سود آورد **صفحه** نان کندیم آرد جو با قلا  
خطمی حلیه از هر یک ده درم زعفران خیدرم کوشه و خخته بز بزه تخم مرغ  
ضما و کند ضما دی که گذارد که لبستان بزرگ شود **صفحه** روغن  
سوخته آرد جو مسادی سه بر که سرشته بند درم مایه سر روز متوالی ضما  
کند ضما دی که اما س چشم نشانند و در مسکن گردانند **صفحه** آرد  
جوده درم با قلا خیدرم اقا قیا یک درم سفیده تخم مرغ کعبه و باکش نیز  
د آب کاسنی مخزوج ساخته ضما و کند ضما دی که از جبهه خسلط  
عقل در امراض حاره نافع است **صفحه** آرد جو ده درم سوس کندم سفیده  
از هر یک پنجم درم خطمی سه درم باب برک سید و روغن قدری اسکر ضما  
کند ضما دی که اما س این کوش را نشانند **صفحه** سه بط سه مرغ از هر یک  
پنجم درم شکر کوشند کوشه و خخته بان برشته بند ضما و کند

**ضمادی** که اسهال که سبب آن ضعف قوت یا ضعف بردوت جگر باشد  
 نافست **صفه** سنبل الزریه نه تنین رومی قشور کند بر صفت  
 لادن برک مورد درق کل سرخ صندل از هر یک ده درم پوست انار  
 ترش آله از هر یک پانزده درم کوشه بخت شراب کهنه ضماد کنند  
**ضماد** که همه سینه و حلق تا نفخت **صفه** روغن بادام موخ میسند  
 منزه تخم خیار یا تخم خرفه درق کل سرخ منفرکد و اخرا را با هم مزوج  
 ساخته باره از آن مخلوط کنند و بر روی سینه و جگر بنهند **ضمادی** که  
 در دلو اسپر بنهند **صفه** مقل از رزق کوهان شتر مغز ساق کاه  
 استخوان زرد الو میوه زرده تخم مرغ مساوی در روغن کاه که سا  
 در آن جوشانیده باشند حل کنند و ضماد کنند و ساز روغن کاه برینا  
 کرده نیز ضمادی نافست **ضمادی** که قبیل المار اسود و اردو جویک که سفید  
 کل ازین سر کین کاه و خشک از هر یک دو درم سعد لوزه ازین سر زیره  
 کرمانی مس سوخته تخم حنظل صبر سقوطی قشور الحار از هر یک یک درم  
 کوشه و بخته لبرک ضماد کنند **ضمادی** که از فوطه شربان نافع بود

**صفه** عدد منقش پوست انار ترش از هر یک مورد مساوی کوشه و  
 بخته لبرک که لبرک شند و بر پشت شکم و خانه ضماد کنند **ضمادی** که شیر  
 زنان زیاد کند **صفه** آرد با قلاوه درم یک با درج بخدرم کوشه  
 و بخته باب با درج ضماد کنند **ضمادی** که کنگر اردو که ناف بر دل آید  
**صفه** شب میانی سه درم مار زسه عدد کوشه و بخته شش درم سرکه  
 ضماد کنند و بر فاده محکم به منبند **ضمادی** که نفوس گرم را مسود دارد  
**صفه** آرد جو بیست درم انیون سه درم آب عنب الثعلب ضماد  
 کنند **ضمادی** که نفوس مرکب را نافع بود **صفه** معاش خطی مخم مورد  
 آرد جو سورنجان مساوی روغن کل مرزده تخم مرغ ضماد کنند  
**ضمادی** که جمیع امراض معاصر را نافع باشد **صفه** با بونه خطی اکلیل  
 الملک از هر یک بیست درم شش جادو شیر مقل از هر یک ده درم مخم  
 دسر که از هر یک بخدرم روغن شبت بیست درم ضماد کنند چنانکه  
 رسمت **ضمادی** که جمیع اورام حاره را نافع بود و مواد را دفع کند  
**صفه** شیاف میثا انا قیا فلفل صندل سرخ باب عنب الثعلب

ضماؤ کنند **ضمادی** که بوسه در درم مقعد و زحیرا مانع باشد **صفت** مغز  
 ساق کاوده درم موم سفید سه درم قاقیادام الاخوین کند مر از هر یک  
 نیم درم مردار سنگ سفید اب از هر یک یک درم دینم مقل یک درم  
 انیون و انی روغن کل میت درم بطریق مهود ضماؤ کنند **ضمادی**  
 که مخصوص بواپس است **صفت** روغن مغز استخوان زرد الو تخم شقال  
 سه بطخدرم مویسایسه درم مقل ازرق دو درم زفت یک شقال  
 نیم ضماؤ کنند **ضمادی** که همین خاصیت دارد **صفت** بارز کندان  
 پنجه در روغن کاد بریان کرده از هر یک پنجه درم مقل یک درم زعفران  
 نیم درم انیون و انی دینم ضماؤ کنند **ضمادی** که همین عمل کند **صفت**  
 روغن مغز استخوان زرد الو دوه درم کوبان شتره شقال یک  
 شفتالوی خشک موم سفید از هر یک سه درم مقل یک شقال مردار سنگ  
 دو درم ضماؤ سازند **ضمادی** که درم بار و خصیه مانع باشد **صفت**  
 اردو با قلا صلبه با نونه زیره مویز سفی بر روغن کجند ضماؤ کنند  
**ضمادی** که ضماؤ بر تحلیل کند **صفت** کثیر پنجه درم ناخواه دو درم صبر یک درم

کبیر

یک شنبه تازه ضماؤ کنند **باب الطاطلس** که از جهت صداع  
 حار مانع باشد **صفت** صندل سرخ و سفید تخم کاهوا از هر یک سه درم کل غلغله  
 کل سرخ از هر یک چهار درم زعفران یک درم انیون شیانف میثا از هر  
 یک دو درم سرخ لفاح یک شقال باب برگ کاهو تر ساخته بریشانی غصین  
 طلا کنند **طلایی** که درم بس کوش را نهفت **صفت** صندل سرخ غلغله  
 شیانف میثا صبر زعفران مر مساوی بکباب طلا کنند **طلایی** **رسم**  
 اردو جو دکلتارا قاقیادامه لحیته التیس انیون صندل سفید از هر یک  
 سه درم کافور و انی بکباب تر ساخته بریشانی طلا کنند **طلایی** که همین  
 خاصیت دارد **صفت** اقا قیاشسته کل از منی کلن مساوی کوشه  
 و پنجه باب مورد و اب برگ کابسان الحبل مرشته بریشانی  
 طلا کنند **طلایی** که موی را از ریختن نگاه دارد **صفت** پرسیاوشان  
 لادن نستین حن الغار مساوی کوبند و در روغن مورد بزنند  
 و طلا کنند **طلایی** که شکست و شکافتن موی را نگاه دارد **صفت**  
 برگ جعفری لعاب بز قطن و در حمام بر سر درش طلا کنند **طلایی**

که بسوسه اسود دارد **صفحه** آب برک جغندری چهل درم بوزه و درم زهره  
کا و یک درم عسل بسپارند در بر سر طلا کنند **طلایی** که منع انبات موی  
**صفحه** فرغ را در سایه خشک کنند و بسایند و خون ناک شست تری خشک  
کرده و ایک بوزه از موی مردار سنگ صدق سوخته از هر یک قدری باب  
بسپارند و چون موی بغل خانه برکنده باشد طلا کنند و بگلیمانند دیگر  
بر این موی زردید و حبس جغندرات و مبردات همین خاصیت دارند  
مثل آنکه اکوی از موضع کبکند و آن موضع را به نیک شوکران و فیون  
پخته طلا کنند چند بار منع انبات موی کنند **طلایی** که درین موضع است  
**صفحه** شیره انجیر و خایه مورچه و بلج و ترشی ترنج از هر یک قدری بکند  
مخروج سازند و موی را بکنند و سه بار بر آن طلا کنند منع انبات  
کنند اگر پیش از بلوغ و انبات خانه را به اینها طلا کنند موی از اینجا زود  
**طلایی** که موی رویانند و در او التهاب نافع باشد **صفحه** لادن سوسه  
چوب کتان شقایق بارغن مورد طلا کنند یا برک مورچه گوشه لادن  
و مرور و عن مصطکی بمالند یا فجاج اذ خرد و قنفل مسعد و مازو گوشه

با شراب طلا کنند یا سم استر محرق بارغن و نر طلا کنند بعد از آنکه خندان  
بپاز غنصل الید به پشند که آنکه گره باشد نافع باشد اگر زرد بلج و برنج  
سوخته بر روغن زیت طلا کنند همین عمل کنند **طلایی** که حکه و جرب با پس را  
نافع بود **صفحه** مغز سخوان زرد الوی تلخ تخم ریواس از هر یک است درم  
نمک طعام زریق از هر یک و درم مجموع را با بست درم است مغز و جرب  
در حمام طلا کنند و بجا است بگذارند پس بشویند **طلایی** که همین خاصیت دارد  
**صفحه** زریق مغزول خنثی حنظل اقلیمیا نقره عدس مقش مسادی که  
و روغن کل طلا کنند **طلایی** که همین منفعت دارد **صفحه** مغز بادام تلخ  
کی هر دو در سنگ از هر یک سه درم بخندوده درم سبزه که در روغن کل طلا کنند  
**طلایی** که از جهت جرب طب نافع باشد **صفحه** کنش دی مردار سنگ  
از هر یک درمی نمک بخندرم سبزه که در روغن کل ترساشده در حمام طلا کنند  
**طلایی** که جرب را نافع باشد **صفحه** زرد چوبه بر قسط کنش از هر یک یک درم  
میوه سیاه بخندرم بر روغن کل ترساشده در حمام طلا کنند در ساعت  
بگذارند پس آب گرم بشویند طریق استیصال جرب با پس است که در

هر روز کشفال صبر با عرق کاسنی خمیر کرده با سه قاشق عرق کل بخورد  
 و بعد از آن حمام رود و پهلوی آید و از آن مردار سنج در اج زرد و سکه  
 که یک هفته در آفتاب گذاشته باشد طلا کنند که نافست **طلایی** که همین  
 خاصیت دارد **صفه** گوگرد زرد کشفال سه بز و شغال و عنبر کل در کشفال  
 سه را در روغن بکر از نذو گوگرد و صلیب کرده بدان مخرج سازند و شب  
 بمالند و صبح در حمام بشویند **طلایی** که همین منفعت دارد **صفه** زینق  
 مغسول خنجر کندش و درم زرد و نذو طویل و درم بروغن کل سه روز طلا  
 کنند **طلایی** که همین خاصیت دارد **صفه** عاقر قرحا مویز خردل حنا  
 زینق مغسول گوگرد و موم سادی بروغن زنبه مخرج ساخته طلا کنند  
**طلایی** که از جهت جرب نظیر ندارد و اگر تجربه بر سیده **صفه** گوگرد  
 حنا از هر یک کشفال پوست لیله زرد زینق مغسول شطرح هندی از  
 هر یک نیم کشفال فلفل و کلمی روغن زنبه پوست کشفال بطریق موهو و کبک  
 مخرج سازند شب بمالند و صبح در حمام بسوس و سه گوگرد آب گرم  
 بشویند **طلایی** که از جهت مکه نافست **صفه** شحم شخاش سفنج کوفته

درم که

درم که خیساند و در حمام بمالند **طلایی** که حکه خصیه نافع باشد **صفه** نسیا  
 مایشاد و اقا قیا از هر یک چهار درم شنان دو درم نو شاد و کلمی زعفران  
 یک طسوج کوفته و بخت بر روغن کل درم که زکوه طلا کنند **طلایی**  
 که تو بار نافع باشد **صفه** گوگرد و درم سفیداب از زینق درم مویز  
 یک درم سه طلا کنند چنانکه رسم است **طلایی** که همین خاصیت دارد  
**صفه** خربق سفید چهار درم ترس صدف سوخته نظرون از هر یک سه درم کوفته  
 و بخت سه که ز ساخته طلا کنند **طلایی** که همین منفعت دارد **صفه** ترس  
 اشق از هر یک یک درم بوزه از می دو درم سه که کهنه سه شنه طلا کنند و بعد  
 از ساعتی باب گرم بشویند **طلایی** که نافست از جهت قلع نایل **صفه**  
 مازوشب میانی شحم جرم کوفته و بخت بزهره کاد و سه شنه و چند نو  
 طلا کنند **طلایی** که بخت کی آتش را نافع بود **صفه** حدس متشکل سرخ  
 پزند تا مبر شود پس سفیداب از وجود روغن کل آن ساینند طلا کنند  
**طلایی** که نزدیک اناس گرم که بعد از چهار بیای دراز در پشت چشم  
 و پشت پای در وی پیدا شود و زایل کند **صفه** صبر قاقیا ز سیداق

همیشه زعفران محض کل از منی کوفته و چغندر آب که آب غلبه  
 طلا کند **طلایی** که صدراع را نافع بود **صفت** زعفران اینون زبرالنج کند  
 سادی بکلاب تر کرده بر صدغین طلا کند **طلایی** نیلوز بنفشه تخم  
 کاهوز از هر یک در دم پوست خشک شیاغ میثاق میثاق از هر یک در دم  
 صندل سرخ و سفید از هر یک دو مثقال کوفته و چغندر آب برگ کاهوز  
 تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کند **طلایی** که اسهال قوی باز دارد  
**صفت** کل سرخ چغندر آقا قیالکنا راز و شب میانی جز المهر و صندل  
 سرخ و سفید عدس برگ مور و از هر یک سه درم طباشیر و درم باب به  
 بر شکم و معده و پشت معده طلا کند **طلایی** که درم جار جگر را نافع بود  
**صفت** بنفشه خطمی آرد جو از هر یک هفت درم کل سرخ چهار درم صندل  
 سرخ و سفید با بونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کثوث نیلوز از هر یک  
 دو درم شیاغ میثاق دو درم نیم ریونند چینی یک درم بنبل نیم درم  
 کوفته و چغندر آب کاسنی طلا کند **طلایی** که فراط محض را  
 باز دارد **صفت** کل سرخ عدس شش از هر یک چغندر آقا قیالکنا سفید

از هر یک

از هر یک سه درم کل از منی چهار درم لوط و طباشیر از هر یک یک درم کوفته و چغندر  
 و آب بر عارضه و پشت طلا کند **طلایی** که از جهت بنات اللیل نافع  
 باشد **خطمی** با بونه اکلیل الملک از هر یک چهار درم ترس پوش  
 در سدی از هر یک دو درم و نیم آرد با قند سه درم کوفته و چغندر  
 آب کرفس طلا کند **طلایی** که جهت سفید برگ بر روی اطحال  
 نافع باشد **صفت** سفید آب از زیره سه درم کل سرخ دو درم  
 کلنا روز و زرد جو بر از هر یک یک درم کافور طسوج سوم سفید دو درم  
 و تخم کوفته و چغندر بان مخروج سازند و طلا کنند **طلایی** که کرمی  
 خاصیت دارد **صفت** شان سبزه و ارسنک از هر یک  
 نیم درم کل از منی محض پوست انار از هر یک سه درم حنا و بیل  
 از هر یک چهار درم آقا قیالکنا میثاق صندل از هر یک دو درم  
 بکلاب تر ساخته طلا کند **طلایی** که همین خاصیت دارد **صفت**  
 برگ منک چهار درم حنا و از هر یک دو درم بروغن زیتون  
**صفت** که همین خاصیت دارد **صفت** آب برگ چغندر روز و غن



از هر یک صد درم بچو شاند چند انخاب برود و روغن بمالند بعد از آن برک  
 هک حنا از هر یک بخورم کوفته و بخت بان مرغ و ج سازند و طلا کنند  
**طلایی** که از جبهه سفید که در بدن طحال پیدا شود نافع است **صفحه** زرد  
 جوید چنان از او نمرد و از سنگ پوست انار بر روغن گل سر طلا کنند  
**طلایی** که از جبهه سفید که نافع بود **صفحه** نمک محرق زنجبیل محرق کوه و خاک  
 زینق زرد زرد جوید زرد نمرد و از سنگ کوفته و بخت بر روغن گل سر طلا کنند  
**طلایی** که سفید تر نافع باشد **صفحه** نمک ششمان بسکه که کرده چند  
 نوبت بمالند اگر صاحبون رقی کلاب برزند تا کف بر آرد بعد از آن پنج  
 بنفشه موم سفید و روغن بنفشه با دوام از هر یک قدری اضافه  
 نمایند و طلا کنند و یک ساعت بگذارند پس آب گرم بشویند **صفحه**  
 دست تاصل نماید **طلایی** که شبش را نافع کند **صفحه** مویز خورده  
 از هر یک دو درم زنجبیل سرخ کیدرم و نیم زینق منقول کیدرم هر که در روغن  
 طلا کنند و اگر بدن را بر روغن کافور حبه چرب کشید بر آبی که در آن  
 کل سرخ و برک مورد جو شاییده پشته بشویند بجا نافع بود **صفحه**

کلید جبهه درم  
 مایه سارک در سنگ جبهه  
 زنجبیل کوفته زرد جوید  
 بنفشه موم سفید و روغن  
 بنفشه با دوام از هر یک  
 قدری اضافه نمایند و طلا  
 کنند و یک ساعت بگذارند  
 پس آب گرم بشویند  
 دست تاصل نماید  
 طلایی که شبش را نافع  
 کند صفحه مویز خورده  
 از هر یک دو درم زنجبیل  
 سرخ کیدرم و نیم زینق  
 منقول کیدرم هر که در  
 روغن طلا کنند و اگر بدن  
 را بر روغن کافور حبه  
 چرب کشید بر آبی که در  
 آن کل سرخ و برک مورد  
 جو شاییده پشته بشویند  
 بجا نافع بود صفحه

که همین

که همین خاصیت دارد **صفحه** مویز زنجبیل سرخ زرد و نخل مساوی  
 بر روغن زیت بر بدن طلا کنند در حمام بعد از آن که عرق کرده  
 باشد **طلایی** که کلف را برود **صفحه** پوست تخم مرغ ششمان با کینه  
 پروده آرد جوید نخی پوست حدس آرد با قند و فلفل کف دریا بمالند  
 چینی مساوی بابت تر طلا کنند **طلایی** که برش برود **صفحه**  
 سفیداب زنجبیل سرخ مساوی بشوید تازه طلا کنند **طلایی** که  
 اثرهای زردی از روی برود **صفحه** زرد نمرد و ج سطح هندی از هر  
 دو درم آرد با قند و حدس سرخ از هر یک بخورم سفید کرم  
 مرغ تر سازند و شب طلا کنند و صبح با آب خرفه نیم کوفته که جوشان  
 پشته بشویند **طلایی** که صنف را نافع بود **صفحه** حنا و نمک کوفته و بخت  
 بسکه که تر سازند و در حمام بمالند و یک ساعت بگذارند پس آب سرد و پس  
 بشویند **طلایی** که جدام را نافع باشد **صفحه** نظرون اشق فرنیون کورده  
 زرد و چمر مساوی کوفته و بخت بسکه طلا کنند **طلایی** که بهرت از آن کند  
**صفحه** نوه کندش سطح هندی خردل تخم ترب ما زنیون تخم مفضل

خرفه سیاه و سفید مویزج سقونیان از هر یک بجزود شقایق و در هر دو کوشه  
 و نخته در سر که جنبانند یک شانه زرد و یک طلا کنند **طلایی** که بهیق  
 را سود دارد **صفه** شقایق سقونیان شطرح شخم زب خردل صمغ آلو  
 از هر یک یک شقال کوشه و نخته در سر که جنبانند یک شانه زرد و زردان  
 که در حمام کسبه بر آن مالیده بشند طلا کنند و مر و ارید صلا یه کرده که  
 مایلین همین عمل کند **طلایی** که جب الترع و کرم دراز از اطفال افراج  
 کند **صفه** انستین سه درم برک شغنا لودرمی زهره کاه و یک عدد بر حوطی  
 ناف طلا کنند **طلایی** که چون بر سر افراع مانده سوی براند **صفه** فلفل کوشه  
 و نخته زهره شوک طلا کنند **طلایی** ارتیا سوس شمره و دروه انفع است  
**صفه** کندر فراز هر یک یک درم ملاون شب میانی توبزه ازنی از هر یک یکی نیم  
 موم نیم درم بر وزن زیت طلا کنند **طلایی** که چون بر پیشانی  
 و پشت چشم طلا کنند است دای مدرا سود و اردو ماده را دفع  
 کند **صفه** شیاف مایه صبر حفض کل سرخ صندل سرخ فوفان غفران  
 مسادی با یک شین تازه یا آب کاسنی تازه طلا کنند **طلایی** که

شیرناق

شیرناق نافع باشد **صفه** صبر یک درم شیاف مایه اقا قیامر سباز از هر یک  
 دو درم زعفران نیم درم کوشه و نخته باب مورد یا آب کاسنی طلا کنند  
**طلایی** که در چشم را ساکن کرده اند **صفه** عدس مقشر صندل سرخ  
 از هر یک دو درم کافور و انگی نیم باب کاسنی بر پیشانی و حوض طلا کنند  
**طلایی** که همین خاصیت دارد **صفه** صبر شیاف مایه حفض کل  
 زعفران انیون اقا قیامر کل اسغی صندل سرخ مسادی باب غلب  
 یا کلاب طلا کنند **طلایی** که صداع بارور نافع بود **صفه** مشک  
 و صبر فزیون چند سدر صمغ عربی مورد زعفران از هر یک دو  
 دانگ انیون انگی و نیم باب کاسنی باب مرزنجوش تر سازند  
 و بر کاغذ کشند و بر پیشانی و صدغین اندازند **طلایی** که حمزه نافع  
 باشد **صفه** صبر زعفران اقا قیامر فلفل کل اسغی صندل سرخ شیاف  
 مایه آب کاسنی یا آب غلب طلا کنند **طلایی** که سکه را  
 نافع بود **صفه** خردل چند سدر ستر که کوزه طلا کنند بعد از آنکه تر شده  
 باشد **طلایی** که لغوه را سود دارد **صفه** صبر حفض از هر یک درم غفران

دو دانگ بکلا طلا کنند **طلایی** که حجوظ عین با سود دارد **صفه** صبر  
 حضرت قنای عصاره الحینه التیسر آب غیب الثغاب طلا کنند  
**طلایی** نفوذ در ام حاره را نافع باشد **صفه** صندل سرخ شیان  
 مایش از هر یک سه درم کل از منی ده درم اقا قیا حضرت از هر یک دو درم  
 سفیداب از هر یک دو درم سنگ از هر یک درمی قیولیا چند درم گوشه  
 و پنجمه باب کاستنی بر شند و کلها سازند بر شل کعبتین دور  
 وقت حاجت یکی از ان باب کشین تازه بسایند و طلا کنند  
**طلایی** که شکم بند و اسهال باز دارد **صفه** اقا قیا سودر کند کعبک  
 جوز السرمه و مار و کل سرخ امل کل از منی کا و رس برنج عدس ملوط  
 کلنا ریز البنج صندل باب مورد یا آب بر شل طلا کنند  
**طلایی** که چون بر خصیه اطفال مالند گذارو که بزرگ شود **صفه** قیولیا  
 سفیداب از هر یک دو درم شب میانی ما زو از هر یک درمی  
 نیک بگذرد و نیم گوشه و پنجمه بعسل دروغش مورد چند نوبت طلا  
 کنند **طلایی** که استسقای طی انافت **صفه** درمنه تری کنند

سوتنه

سوخت بوزه از منی سر کین تکلمه نه مساوی طلا کنند **طلایی**  
 که منع است تن کنند و اگر است تن بود بچه پنجاه **صفه** سدر خشک  
 نظرون مساوی گوشه و پنجمه باب سداب زربهر شند و بر  
 قضیب اند و بگذارند تا خشک شود و بعد از ان مباشرت نمایند **طلایی**  
 که بر استنی معین باشد **صفه** حب لبان جاوشیر مقل با و اور و سوی  
 گوشه و پنجمه با نزهه کا و قضیب مالند و بگذارند تا خشک شود و بعد از ان  
 مجامعت کنند زن استن شود **طلایی** که همین خاصیت دارد **صفه**  
 برک سنجی خشک بکوبند و با نزهه کا و قضیب طلا کنند و مباشرت  
 نمایند **طلایی** که گاه است عرق زایل کند **صفه** سکا کل سرخ سنبل  
 سودر شب میانی از هر یک قدری گوشه و پنجمه بکلاب تر ساحته  
 بر بدن طلا کنند **طلایی** که است میان زایل کند **صفه** بر زرا و نند  
 طویل برک جنار کا غذا بکینه مجموع سوختن از عنقر ان مساوی گوشه  
 و پنجمه باب مورد بهر شند و کلها سازند و خشک کنند بعد  
 از ان بغل انرا شند تا خون آلود شود و بعد از ان یک کلوله از ان

علاج هر دو از آن  
 در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز

سوده در آن وقت که کوشش بماند روز بگذرانند و دیگران تن نشویند  
**طلایی** که حبس عرق کند **صفه** برگ مورد و ماژ و کلنا رسادی کوفته  
 و چخت بآب غوره یا آب مورد ترسانند و بر بدن طلا کنند **طلایی**  
 که صیان انافع باشد **صفه** شب بمانی کل مرغ مورد و در سنگ  
 بغل آب شنان بپزند و در او بار کوفته و چخته بجلاب تر حشته  
 بر آن طلا کنند **طلایی** که منع نزلات کند **صفه** افاقیا شایف  
 تا مینا حضرت ملی کل مرغی صمغ عربی کوفته و چخت بسفیده تخم  
 مرغ بسپزند و بر پاشانی و شقیقه طلا کنند **طبیعی** که حبس  
 بر آن **صفه** اساردن کیدرم سداب نیم درم از زبانه و درم کوبیا  
 سرخ بچندم غسل ده درم بچوشانند و صاف کنند و سه روز  
 متوالی باز بچورند **طبیعی** که همین خاصیت دارد و از این بخت  
 چون ایشان برنج بسپند شده باشند **صفه** آستین در مینه  
 ترکی ترس سداب از زبانه تخم کرفس از هر یک و درم بچرخ  
 عدد و کفند و شغال بچوشانند چنانکه بر سمست و صاف نمایند

و سه روز متوالی باز بچورند و دیگران استراحت نمایند و از سه روز  
 دیگر بپوشند و همچنین عمل میکنند تا در تمام واقع شود **طبیعی** که فی را  
 ناز دارد و معدود را فوت دهد **صفه** انار دانه و درم صکله و نسیج  
 خشت زهر یک یک درم کوفته در یک رطل آب بچوشانند تا نیمه  
 صاف کنند و عود و مسک از هر یک یک درم کوفته و پنجه اضافه نمایند  
 بپوشند **طبیعی** که حبس بر آن **صفه** لوبیا سرخ حله بپسوند  
 نوع از هر یک چهار درم سداب سه درم در سه رطل آب بچوشانند  
 تا رطلی آب صاف کنند و قدری شکر اضافه کنند و هر صباح چهار درم  
 بپوشند **طبیعی** که همین منفعت دارد **صفه** لوبیا سرخ  
 سه درم فراسیون فوه از هر یک چهار درم فودنه و درم درخ  
 رطل آب بچوشانند تا نیمه ای صاف کنند و قدری شکر  
 اضافه کنند و هر صباح سه درم بپوشند **با سبب العین عطوی**  
 که فالج و سگسته و قهوه و امراضی بوده را مانع بود و شقیقه  
 و دماغ را از اظطراک و عمل قبول را مسود و در دوا خرد

ببافتند

در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز  
 در آن روز که در آن روز

**صفت** کدش شونیز فرقیون فلفل چند پدتر زراوند حب لبان  
 مشک عاقرقوا بوزه ارنی سادی کوشه و چغندر در مینی و سینه  
**عطوی** که همین خاصیت دارد **صفت** شحم حنظل فلفل اسطوخودوس  
 چند پدتر از هر یک سه درم کندش هشت درم کوشه و چغندر قدری  
 در مینی و سینه **عقد سیلاب** از جهت سرعت انزال نظیر ندارد **صفت**  
 زریق خشقال با قدری سرکه بست تا بکینیه نیک صلایه نمایند  
 تا کشته شود در سه مثقال قدری نمک هندی در آن نمایند و مغز  
 اینسین بر ابراز سرکه سازند و اینها در آن مغز ریزند و بر سرش  
 نهند و سه مثقال وی چغندر صلایه کرده اندک اندک بخورد آن  
 میداند و بدست بکینیه یا آهن بهم میزنند تا بلغم شود و بعد از آن  
 آنرا بوسله مثقالی پاک ببالانند آنچه در کرباس بماند بمانند  
 چندان آب بشویند که تمام پاک شود و هر یک از آن بزود پس آنرا  
 کلور سازند میان آنرا سوراخ کنند و در سیمان در آن بگذرانند  
 و در آب لیمو اندازند و شب بگذارند تا محکم شود و مانند حجری عجب

عطر سینه صلیح  
 کدش شونیز  
 فلفل اسطوخودوس  
 حنظل  
 سیلاب  
 کدش شونیز  
 فلفل اسطوخودوس  
 حنظل  
 سیلاب  
 کدش شونیز  
 فلفل اسطوخودوس  
 حنظل  
 سیلاب

انزال

از آن آزاد در روغن تازه بکوشانند و در محل حاجت در روغن بکجا دارند  
 و چون خواست که انزال شود از دهن بیرون آرند **باب الفین**  
**غزغزه** از جهت نقل آن که سبب آن بلغم باشد **صفت** نوشادر  
 درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقرقوا سوزج صغیر اباره فنیق ابریا  
 از هر یک هفت درم بوزه ارنی و ج از هر یک پنج درم زوقا در فلفل  
 از هر یک دو درم کوشه و چغندر لعاب سیرکند و با کچین غزغزه  
 کند **غزغزه** که فروح حلق را مانع باشد **صفت** نواج سفید کاغذ خوش  
 مانوی سیر کندش زعفران از هر یک کیشقال نمک کوشه نوشادر از هر یک  
 نیم مثقال کوشه و چغندر سیرکند غزغزه کنند **غزغزه** که همین خاصیت  
 دارد **صفت** مانوی سیر کاغذ سوخت زنگار زاج سفید کوشه  
 و چغندر سیرکند غزغزه کنند **غزغزه** که همین عمل کند **صفت** کند  
 یک درم مانوی سوخت یک عدد زنگار نیم درم کاغذ فرنی سوخت  
 یک ورق زعفران و کلمی کوشه و چغندر در سرکه و غسل نیم گرم غزغزه  
 کنند **غزغزه** که فایده لغوه و صرح را مانع بود و مانع از اختلاط

غلیظ پاک گرداند **صفه** ایاره فیقراج خردل مویزج عاقرقضا زنجبیل فودنه  
 صقر اصل السوسن پوست کبک کوفته و پخت لعسل غرغره کشته  
**غرغره** که لقال بن را و سخته و فالج را سود و ارد **صفه** مویزج خردل  
 زنجبیل عاقرقضا فلفل و فلفل بوزه ارسی ارسام زنجوش سادگی کوفته  
 و پخته بسبب کپس غرغره کشته **غرغره** که سناق و بجه صنغرائی موی  
 رانفع باشد حرارت جیات نشاند **صفه** کل سرخ طباشیر زکات  
 شحم کل زعفران انهریک دو درم شحم کرفس درم مازود سماق انهریک  
 پنجم قند چهارده درم کوفته و پخت بسبب کپس غرغره کشته **غرغره**  
 که دماغ را از فضول پاک کند **صفه** مویزج و انگی نیم عاقرقضا خردل  
 انهریک نیم درم کوفته و پخته بسبب کپس غرغره کشته **غرغره** که  
 قلاع و استرخا لثه و درج رانفع بود **صفه** سماق یک مور و کل  
 سرخ زریق جوشانیده و صاف کرده رب توت ده درم صافه  
 نموده غرغره کشته **غرغره** که سقوط امات که سبب آن طوبت  
 باشد نافعست **صفه** کلناش شدم شب میانی و دشقال نمک

اورم

اندرانی و دشقال نیم قناع الزیان شحم کل انهریک کیدرم نیم کوفته  
 و پخته رب توت غرغره کشته **غرغره** که قلاع سودایی را سود  
 دارد **صفه** سماق کل سرخ کشته کلنا رب یک مور و خرنوب جوشانیده  
 غرغره کشته **غرغره** که نافعست از جهه سرخ که سبب آن ترک باشد  
**صفه** کل سرخ کلنا خرنوب جوشانیده و صاف کشته و پیش از خواب  
 غرغره کشته **غرغره** که روی برهنه در براق گرداند **صفه** آرد جو  
 با قلا نشاسته کتر شحم ترب کوفته و پخته بشیر ترسانند و شب بر روی  
 مالند و صباح آب گرم و بس بوشنید **غرغره** که همین صفت  
 دارد **صفه** آرد جو آرد با قلا آرد خود از هر یک پنجم و عدس مغز کتر نشاسته  
 زعفران انهریک نیم درم و مغز شحم خرنوب سفید شحم سرشته  
 مالند و صباح آبی که در آن پوست خرنوبه و مغز جوشانیده باشد  
 بشنود **غرغره** که همین نفعست دارد **صفه** با قلا و مغز کتر ترس  
 شحم ترب مغز شحم خرنوبه بخود نشاسته کوفته و پخته روی ابران بوشنید  
**باب الفنا فنجبوس** معده را قوت دهد و بواسیر را نافع بود

و باه را زیاد و کت و رنگ زهرا گوگرد و دفع سرعت انزال کند  
**صفه** بلیله سیاه پوست بلیله زرد آمله مقشر شطرج هندی سبیل  
الطیب فلفل و ار فلفل زنجبیل سعد از هر یک دو درم تخم شست تخم کنده  
از هر یک چهار درم جیش الحیدر صد درم عمل سه دزن او در شست  
الحیدر را چهار شست بمانه روز در سر که خیسانند و بعد از آن خشک کنند  
و صلیب بکنند چند آنکه بر روی آب بپزند تا آب فرو رود  
و باقی او در راکوشه و نخته اضاف نمایند و فلفل معجون سازند و بعد از  
ششماه استعمال نمایند شربت دو درم و بعضی دو درم سکه اضاف میکنند  
**فیروز نوش** نسیان قویح و مفضل و کج و امراض نان حامله را که بسبب  
ان بردوت باشد و و دارد و با دای غلیظ دفع کند **صفه** فزیون  
عاقه شنبلیله زعفران از هر یک هفت درم فزیون بزرگ پنج درم  
یک است درم کوفته و نخته بپسند و بعد از ششماه استعمال  
نمایند **فیروز نوش** و کج معده را قوت دهد و باه را زیاد و کت و  
سرعت انزال او دفع کند **صفه** پوست بلیله زرد پوست بلیله

کلیه

کابلی شطرج هندی تخم کرفس خربزه با قسط تلخ سیخه قر فلفل سیاه  
و خولجان ملک از هر یک درمی پوست بلیله آمله مقشر ناخواه در فلفل  
از هر یک چهار درم تو درین قند سبیل جوز بوز از زنجبیل فلفل و بلیله از هر یک  
هشت درم سعد و دو درم مشک و دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحیدر  
بر وزن او در روغن کادو چهل مثقال عمل صغری و در وزن نیم او در روغن  
بطریق معهود معجون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند  
شربت دو درم بر بنید زریب یا شکر کوفته یا شکر فنداق **فیون**  
در معده امعا سودا و در معده را گرم کند و باه بپسند **صفه**  
زعفران انجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا منغر خلیفه از  
هر یک شش درم فلفل هشت درم عمل و در وزن او در شربت  
یک مثقال او و مثقال **فنداق فیون** بسخته و کورساق هر دو قریب یک درم  
**صفه** زنجبیل فلفل سبیل از هر یک شش درم مصطکی ناخواه از هر  
یک چهار درم تخم کرفس و نه از هر یک دو درم کوفته و نخته بپسند معجون  
سازند **فلوئیای رومی** این معجون مبارکست نزلها باز دارد و دروا

سکن رواند فی الدم واسهال موی قویج و بیضه و سیدان طبع  
 نافع باشد **صفه** فلفل سفید در فلفل زرد بنج از هر یک یک مثقال  
 ساوج هندی سیخ حب لبان عاقر قرحا فنیون از هر یک یک مثقال  
 تخم کرفس کوی سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم کرفس  
 بنطی سه مثقال در بعضی نسخه بالعوض تخم کرفس بنطی دو قوت  
 مجموع کوشه و چینه لعین معجون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند  
 شربت دکنی تا نیم مثقال از جهت قویج و طبع شربت از جهت  
 درد کرده در پنج حبه و از جهت درد معده در پنج حبه و از  
 جهت سبزه با کچین و از جهت کرده و مسانه در پنج حبه از زیاده و از  
 جهت باز داشتن خون در پنج حبه سماق **فلوئیای فارسی** استغراق  
 خون از هر موضع که باشد باز دارد و رحم را قوت دهد و بادای رحم  
 دفع کند و محافظت جنین نماید و اسهال قوی باز دارد و در ورم اندام  
 و دماغ را قوت دهد و حافظ زیاده کند **صفه** فلفل سفید زرد بنج  
 از هر یک یک مثقال فنیون و کلخ شترم از هر یک ده درم زعفران

پنجم درم فنیون سنبل عاقر قرحا از هر یک دو درم چند پسته یک درم  
 زرنبا و درونج هر دو درم زرنبا سفید مشک از هر یک یک درم کافور دانی نیم  
 کوشه و چینه لعین شربت بعد از ششماه استعمال کنند  
 شربتی یک درم **فودنجی** در دو معده و حب که سبب آن برودت  
 باشد و حیات بلغمی تب ربع و تسمای کهنه اسود دارد **صفه** فودنج  
 نندی نظر سالیون سیبالیوس از هر یک دو درم تخم کرفس یک درم  
 حاشا از هر یک چهار درم کاشمش با زده درم فلفل سیاه چهل درم  
 درم کوشه و چینه با سه وزن او و عسل صغیر شربت شربت یک درم  
 باب کرم **فلافلی** در دو معده و شمول کلی را نافع باشد و بادا شکند  
 و طعام همضم کند **صفه** فلفل و فلفل از هر یک سی درم حاشا سنبل  
 از هر یک دو درم زنجبیل تخم کرفس سیبالیوس سیخه سارون راسن  
 از هر یک یک درم کوشه و چینه با سه مقابل او و عسل شربت شربت یک درم  
 باب کرم نموشند **فلافلیون** اکله و عفتوت لسه را نافع باشد  
 و گوشت مرده را برود **صفه** افاقیا دو درم درم آنک منزله شست

در وقت که در او کله و عفتوت لسه را نافع باشد  
 در وقت که در او کله و عفتوت لسه را نافع باشد  
 در وقت که در او کله و عفتوت لسه را نافع باشد  
 در وقت که در او کله و عفتوت لسه را نافع باشد







جوزهر لوتی صوفی  
 در این کتاب  
 صفت  
 کلنگ  
 در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب

برد از زرد فرزجه که اورام را نافع بود **صفحه** کند از زردت دم الاغ چون آب  
 کل اضی اقا قیا گرفته و چخت بآب لسان الحمل برشته به ششم باره  
 استعمال کنند **فرزجه** که رحم را قوت دهد و فرج را تنگ کند و خوش کرد  
**صفحه** بسایه سنبل از خوش تشا کند و صغره از نرگله خیری کل پنج پوت  
 پنج کبر ترس مسادی گوشه و چخت بان برشته ند به ششم باره برد از  
**فرزجه** که همین خاصیت دارد **صفحه** قنار از خرمد و قنار از هر یک  
 یک درم عنبر خیرم مشک کانی آینه خندان گوشه و چخت بکباب برشته  
 به ششم باره برد از **فرزجه** که حکم در هم رهنشند و از انبه لسان  
 کوبند نافع بود **صفحه** سداب نفع پوست انار عدس مقشر در کتاب  
 قدری سرکه به ششم بزنند به ششم باره بخورد بر کرد **فرزجه** که همین  
 منفعت دارد **صفحه** زعفران کافور از هر یک کانی برد از سناک حبیب  
 بنم درم گوشه و چخت بسفیده تخم مرغ در روغن گل برشته ند و فرزجه  
 سازند **فرزجه** که حیض بریند و **صفحه** کلنگ را کند در مازو سر مه اقا قیا  
 بمالی گوشه و چخته بآب لسان الحمل برشته ند و فرزجه سازند و برد

در این کتاب

در پشت غایه طلا کنند **فرزجه** که همین خاصیت دارد **صفحه** کماخذ  
 سوخته اقا قیا کلنگ را صاده لخته التیس کل مرغ مازو و صندل کمان سوخته  
 مسادی گوشه و چخت بسایه کبر برشته ند استعمال نمایند **فرزجه** که  
 حیض براند **صفحه** فرودنه از هر یک چهار درم اهل شست درم سداب  
 ده درم مویز منقح پست درم گوشه بزهره کاد سرشته **فرزجه** برد از  
**فرزجه** که درم صلب رحم را نافع باشد **صفحه** کند باره و از هر یک دو درم  
 زعفران جواهر لیشق از هر یک یک درم مصطکی چند سده تر معیه یا لید  
 سوسن سه بطر روغن با بونه از هر یک درم صغره را در روغن حل  
 و سه در روغن کند از روغن باقی اودیه را گوشه و چخته بان برشته ند  
 نمایند **باب الطافی قرص غصص** یا ز غصصل که حکم است مانند و خیر  
 گیرند و در خوردنند تا چخته شود و بعد از آن مفر از آن نرم شده باشد  
 بکیرند و در بادون بجنبند و بوزن آن که سینه اضافه نمایند و با قدری  
 شراب برشته ند و دست را بر روغن کل حکم کنند و در فصل سازند  
 و بعد از دو ماه استعمال کنند **قرص انفی** بدانکه انواع انفی بسیار

و آنکه در تریاق فاروق مستعمل است تقریباً زیر که سیاه سخت نبراک  
 باشد در هر آن به بود و غیره ضعیف بود و شتر معتدل بود و جوان نبرد  
 باید نشان جوانی است که حرکتهای او قوی باشد و سریع حرکت بود  
 و نشان شترستی قوت است که سر بر اثر شتر در اردو چاهای  
 ادرخ بود و دلیر باشد و ماده باید زیر که ماده ضعیف تر باشد و نشان  
 مادی است که در دمان او چهار دندان باشد که از آن پیش دندان گویند  
 از هر جانبی دو و زراکی باشد و مخیخ مثل او و فرج او در بنال زو یک بود  
 و بنال او در آنجا شده این اما که آن کلمه در گویند و نیز باید که شکم او  
 صلب بود و زرا که علامت سلامت آن باشد که در تن او در پوست  
 خضیکه است در سرین باید از برای آنکه سرین علامت قوت است  
 و در میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب در نور باشد و اگر بهار طبع  
 زمستان است باشد در آخر بهار باید در او آن استمان است  
 تا قوی باشد و ماوی او در میان درختان نباید خاص درخت بلوط  
 و آب نزدیک نباید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرای پاکیزه باید

بیت

و بنشین آن باشد که در محلی که او را بگیرد که نشاندنا منظر آب بسیار بخند  
 و خشم آلود کرد و در وقت نه چهار شود و گوش تن او چنان باشد که مقدار  
 چهار انگشت از سر و بنال بر یک ضرب بند از نده نبشته نیز چنانکه قطعاً  
 هیچ پوست بروی نماند و یک ضربت چال شود زیرا که زهر در زبان  
 و جانب سر او باشد و فصلهای بر در بنال او چون شسته باشند  
 نظر کنند که از خون بسیار در دمان او که حرکت کند نیک باشد اگر در  
 از حرکت فروست ضعیف باشد و بدین کار نیاید و آنکه شاید  
 این کار باشد شکل او شکافند و پوست او بازگشتند و آنرا با صفا  
 چند نوبت بشویند پس در آب صاف اندکی نمک بچند شاخه خوب  
 شست بچوشانند تا ماهر شود و گوشت از استخوان جدا کنند  
 و بگذارند تا سه شوی و در آب زو بنال اند و آن گوشت را با چهار  
 یک وزن آن نان خمیر پاکیزه بریان کرده بچوبند با آن پاکیزه آن  
 پالوده باشند سر شستند و دست چینی را بر روغن لبان جرب  
 کرده فراض سازند هر کی شمالی و در سایه خشک کنند چنانکه

مطلقا اثر نمی باشد و در ظرف آب گیسو نگاه دارند تا باید که در محل خفتن افعی  
 و کوفتن افعی در قفس خفتن مبنی کپرت تا بوی آن بدماغ نرسد  
**قرص اند و خوردن** مستعمل در تریاق فاروق در این نسخه است چنانچه  
 ابن اسحق است **صفت** در شمشان قصبه از زیره اسارون عود و بیا  
 فوه سلیمه مصطکی از هر یک شش شقال فغاع از خرفه زعفران از  
 هر یک دو دره شقال از چینی همانا از هر یک است چهار شقال  
 اقحوان است شقال کوفته بختی به شراب ریجانی بهر ششند و  
 را بر وزن بسان هر یک کنند و اقراص سازند و در سایه خشک کنند  
**قرص قویون** مستعمل در شیطوس **صفت** مویز منقح چهار درم خنزیر  
 مر از هر یک دو دره و درم در چینی مقل اطفال ناخرن دیوسنبال الطیب  
 رومی سلیمه اکیلی الملک عد از هر یک سه درم قصبه از زیره نه درم  
 زعفران یک درم فقر الهیو دو درم کوفته بختی به شراب بهر ششند  
 و اقراص سازند **قرص اند و موم** که در مخلصه کبر مستعمل است **صفت**  
 همانا در شمشان قصبه از زیره در فضل فضل امض ناخواه از

هر یک

هر یک شش شقال فیه شقال سنبال الطیب و ج هندی از هر یک هفت  
 شقال مر صاف از چینی مصطکی زعفران از هر یک شش شقال  
 کوفته و بختی به شراب صاف بهر ششند و اقراص سازند **قرص کب** در  
 سایه خشک کنند **قرص کوب** معدن ضعیف القوت و بدو کندار و  
 که فضول آن منفع شود و چون بر پاشانی طراکتند صدراع را نافع بود  
 و منع زلات کند و چون با بار زره و سایر نند و بر دندان گرم خوردند  
 در رسا کن کند و چون بآب مرزنجوش در گوش چکانند در زشت  
 و نفث الدم و سیدان خون از هر دو وضع که باشد باز دارد و سرفه  
 که نه را سود دارد و تبهای دیرینه نافع باشد و چون باب سدا  
 بسیارند و بجمع زهر باد که زدن جانور از نافع باشد **صفت** مر چند  
 سدر سنبال سلیمه کل محمود پوست نیخ لعاج از هر یک چهار درم  
 انیسون زعفران قسط کوب المارض و آنرا نیز طلق گویند از هر یک چهار درم  
 انیسون دو قوسبالیوس نزار النجیب سیدیه میا لیمه کرفس از هر یک  
 هشت درم صفهار او شراب ریجانی حل کنند و در با کوفته و بختی

آن بهر شند و اقراص سازند و قرص یک درم در سایه خشک کنند **قرص**  
**طباشیر طین** سرخه و شکر سیبند و تهمای در قدر نافع بود و طبع گرم  
 کند و تشنگی نباشد **صفحه** طباشیر سفید چهار درم ترنجبین سه درم  
 مغز تخم خیارین مغز تخم کدو فستق صمغ عربی خنکاش کتیر از درم  
 یک یک درم بلعاب بزقطونا سرشته اقراص سازند **قرص طباشیر کبر**  
 تهمای صغری ای نافع باشد و شکم بر بندد و خون باز دارد و تشنگی  
 نباشد **صفحه** کل سرخ بازده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض  
 کل زنی از هر یک ده درم طباشیر سفید سماق زرشک منقش از هر یک  
 هفت درم کوفته و پخته بکباب بهر شند و اقراص سازند  
**قرص طباشیر لولی** در دارینا سفید طباشیر از هر یک سه شقال بید  
 کبریا تخم حماض طراشیت صمغ عربی از هر یک دو درم خنکاش برین  
 کرده بچند درم کوفته بکباب اقراص سازند **قرص طباشیر کفوری**  
 به نسخه موقوت بق ادرسه درم نافع بود و تشنگی نباشد **صفحه**  
 طباشیر کل سرخ صندل سفید مغز تخم خیارین دو کاسه کاه خورده

از هر

از هر یک یک شقال خورده کئی کوفته و پخته بلعاب بزقطونا سرشته از هر  
 سازند **قرص کبر با خون** فتن از شکر باز دارد **صفحه** کبریا بید درم  
 ناسفه تخم خورده از هر یک بچندم شاخ بزکوی سوجنت پوست بخته تخم  
 صمغ عربی از هر یک سه درم شکر خنک برین کرده خنکاش سفید  
 از هر یک شش درم دودع سوخته بزرا بنج از هر یک دو درم کوفته و پخته  
 بلعاب بزقطونا اقراص سازند **قرص کتیر** خون باز دارد **صفحه**  
 سیخ کل زنی صمغ عربی از هر یک چهار درم کل سرخ کلنا ارقابا از  
 هر یک درم کوفته و پخته بلعاب باب کلنا اقراص سازند **قرص**  
**زرشک کبر** درم معده و جب و تهمای مغزی دستقار نافع بود  
**صفحه** عصاره زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خورزه از هر یک نیم  
 کل سرخ ترنجبین از هر یک شش درم تخم کتیر رب السوسل  
 طباشیر تخم کاسنی سنبل الطیب عصاره عافیه لک مغول بویند  
 چینی از هر یک دو درم زعفران نیم درم کوفته و پخته آب ترنجبین  
 اقراص سازند **قرص زرشک** زرشک شکر بازده درم تخم خورده

شحم کاسنی شحم خیارین از هر یک سه درم کل سرخ بخورد درم ریوند چینی سبیل  
 از هر یک یک درم بلعاب نذر قطن ناما قرص سازند **قرص زرشک حار**  
 زرشک بخورد درم رب السوس یک درم دینیم مغز شحم خیارین شحم خرفه  
 شحم کاسنی از هر یک دو درم دینیم بکلاب از ص سازند شربت دو  
 مثقال بکچین ذاب کاسنی ذاب غلب الثعلب قرص سازند  
**قرص ریوند** درم وصلابت جگر در سه روز تهای گفته را نافع باشد  
**صفه** ریوند چینی شش درم فوله لک مفسول شقی از هر یک سه درم شحم  
 کرفس انیسون عصاره غانث از هر یک یک درم گوشه چخت با قالی  
 از ص سازند **قرص خنخاش** ریش سینه و شش نافع باشد  
**صفه** کل سرخ صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته کثیر الیسک  
 از هر یک دو درم زعفران نیم درم خنخاش سفید و سیاه از هر یک  
 سه درم طباشیر بخورد درم باب از ص سازند شربت یک مثقال با دو مثقال  
 شربت خنخاش **قرص کل** در دو معده و تهای لمعی اسود دارد **صفه**  
 درن کل سرخ شش درم رب السوس چهار درم سبیل الطیب

یک

یک درم طباشیر دو درم عصاره غانث چهار درم گوشه چخت نیمه صمغ  
 شربت قرص سازند **قرص درد** بنسخه دیگر اقوای از اول **صفه** کل سرخ  
 ده درم اصل السوس عصاره غانث شستین از هر یک چهار درم  
 مصطک سبیل اسارون عود صام از خرا از هر یک یک درم گوشه و چخته بکلاب  
 از ص سازند **قرص درد** بنسخه دیگر شطر العنب تهای مرکب نافع باشد  
 و معده روقت در **صفه** کل سرخ اصل السوس از هر یک چهار درم  
 طباشیر سبیل شستین از هر یک دو درم شخمس سه درم بکلاب قرص سازند  
**قرص غانث** یرقان دور و حبه که سپر زوتب سبیل و تهای کهن  
 نافع باشد و سده بکاید **صفه** عصاره غانث پست درم سبیل دو درم  
 طباشیر سفید چهار درم گوشه و چخت با صاف بکباشند از ص سازند  
**قرص کاکج** تروح کلیه مشانه و بول الدم نافع باشد **صفه** مغز شحم  
 خیارین کاکج مغز بادام مشرب السوس نشاسته صمغ عربی دو درم  
 الاون کثیر اکندر از هر یک دو درم شخم کرفس دو درم فیون یک درم  
 با صاف از ص سازند شربت یک درم با یک مثقال **قرص قیل** درم

معده را نافع باشد **صفحه** کل رخ و درم سنبل الطیب و درم زعفران  
 مر از هر یک یک درم قسط مغز بادام تلخ از هر یک یک درم نیم مصطکی و درم  
 نیم مغز بادام تلخ درم قسط مغز بادام تلخ و درم ایوی و درم کوشه و نیم  
 لبرشند و اقراص سازند **قرص کافوری** بر قان و تب کرم سود  
 دارد **صفحه** زرشک سفید طباشر کل سرخ از هر یک هفت درم شکر کوه  
 شکر خفته نیم کاسنی کثیر از هر یک سه درم مغز تخم خرفه مغز تخم کدو  
 از هر یک یک درم صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کافور یک درم  
 بعباب بنر قطن و اقراص سازند شربتی دو درم بهنجبین زردی  
**قرص کافوری** به نسته و کربنق و تب محرق را نافع باشد و  
 تشنگی نباشد **صفحه** طباشر شکر خفته نیم کاسنی کثیر از هر یک یک درم  
 کاسنی رب السوس صندل سفید از هر یک سه درم مغز تخم خرفه  
 مغز تخم کدو از هر یک هفت درم زنجبین و درم کافور نیم  
 شقال بعباب بنر قطن و اقراص سازند **قرص شیرم** استقای  
 شقی را نافع باشد **صفحه** شیرم طباشر و ساوی کوشه و نیم قرص سازند

نیز

شربت و کبکی با کبجین تدریجی افزاینده **قرص کک** استقای طبا  
 سو و درم کبشاید **صفحه** کک مغز بادام تلخ از هر یک یک درم  
 اسارون زراوند درم حرج خبیطیا ناسنبل مصطکی نیم کاسنی انیسون  
 ناخواه از خراش قسط مغز بادام تلخ فوفه نسته تب عصاره غافش از هر یک  
 دو درم فلفل زنجبیل از هر یک یک درم شربتی کبشقال **قرص نسته تب** درم معده  
 که از این طعام پیدا شود سو و درم **صفحه** نسته تب رومی نیم کاسنی  
 انیسون از هر یک یک درم سلیمه نسته تب درم فلفل چند پسته انیسون از هر  
 یک دو درم کوشه و نیم تب بآب صاف از هر یک سازند **قرص نسته تب** نیم  
 و کرجیات بلغی و عسل البول و ربوت معده و کرا نافع باشد و سه و طحال  
 و کبشاید **صفحه** نسته تب شکر کسرا اسارون مغز بادام تلخ کوشه  
 آب خالص بهر شند و اقراص سازند شربت کبشقال **قرص کبر** اجتمع  
 طحال را نافع است سه و کبشاید **صفحه** پوست خج کبر اشق از هر یک چهار  
 درم زراوند مغز بادام تلخ فلفل از هر یک شش درم اشق از هر یک  
 کهنه کل شند و باقی او و کوشه و نیم تب بران بهر شند و اقراص سازند



**قرص اینسون** تب بلغمی و کبر صغیف مانع بود **صفت** اینسون اینستین  
 مغز بادام تلخ سنبل مصر از هر یک چهار درم حصاره غافق ساج  
 هندسی اسارون از هر یک سه درم مصطکی تخم کرفس از هر یک یک درم  
 کوفته و پنجه بکلا بسپارند و اقراص سازند **قرص ایرسا** شربت  
 یک درم باطنج سنبلین سپر زصلک از هر یک سه درم **صفت** ایرسا چهار  
 درم فلفل سفید اشک از هر یک دو درم اشک برادر سر که حل کنند و باقی  
 ادویه را کوفته و پنجه بان بسپارند و اقراص سازند شربت دو درم  
 با کبچین **قرص فنجکشت** سده و سپر زرد کبک کبک کبک کبک کبک  
 تخم کاسنی تخم خرنوب تخم مغز کدو سادی کوفته بسپارند  
 و اقراص سازند شربت دو درم با کبچین **قرص فوه** طحال اناج باشد  
**صفت** فوه دو از درم پوست کبر ایرسا زرد و نود طویل از هر یک  
 دو درم کوفته و پنجه بسپارند و اقراص سازند و در پنجه  
 اینسون استعمال نمایند **قرص خودتی** و همیضه باز در **صفت** خود  
 چهار درم کوفته و پنجه اقراص سازند شربت دو درم **قرص خود**

بختی

نوعی دیگر معده را قوت دهد و طعام هم ختم کند و شستما آورد **صفت**  
 قرفل مصطکی از هر یک سه درم قاقله سنبل بسا سه از هر یک دو درم  
 عود خام قرفل پوست ترنج از هر یک پنجه درم زعفران جوز بوز انجیل  
 دار فلفل از هر یک یک درم قند سفید نوزن ادویه کوفته و پنجه اقراص سازند  
**قرص کندرتی** و همیضه باز در **صفت** کندر سه درم قرفل خندرم کباب  
 چینی قاقله سک از هر یک دو درم مشک کافور از هر یک یکی قرفل یک درم  
 کوفته و پنجه قرفل سازند شربت کیمشقال ده درم شراب مانع **قرص**  
**اسن** قتی و همیضه باز در و خواب آرد **صفت** قرفل ده درم سک  
 قرفل اسن از هر یک یک درم کوفته و پنجه اقراص سازند **قرص**  
**حب لاس** اسهال قتی باز در **صفت** سماق حب لاس کزبانج کل اسنی  
 نشاسته بریان کرده موط از هر یک ده درم منقل کدرم پوست انار  
 باز در از هر یک پنجه درم کوفته و پنجه اقراص سازند شربت دو درم آب  
 سبب **قرصی** که قتی بلغمی سودا سی باز در و معده را قوت دهد  
**صفت** پوست هر دو ن پسته کل سرخ از هر یک چهار درم عود خام

مصطکی از هر یک سه درم سکه چدرم گوشه و پنجه با سبب قرض نند  
 شربت بمشقال **قرص سب** تنی الدم را نافع باشد **صفت** بسندبول  
 ده درم کندر قاقیا کلنا صمغ عربی از هر یک چهار درم کتیرا اکل محرق  
 از هر یک سه درم دارچینی یک درم گوشه و پنجه اقراص سازند  
 شربت بمشقال شرباب نجار **قرص سه** قریب المنفست است  
 بقرض **صفت** سرمه اصفهانی شاد رخ عدسی مخلوط مالاخون  
 از هر یک سه درم کلنا روماز از هر یک دو درم شاخ بزکوهی محرق قاقیا  
 از هر یک دو درم لادان زعفران از هر یک یک درم برسیا دشان  
 یک درم زنجیر گوشه و پنجه بابلسان الحبل قرض سازند شربت در دم  
**قرص الطین** قرصه مشانه و بول الدم را نافع باشد **صفت** کل محرق  
 طباشیر کتیرا صمغ عربی صمغ فارسی خم خرفه مغز تخم خربزه مغز تخم  
 خیارین مسادی گوشه بلعاب زنبق قطونا سرشته اقراص سازند  
**قرص سبیل** درم صابون بگردمعه را نافع باشد **صفت** سبیل  
 فقع اذخر سیخه ریوند چینی قصب الزریه از هر یک سه درم زعفران

ایون

ایون مرقطخ فلغل از هر یک یک درم مقمل مصطکی از هر یک دو درم  
 اشق نیم درم اشق و مقمل او در شاکل حمل کنند دو اردمای دیگر گوشه  
 و پنجه بان هر شند قرض سازند شربت دو درم در درم معده با  
 مثلث از جهت روم حکم یک با یک پنجه برهند **قرص کرمانج** ترکب  
 جالینوس است سبز صلب اکندازو **صفت** کرمانج چهار اشقال فلفل  
 سفید سارون اشق از هر یک و مشقال اشق او در سرکه غصیل حکم کرد  
 دو اردمای دیگر گوشه و پنجه بان هر شند و اقراص سازند شربت  
 یک اشقال یک پنجه **قرص کبر** با به نشخه دیگر بول الدم را نافع باشد **صفت**  
 کبر با صمغ عربی ناشسته کتیرا مغز تخم کدو از هر یک سه درم کلنا  
 افاقیا از هر یک یک درم نیم گوشه و پنجه بلعاب زنبق قطونا سرشته  
 اقراص سازند شربت دو درم سبزه خرفه **قرص شب بانی** همان خاست  
 دارو **صفت** شب بانی شاخ کوزل محرق کتیرا اکل ارمنی کلنا رخ  
 خرفه مسادی گوشه و پنجه با به خرفه اقراص سازند **قرص شب**  
**بانی نوع دیگر** شب بانی دم الاخون کلنا از هر یک سه درم صمغ

عربی و درم کوشه و بختت باب خرفه اقراص سازند با شراب الجلاب  
 برهنه **قرص بزوری** هر شب شانه را نافع باشد مغز تخم خرفه زنده  
 درم مغز تخم خیار مجدم مغز تخم کدو و تخم خطمی مغز بادام شیرین  
 کثیرا نشاسته رب السوس خشکاش سفید کل از منی تخم کرفس از  
 هر یک دو درم نذر البیج کیدرم کوشه و بختت اقراص سازند و بشیر  
 بنفشه برهنه **قرص نیش** تب با نذر نافع باشد **صفه** بنفشه مغز  
 بادام شیرین مغز تخم کدو مغز تخم خیار کشت نیک کل سرخ از هر یک  
 چند درم رب السوس کل از منی نشاسته از هر یک سه درم مصطکی  
 یکمقال سبک کیدرم کوشه و بختت اقراص سازند شربت یکمقال  
**قرص نیش** بنفشه و کرفس با تب سرخه قبض طبعیت باشد نافع بود  
**صفه** بنفشه ده درم زرد عیند چند درم رب السوس سه درم کل سرخ  
 چند درم نیم تقویا سه درم مصطکی کیدرم و نیم شربت یکمقال اجلاب  
 دهند **قرص غاریقون** سرخ غلیظ را بکندار **صفه** غاریقون کل سرخ  
 از هر یک چند درم طباشیر یکمقال نیم کوشه و بختت قرص سازند شربت

۳۰۴

سه درم با کلقه **قرص صمغ** که دشواری وضع حمل را آسان گردانند  
 و بچه مرده و زنده را در ساعت بیرون آورد **صفه** زرجاوشیراز  
 هر یک کیدرم حلیت چند درم مجموع یک شربت است باب سدا  
 یلبس حلیت دهند و بختن اینها هم عمل کند **قرصی** که قوی الدم  
 را نافع بود **صفه** اقا قیاس کل انبوس نذر البیج کل از منی کلنا صمغ عربی  
 مسادی کوشه و بختت باب خرفه قرص سازند شربت نیم مقال باب به  
 یار شرب **قرص کبریا** بنفشه و کرفس اسهال دموی و افراط خون کویا  
 و جنین را نافع بود **صفه** خشکاش کبریا مصطکی از هر یک ده درم غنم  
 دو درم کوشه و بختت اجلاب نذر قطونا اقراص سازند **قرص جالس** معده را قوت  
 دهد و قوی اسهال را زرد آورد **صفه** کل سرخ طباشیر ناروانه کشت بنفشه  
 بریان کرده از هر یک نیم مقال سماق یکمقال زیزه کوفی مد کرفس  
 کوشه و بختت اجلاب اقراص سازند شربت یکمقال **قرص کک** بنفشه  
 و کرفس **صفه** لک مغول فوه تخم کرفس غنم الثعلب از هر یک کیدرم از آن  
 انبوس دو تو از هر یک یکمقال تخم کاسنی تخم شوش از هر یک دو درم

کوشه و بخت اراض سازند **قرص بارک** تب تق محرقه و تبهای خارده و  
 یرقان را نافع باشد تشنگی نباشد **صفه** کل سرخ ترنجبین از هر یک  
 پنجم طباشیر مغز تخم خیارین از هر یک دو درم و نیم کاهوسه و درم و نیم  
 مغز تخم کدو دو درم رب السوس کیشقال کافور و انیسون نیم کوشه قرص  
 سازند **قرص انجبار** اسهال موی ادا و فراط طشت فی الدم را نافع باشد  
**صفه** خج انجبار چهار درم کل سرخ صمغ عربی که با شکر خورده از هر یک  
 سه درم کلنازک سه درم کل منی سب طباشیر رب السوس از هر یک  
 دو درم اقا قیام کیدم نیم کوشه و بخت آب مورد قرص سازند  
**قرص** که استقرا نافع است **صفه** کل سرخ سه درم و سبیل  
 مصطکی سیخه زقاع او خردا و جنین نستین از هر یک یک درم کوشه و  
 پنجه اراض سازند **قرص** که این خاصیت دارد **صفه** مغز بادام  
 تلخ نستین اسارون انیسون فانیقون مساوی کوشه و پنجه  
 قرص سازند **قرص ایلاموس** تخم کزنس انیسون و اجنبی از هر یک شش  
 درم نستین مصطکی از هر یک چهار درم فلفل مانیقون چند بسته

از هر یک

از هر یک دو درم آب خالص اراض سازند شربت کیشقال **قرص** که نوب  
 استلانی را نفع است **صفه** قسط تلخ صبر قوطری او خرم نام فودنه کوی  
 نفع عیشک سدرا شکر کزنس کندر اسارون از هر یک یک درم انیسون  
 و انیسون نیم کل سرخ کیدم کوشه و پنجه شربت قرص سازند فلفل  
 شکم و ترخ و نفث الدم را نافع باشد **قرص حیر** کل محض توکل از منی  
 طباشیر طراشیت بلوط اردو کنا رب السوس از هر یک دو درم تخم حاض  
 بری صمغ عربی کلنا از هر یک چهار درم شاسته کل سرخ از هر یک  
 سه درم تخم کزنس سحاق مصطکی از هر یک درم زود زیره کمانی درم که  
 خیا نند در بیان کرده از هر یک مثقالی کوشه و پنجه بلعاب مذق طونا  
 قرص سازند **قرص سلطان** سل و ذوق و نفث الدم را نافع باشد **صفه**  
 کل محتوم کل از منی انیسون کل سرخ از هر یک شش درم سلطان پنجه  
 ده درم تیر اشاد و پنج مغسول از هر یک پنجم رب السوس سه درم  
 تخم کزنس سحاق از هر یک یک درم زود زیره کمانی درم که خیا نند  
 کوشه و پنجه آب اسان المجل اراض سازند **قرص سل** تخم خیارین ده

درم خم خرفه اصل السوس از هر یک چهار درم طباشیر سلطان محرق از هر یک  
دو درم نشاسته که تیر از هر یک یک درم کوشه و پنجه بلعاب بذر قطونا  
سرشته قرص سازند شربت کیمشقال **قرصی** که اسهال معان نفثه لیم  
را نافع باشد **صفت** شحم حاض بریان کرده زرشک منق نشاسته طباشیر  
حب لاس ماه بلوط از هر یک چند درم زعفران یک درم کل محق تو معصوم عربی  
از هر یک ده درم کرباب از هر یک سه درم کوشه و پنجه بآب خالص  
حب سازند شربت دو درم **قرصی** که افنج قدیم را نافع باشد **صفت** رب  
السوس صمغ عربی نشاسته مغز تخم که در از هر یک دو مثقال انزرد  
مرجی ریون جنی از هر یک یک مثقال مغز بادام سه مثقال بلعاب بذر قطونا  
ولعاب سرشته قرص سازند شربت دو مثقال **قرص شک** نسخه  
محمد فکری است معده و داج جگر را نفعست **صفت** مصطکی قرنفل عود  
در چینی سنبل مشک جوز بواکه به اول پوست ترنج قاقله از هر یک  
یک مثقال شک کئی کوشه و پنجه شربت بکافی سرشته قرص  
سازند شربت کیمشقال **قرص دینتیس** نسخه ثابت قرطوب لاس

خم

شحم حاض مقشر از هر یک دو درم صمغ عربی نشاسته از هر یک یک درم کوشه  
و پنجه بلعاب بذر قطونا از اصل سازند شربت دو درم **قرص**  
**دینتیس** به نسخه دیگر **صفت** طباشیر رب السوس از هر یک دو درم  
شحم کاهو پست درم خم خرفه پانزده درم کل سرخ کوشه زرشک  
از هر یک چند درم قاقیا صندل سفید کل از بی کلنا رود درم کافور نیم درم  
کوشه و پنجه کجلاب قرص سازند شربت سه درم آب نارترش  
**قرص نفثه الم** کندر دو درم الاخوین کلنا از هر یک دو درم شب بمانی دو  
درم نیم انیون در چینی از هر یک دو درم مجموع راده قرص سازند  
شربت کجحد و آب خرفه **قرص موارید** دل و دماغ را قوت دهد زیتان  
و خفقان حار را نافع باشد **صفت** کل سرخ و دو درم طباشیر موارید  
ناسفته سه صندل سفید از هر یک یک درم مغز تخم خیار بن مغز تخم که در  
از هر یک چند درم شحم خرفه سه درم زعفران نیم درم کوشه بلعاب بذر قطونا  
قرص سازند شربت کیمشقال اسکنجبین **قرصی** که تب صداع و  
سرسام را نافع است و تشنگی بنشاند خواب آورد و در میان

دفع کند **صفه** مغز تخم خیارین مغز تخم کدو خشک بواز هر یک دو درم  
 رب السوسن نشاسته کتیرا انیسون از هر یک سه درم کوفته با کاه  
 یا لعاب بندر قنونا قرص سازند شربت یک عدد و یاد و عدد **قرص فوات**  
**الصدور** رب السوسن ده درم نغشه دو درم نشاسته کتیرا تخم کدو  
 راز یا نه از هر یک سه درم کوفته و نغشه بلعاب بزرگ بندر قنونا مدهند  
 شربت قرص سازند شربت سه درم شربان نشاسته **قرص فواق**  
 معض فواق استملای بی اناج است **صفه** کندر پنجه درم سه  
 فودنه سداب تمام از هر یک سه درم صغیر ناخواه سعد از هر یک  
 درمی نیم کباب قرص سازند شربت یک شقال بطبخ زیره **قرص قریون**  
 استسقای زقی حار را نافع باشد **صفه** تخم کاسنی ده درم مازنیون  
 غاریقون عصا ره عافیت از هر یک دو درم نیم کوفته و نغشته  
 مجموع را ده قرص سازند و هر روز یک قرص به همد **قرص استسقا**  
 حار و فساد بکند و پسر را که با اسهال بود نافع باشد **صفه** طباشیر کل رخ  
 کلنا زرشک سماق کرنازج تخم حماض تخم کاسنی فرنجشک

سقا  
 کل صفه افقاید  
 مصلح زنده  
 ۴ فصل  
 بنظر کوبیده در  
 یک خود مخلوط  
 هر یک یک کباب  
 بنویسد  
 عای بنویسد  
 در یک کباب  
 اسهال بر آورده

ح

تخم خرفه از هر یک یک درم سه درم دفاع او خزانسیون بنیل بویندک پوست بچ  
 کبر انیسون از هر یک پنجه درم کافور دانه کوفته و نغشته قرص سازند شربت  
 سه درم **قرص فستق** قویج رس تاصل ناید **صفه** ترند بنیست میون  
 از هر یک ده درم یکسینج خندرم کوفته و نغشته قرص سازند و هر روز یک قرص  
 بمار الاصول به بند **قرصی** که نافعست ز حیرا که با آن ریاح و قراقر باشد  
 و حرارت نباشد **صفه** نذر البنج شربت راز یا نه از هر یک پنجه درم ناخواه  
 دو درم نیم انیسون سه درم تخم کزن سه درم کوفته و نغشته اقراص سازند  
 شربت یک شقال **قرص خرنوب** اسهال موی و غیره موی اناج است  
**صفه** مازد خرنوب کرنازج کلنا از هر یک یک درم و انیسون صمغ عربی از  
 هر یک نیم حبه کوفته و نغشته اقراص سازند شربت دو درم رب ب **قرص**  
**شرانیون** اسهالی مفرط حرارت اناج باشد **صفه** طباشیر کل رخ  
 تخم کاهوش خرفه تخم سماق از هر یک نیم درم تخم حماض یک درم و نیم  
 کافور دانه با ب خالص قرص سازند شربت یک درم **قرص اسس**  
 اسهالی سرفه را نافع باشد **صفه** حب لاس ده درم بر بیاض

استقامه  
 باده از اسهال  
 سدر کرفه باب  
 در حین آب بر

منوچشم زره از هر یک بخدرم رب السوس صمغ عربی از هر یک یک درم نیم  
 کوفته و بخت آقراض سازند شرتی سه درم **قرصی** که بول الدم اناغ  
 باشد **صفه** منوچشم کرفس دو درم کوفته اقراض سازند شرتی دو درم آب  
 شخاش **قرص** که حبضی اند و تسبیل ولادت کند **صفه** مرزوم  
 ترس بخدرم سداب فودنه فردمانش کطاش بیخ فوجلتیت  
 جاوشیر کسینج از هر یک دو درم کوفته و بخت قرص سازند شرتی دو درم  
 بطینج اهل **قرص عشر الاودیه** تب بیخ و وجع کبد و ترسل اناغ  
 باشد **صفه** اینیون عصاره غافش از هر یک چهار درم اسارون  
 ساج هندی نشتین تخم کرفس سبیل منوچشم تلخ مصطک  
 از هر یک یک درم صبر دو درم کوفته و بخت بطینج نشتین قرص  
 سازند شرتی یک درم آب گرم **قرص منوم** حار تخم شبت دو درم غفران  
 بذرا بنج میعه از هر یک یک درم اینیون یک طسوج کوفته و بخت بلعاب طلیه  
 قرص سازند شرتی کیشقال **قرص منوم** بارو تخم کاهو شخاش باقلا  
 منوچشم خرفه کاجنج از هر یک یک درم اینیون یک طسوج کوفته و بخت

بلعاب

بلعاب بزقطونا قرص سازند **قرصی** که نافست از جهت افراط خون در آیه  
**صفه** مرجان کبریا و وجع سوخته کل از هر یک دو درم طلیه سیاه  
 بلبله از هر یک بخدرم تخم کهنه سه درم مقل ده درم در آب کندن  
 شسته حل کنند و در او را کوفته و بخت بان سببشند و قرص سازند  
 شرتی سه درم با ده درم آب سببشند **قرصی** که قی همیضه بازو ارد طبع  
 به بند و خواب آورد **صفه** سگ قنصل از هر یک ده درم کزنجار کوبت  
 انار مازو از هر یک بخدرم اینیون دایمی کوفته و بخت برت به شرتی  
 و قرص سازند شرتی یک درم نیم **قرص سعفه** زرد چوبه منوچشم تلخ  
 از هر یک یک درم مقل ادرسه که کهنه خیسانده روز ستوانی زرد چوبه و غفر  
 با و ام تلخ را کوفته در حل نمایند و با یکدیگر نیک صلیا کنند و اقراض  
 سازند و در وقت حاجت آب کاسنی بسایند و طل کنند  
**قرص اینیون مثلث** صداع شقیفه و سر را نافع بود چون پیشانی  
 طل کنند **صفه** اینیون مصری مرکی لاون کافور عفران بزرگ  
 اینج پوست بیخ لغاح از هر یک بخدرم کند از زردت که کل از سنی

از هر یک ده درم کوشه و پنجه بکلاب آب کوه سرشته اقراص سازند  
سه پهلوی با اقراص دیگر ممتا ز باشد و در وقت حاجت استعمال نمایند  
**قرص زنج** اکله و من لسه را نافع باشد و عفونته دفع کند **صفحه** زنج  
زرد و سرخ و آهک نزه و مانوانه هر یک ده درم شب بمانی افاقا کتا  
از هر یک یک درم زنجار قلقطار از هر یک یک درم کوفته در سر که خیس اند یک  
هفته در آفتاب بگذارند و بعد از آن اقراص سازند در سایه خشک  
کنند و در وقت حاجت سیاه و آبی از آن بشود و من بهشتند و عیت  
بگذارند و بعد از آن روغن کل قدری در دهن نگاه دارند **قراور**  
بعد از آن که سبل حبه باشد استعمال نماید **صفحه** نوشا در  
س و خنده از هر یک دو درم تو تیا و وزده درم کوفته و چغندر زرد  
خام هر یک سه درم و در پوست تخم مرغ کنند و در کل حکمت گیرند  
و در کوزه فخاری بگذارند تا پنجه شود و بعد از آن صلابه کرده استعمال  
نمایند **قطوری** که نافع است از جهه کوش و چوک کوش پاک کند  
**صفحه** از دوت صبر زبل الجربو بزه از منی دم لایخون کند در

زنجار

زنجار خشت الحیدر کوشه و چغندر لبر که در کوش چکانند بعد از آن که چند نوبت  
بمال الصل چکانیده باشند و قتیله را بدان تر سازند و با دونه بند کوره کرده  
و در کوش چکانند **قطوری** در کوش که از گرمی باشد ساکن کند **صفحه** در غن  
کل درم که از هر یک شش درم باشد نیم بنیز چند کله سر که برود و روغن  
بماند نیم گرم در کوش چکانند **قطوری** که طین و کانی کوشن هر دو  
**صفحه** کند زعفران زفیون چند پسته خرق سفید از هر یک درم  
فطرون بوره از هر یک دو درم نیم کوشه و چغندر در شراب حل کرده  
بچکانند **قطوری** که گرم کوش را بکشد **صفحه** آب برک شفا لورک تریب  
از هر یک یک درم خرق سفید بوره از منی از هر یک یک درم نیم سقونیان  
زراوند از هر یک یک درم نیم کوشه و چغندر باب بند کوره پامینند  
افساب نهند تا خشک شود و بعد از آن بسایند و در کوش چکانند  
**قطوری** در کوش که از سردی باشد ساکن گرداند **صفحه** افیون چند  
پسته از هر یک دو درم در دهن سفنج نیم بند تا بقوام آید در روغن  
سوسن حل کنند نیم گرم در کوش چکانند **قطوری** که طبرش را نافع باشد



**صفحه** خرق غیبه کیشقال چند پسته کیشقال نظرون دانگی کوشه و  
نخت با سکه که گشته در گوش چکانند آب سر کین آب تازه در گوش چکانند  
یا آب تراب با عسل کوشانند در گوش چکانند **قطوری** که در گوش  
را نافع باشد **صفحه** افیون کیدرم شیا ف ایض سه درم روغن بنجد  
چهار درم سرکه گهنه سه درم با یکدیگر مخلوط ساخته نیم درم در گوش چکانند  
**قطوری** که تبین خاصیت دارد **صفحه** زهره کاد تازه و و شقال روغن  
خیزی و شقال کوشانند تازی زهره بر دو روغن بماند و قطره  
در گوش چکانند **قطوری** که در گوش مار و بر **صفحه** سیر تکوین  
باز زهره کوشانند و نیم گرم در گوش چکانند **قطوری** که  
نافست از جهت آب که در گوش فرستد **صفحه** آب ترب  
پاز کوشانند در گوش چکانند **قطوری** که گانی کوشا برود  
**صفحه** شحم خنظل سه درم بوره ارشی کیدرم چند پسته تر زرا ذه قط  
رفیون سننین از هر یک کیشقال کوشه و نخت بزهره کاد و شیرینند  
و کلوا کنند در وقت حاجت بی از آن بروغن بادام تلخ بشن

بماند

و نیم گرم در گوش چکانند **قطوری** که شب کوشی لبر و **صفحه** آس آب  
آب کینر ساوی کوشانند تا نیمه آید و دوسه نوبت در گوش چکانند  
**قطوری** که چون در اعلیل چکانند قرحه و سوزش بول را نافع باشد **صفحه**  
سفیداب کند را ز زوت صمغ عربی فشا سه دم الا خون مساوی  
کوفته کلوا سازند و در وقت حاجت بیاج کجی از آن بشیر و ختران بشن  
و چکانند **قطوری** که دوی مطین کانی کوشا نافع باشد **صفحه** شحم خنظل  
یک درم بوره ارشی کیدرم چند پسته تر زرا ذه حرج از هر یک کیدرم  
عصاره سننین قسط رفیون از هر یک انگلی نیم کوشه و نخت  
بزهره کاد و لیمو شند و کلوا سازند در وقت حاجت بروغن بادام  
و قطره در گوش چکانند **بکاف کلک لایخ بزوری** استقای  
برودت معده و تبهای کهن سرفه بلغمی و ضیق النفس و قولنج صرع  
طحال سلسله بلغمی و بقی جهت سناق رحم را سود دارد و بول کیش  
**صفحه** سیاه پوست بلبله امله معشر از هر یک صفت در قنفل  
دا فضل نجیل فغله نوبه نمک صندی سرخ نمک صندی سیاه

نمک اندرانی نمک طبرزدنک خمیر لسان العصاره شطرح مندی معده  
 بواقره قنقل صمغ بزرگ کابل قنقل شونیز حب الیبل زیزه کرانی ساج  
 مندی تخم کرفس کشنیز خشک ازهریک چدرم زرد سفید صد و پنجاهم  
 فلوس خیارش نبرده درم بوزرشقی نیم من شیزه المکین میزد  
 اطراد رشش من آب بیزند تا بدین آید و با لایند و خیارش  
 دران حل کنند و سه من فایند هم زران آب بکند از نو نیم روغن  
 کجند با آن باینند و بچوشانند با بقوام آید و در دای دگر کوفته و  
 بان آب برشته شربتی چدرم با شربت با آب غلب  
**مکملنج بارو** استقای حار را نافع باشد **صفحه** ما فیون در غارتون  
 مغز پوست بلبله زرد ازهریک چدرم عصاره نستین سه درم  
 پنج سوسن کل سرخ تخم کاسنی منو کجش خربزه رسا سوس  
 ازهریک دو درم ترخپن فلوس خیارش نبرده فایند جری ازهریک نازد  
 درم صاف کرده بقوام آرد و در دای دگر کوفته و بخته بان برشته  
 شربت دو درم تا چهار درم **مکملنج حار** نافع استقای

۲۱

را که با دجارت نباشد **صفحه** ما فیون در غارتون پوست بلبله  
 زرد و یکب پنج ازهریک چدرم ایرسا سه درم ریوند چینی عصاره غا  
 سنبل الطیب ازهریک دو درم کوفته و بخته لعسل معجون سازند  
 شربت سه درم تا چهار درم **کوفنی** که بر دوت معده و شهوت کلی  
 و حیات مغزی و سووایی فواق لغبی هست سلیای فی فنیق و قونج کجی  
 نافع باشد و باد باشد کند **صفحه** زیزه کرانی مابریخا درم فلفل سیا  
 بازده درم زنجبیل سداب ازهریک پوست درم بوزره از منی چدرم  
 و فلفل است مشقال عسل از وزن او دو معجون سازند چنانکه  
 رست شربتی کثقال **کحل زعفرانی** حکم جفن تاریکی چشم و معده  
 و سیلانرا نفعست **صفحه** زعفران سنبل ازهریک دو درم دار  
 فلفل کدرم فلفل سفید کافور ازهریک و انجی نیم نوش در نیمه درم  
 سه درم کوفته و بخته در ششم کشند **کحل دیگر** که بهین خاصیت دارد  
**صفحه** شادنج مغزول دو درم دم لافون ساوج مندی سنبل  
 فلفل ازهریک نیم درم بارز کیدرم قافله شک ازهریک کیدرک کافور

نیندک کوشه و چخت بر بدان کحال نماید **کحل الجواهر دیگر** توتیا  
 اسدی توتیای کرمانی طباشیر نوره یا قوت هر لون که باشد در جان سرخ  
 و سفید سرطان جری بوج صندل و ج هندی با میران چینی در فلفل  
 سنبل طلایه زرد آمله شسته نمک هندی قرنفل هر دو صفا باقی از هر یک  
 یکدم شیشا نیشا تیشا نقره از هر یک یکدم تصویل نموده  
 بطریق معروف بسین سبب از سرخ در چشم کشند که در کوی کوشه  
 باید که سر نه نیم من و تمام اجزا نیم من که اصل هر است **کحل دمه**  
 توتیای مضمول ده درم بسین طلایه زرد صبر از هر یک چهار درم  
 یکدم در فلفل یکدم کوشه و چخت استعمال نمایند **کحل الجواهر**  
 بصبر را قوت دهد و تیز کرد آن **صفه** سر نه صغمانی هفت درم  
 ما تیشا خمدرم قیماطله و از زده درم در آن نه ناخت  
 سر درم زعفران یکدم ساوج هندی دو درم صلابه کرده استعمال  
 کنند و در چشم کشند **کحل الجواهر** به نشخو دیگر **صفه** سر نه ششم  
 توتیا چهار درم بسین شیشا از هر یک دو درم در آن نه ناخت

هفت درم ساوج هندی یکدم مشک یک طسوج صلابه کرده چنانکه  
 رسم است استعمال نمایند **کحل الجواهر بنوع دیگر** سر نه صغمانی  
 توتیای هندی از هر یک ده درم ما تیشا در جان سرخ دهانه زنگ  
 عقیق سرخ طلا و نقره با میران چینی فلفل سفید و اقلیمیا  
 طلا و نقره روی سوخته از هر یک چهار درم در جان جری هر دو از هر یک  
 ساوج هندی از هر یک شش درم یا قوت سرخ لاجورد شسته  
 زعفران توبال مس سوخته از هر یک ده درم صلابه کرده استعمال  
 نمایند **کحل روشنایی** نافه از جبهه صغف بصبر و شیکوری **صفه**  
 مس سوخته شادنج مضمول از هر یک یکدم زنگار نوره ارمنی صبر  
 سقوطی از هر یک یکدم اقلیمیا دو درم صلابه کرده استعمال نمایند  
**کحل غریزی** بصبر را تیز کند و تاریکی چشم برود و معده وسبل را  
 نافع باشد **صفه** سر نه صغمانی توتیای هندی مس سوخته از  
 هر یک دو درم پوست بلبله زرد ساوج هندی فلفل خوشا در صبر  
 سقوطی خضخ کمی زعفران سرطان جری از هر یک یکدم زنجبیل

نیدرم کافور نیدانک شکسته قرض فل دودانک صلیا کرده در چشم  
 کشته **کحل زرد** بصرا قوت دهد و دمه باز دارد و حله جفن را  
 سود دارد **صفت** شادنج مغسول سادج هندی از هر یک یک درم در  
 فضل دم الاخوین از هر یک نیدرم روی سوخت زرد از هر یک یک درم  
 قاقله شک از هر یک دانی کافور یک طسوج کوفته و خخته بر آن احتمال نماید  
**کحل** که بیاض آثار قروح از چشم برود و غیره را نافع بود **صفت** زرد  
 البحر اقلیمیا ز نره سفید آب از زرد مس سوخت از هر یک چهار درم  
 سنبل برود و ناسفته از هر یک دو درم صمغ عربی کثیر از زردت انجیر  
 نشاسته سبغونیا از هر یک یک درم کوفته و خخته استعمال نمایند  
**کحل** که بیاض آثار قروح زرد آب نافع باشد **صفت** زره بر کوی  
 ده درم شحم حنظل یک مثقال فرنیون نوشادرا از هر یک نیم مثقال کسبنج  
 نیدرم کوفته و خخته باب از یانه یا آب سداب بر شست **کحل**  
 که مژه برود و ناند **صفت** استخوان خرماء سوخته نیدرم و خان کند چها  
 درم سنبل حب لبان از هر یک سه درم لاجورد کشته ده درم

کوفته

کوفته و خخته بر چکن شند **کحل نفشجی** تاریکی چشم دود  
 جرب حکه را نافع باشد **صفت** شادنج مغسول دو درم دم الاخوین  
 دانی روی سوخت در فضل سنبل الطیب از هر یک نیدرم سادج  
 هندی دودانک قاقله شک از هر یک دانی کافور نیدانک کوفته و خخته  
 استعمال نمایند **کحل** که صحت چشم را نگاه دارد **صفت** تو تیا درم  
 شیانف نامی باشد درم صبر مقو طری حفص یکی از هر یک یک درم کافور  
 نیدانک کوفته و خخته آب غوره یا آب سماق بر برورد و در سیاه  
 خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند **کحل حکمت** کل زرد  
 پاک چهار درم کوبند و بنزد یکین کاغذ و نیم من خاک در آن کشند  
 و بدست میمالند تا حل شود و بعد از آن کل بر آن کشند و یک  
 چهار یک موی سر آدمی بمقراض چیده و چهار یک سر کین سبب خخته  
 داخل کنند و نیک بمالند و صفت روز باب تر میکنند و بیشترند  
 آنگاه وصله وصله کشند و خشک کردند و در وقت حاجت  
 آن مقدار که خواهند کوبند و باب سبب شند و استعمال نمایند

**باب اللام لعوق سپان** سرفه دشونت حلق را نافع باشد و سینه  
 را نرم کند و نفث را است آن کرد اند و طبع را نرم کند **صفحه** سپان  
 دویت عدد و یوز نسقی چهل درم بناموس خیارشیر بانه بازده درم  
 در شش رطل آب بجوشانند تا به در طل آید و بدست بمالند و صاف  
 کنند و یک رطل قند سفید اضافه کنند و بقوام آورند **لعوق زودفا**  
 ر بود سرفه کننده را نافع باشد و سینه دشش از اخلاط غلیظ پاک  
 کند **صفحه** زودفا خشک پنج سو بسن از هر یک است درم در سه  
 رطل آب بجوشانند تا بر طلی آید صاف کنند و با رطلی قند  
 سفید بقوام آورند **لعوق صبارش** و سرفه لطیفی را نافع بود و سینه  
 از اخلاط پاک کند **صفحه** تخم طر تره تیزک ده درم اصل السوس چهار  
 درم اینسون را از یانه از هر یک درم مجموع نیم کوخته در دو  
 رطل آب بجوشانند تا بر طلی آید صاف کنند و با یک رطل  
 صاف بقوام آورند **لعوق بزالتین** را به سال قرصن نافع بود  
 سینه را از اخلاط پاک کند و نفس را عانت دهد **صفحه** بزک

بریان کرده سی درم قهوه ماناده درم کوخته بعسل سببشند و لعوق سازند  
**لعوق طباشیر** سل و قهوه شش و سرفه صا را نافع باشد **صفحه** نیک  
 کثیر از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیارشیر حلقوره  
 صمغ عربی قاقله از هر یک هفت درم قند سفید صفت متقال  
 کوخته و چغندر بروغن بادام غسل سفید سببشند و استعمال نمایند  
**لعوق حلبه** لوجه و غلظ صوت را نافع باشد و سینه را نرم کند  
 و نفس را ساکن کند **صفحه** بزک ده درم حلبه و مغز بادام شش از هر یک  
 چهار درم کثیر اصل السوس مغز حلقوره نشاسته صمغ عربی  
 از هر یک دو درم کوخته بعسل سببشند و لعوق سازند **لعوق بادام**  
 سرفه دشونت حلق و صخره را سود دارد **صفحه** صمغ عربی کثیر انشا  
 رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو و مغز بادام از هر یک  
 چند درم قند سفید سببشند درم کوخته و چغندر کجلا با سببشند و  
 بروغن بادام برین سال و لعوق نمایند **لعوق رب السوس**  
 سال نرسن را نافع بود و صندل از هر یک از سینه دفع کند



از هر یک درم فایده شست درم در آب بگذارند و بقوام آورند  
 در روی دیگر کوفت بان لبرشند شربتی یک معلقه با مکره و شکر  
**لعوق کرب** سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند **صفه** آب کرب  
 نخته یکیم نیم با نیم من پل بزنند و بقوام آورند و بعد از آن مغز  
 حلقوزه و مغز بنه دوانه و از دبا قلا از هر یک ده درم بزرگ بریان  
 کرده و حله از هر یک پنج درم مغز است با نرزه درم کوفته بان  
 لبرشند شربتی پنج درم شکر **لعوق سیر** سرفه ملعی را سود  
 دارد و ماه را بفتح و سینه را پاک کند **صفه** سیر پاک کرده نیم  
 در نیم من روغن بگذارد بزند تا مبراشود پس بکوبند و نیک مالند  
 و با کیمین غسل صاف بقوام آورند **لعوق حلقوزه** در بود معال  
 نم من و ضیق النفس را نافع باشد و سینه را از اخلاط پاک سازد  
**صفه** مغز حلقوزه پنج سو سن صمغ عربی کثیر از بزرگ بریان کرده  
 و خمای سدان از هر یک سی و پنج درم کوفته و بخت باوه و طل اصل  
 و دروطل روغن کل و لبرشند شربتی معلقه **لعوق صیان** چون

بزرگ

با شیر مادر در کلوی اطفال بریزند سرفه و خشونت سینه را نافع باشد  
**صفه** صمغ عربی فایده از هر یک چهار درم مغز بنه که یک درم کوفته  
 لبر لبرشند **لعوق** که ربو و ضیق النفس و سرفه ملعی را نافع باشد  
**صفه** بزرگ بریان کرده کوفته ده درم با یکمقال روغن بخت باوه  
 و پنج درم غسل لبرشند و لعوق سازند **لعوقی** که همین خاصیت دارد  
**صفه** مغز حلقوزه چهل درم مغز بادام چهل درم رب السوس است  
 پنج درم لبرشند و بلبند **لعوقی** که شقیقه را نافع باشد **صفه**  
 مژگن کا هو از هر یک یک درم بزرگ کثیر از هر یک دو دوک انبون نیم  
 دوک کوفته و بخت لبر لبرشند و بر کاغذ شکر شقیقه  
 چسباند در روغن کیمین کند **لعوقی** که همین عمل کند **صفه** زعفران  
 انبون دم الاخون صمغ عربی سفید ه تخم مرغ سرشته بر صند  
 چسباند **لعوقی** که همین خاصیت دارد **صفه** تخم کاسنی تخم کاه  
 از هر یک دو درم مژگیدرم تخم صند درم انبون نیم درم کوفته و بخت  
 باغبان بزرگ قطونا سرشته برود و وصله کاغذ شکر بر صند

صمغ عربی کرب  
 لعوق کرب  
 صمغ عربی کرب  
 لعوق کرب  
 صمغ عربی کرب  
 لعوق کرب

چنانچه **مغز** که خواب آورد **صفت** تخم کل سنج لعاج از هر یک یک درم  
 افیون و انبی کا فورد و دانه کوفته و تخم در ظرفی کنند و بوی  
**مغز** که منع عفونت کند و صداع را نافع باشد **صفت** صندل سفید  
 ساییده شکر خشک کباب سر که در ظرفی کنند و بویند **باب**  
**کبیر** کرده را زخم کند و قوی گرداند و منی هم فراید و شکر او  
 و باه را زیاد کند و دماغ را قوت دهد و بدن زنده گرداند در  
 نیکو گرداند و حساب را محکم کند و در امراض جمیع نظیر ندارد و گفته  
 هر که ده روز برین مداومت کند هرگز لغو ذوا سا قاطب نشود **صفت**  
 مغز پسته مغز فندق مغز بادام مغز حبه الخضر مغز گردان مغز  
 حلقوز مغز بزرگ عظیم ماهی رو میان خولجان شقاق همین  
 سرخ همین سفید تووری سرخ زرد زنجبیل کبچہ بنفشه و ارچنی از  
 هر یک بخورم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل کبابه جنی حب  
 قلقش خشک کدر تخم شلغم تخم ترب تخم سبزه تخم شنبلیله  
 بیون اسان العصاره در روغن عقرنی نزن باد از هر یک یک درم

بسم

مغز

جوز بواب با سه دانه در فضل از هر یک دو درم خضیه الثعلب با چهل  
 تازه مغز خشک خشکاش از هر یک ده درم قصبه کلا و سوده سورنجان  
 بوزیدان بغض خشک از هر یک چهار درم مایه شتر اعرابی زعفران  
 مصطکی از هر یک سه مثقال عود خام دو مثقال روق طلا سی عدد  
 ورق نقره پنجاه عدد و غیره شکر یک مثقال شکر قندی نیم مثقال اصل  
 سه وزن او و یه بطریق معهود و معجون سازند **باب** صغیر منی خرد  
 و کلیه مشابه قوی سازد و نیا زانافع باشد و زک روی سیکو  
 گرداند و دماغ را قوت دهد و قصبه را محکم سازد و در هر مغز  
 عظیم نافست **صفت** مغز بادام مغز گردان حب الخضر مغز حلقوز  
 مغز بزرگ مغز فندق مغز پسته با چهل تازه حب قلقش خشک  
 سفید تووری کبچہ بنفشه تخم سبزه سبزه سبزه شکر شلغم  
 بهمنین زنجبیل در فضل کبابه جنی قره و ارچنی شقاق خولجان  
 تخم بیون مسادی اصل سه وزن او و یه معجون سازند چنانکه رسم  
 شترتی دو درم **باب** المیم مشرد و لیطوس تزیب المنفعت است



بتریاق فاروق لیکن تو بیاق در دفع سموم ازین انفع است و مفت دار  
 شربت در امراض مذکوره زیاد از است **صفت** تر زعفران غار بقون  
 در جنبی زنجبیل کبر از هر یک ده درم سنبل کند خردل سفید عود بلبل  
 اسطوخودوس سیالیوس قسط کا فیتوس قند علك البطم دار  
 فلفل عصاره بحیثه التیس جند به ستر ساج هندی میوه جادیه  
 از هر یک مشت درم سیخه فلفل سفید فلفل سیاه سورجیان سفید  
 جعد ه دو تو اکلیل الملک خطیما ناروغن لبان حب لبان  
 اقراص قویون مقل از هر یک مفت درم سداب درم شق سبل  
 رومی مصطکی صمغ عربی فطر اسالیون فردمانا از زبانه انیسون کل  
 سرخ مشکط اشبع از هر یک پنجم انیسون و ج موس کسینج اسان  
 از هر یک درم اقا قیماهای سفنفور هون فاروقون از هر یک چهار درم  
 نیم شراب ریجانی کهنه چند آنکه صمغها در آن حل کنند غسل مصفی و دوز  
 ادویه بطریق معهود همچون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند  
**مخلصه کبر** صرع دودار و صداع کهنه را و عرشه فالح و تشنج

بلغی

بلغی و اوجاع مفاصل و درد دندان و وسوسه در مد بلغمی قروحها  
 و معصن کچی در کرده و مشانه را نافع باشد و قی الدم را باز دارد و چون  
 آب لسان الحمل در بند در معده و سپهر را نافع باشد و چون آب  
 را زبانه نبوشند تبهای کهنه را زایل گرداند و محلل اعراض بود و دفع  
 سموم کند و چون بر قضیب طراکت نه لغوط آورد **صفت** سیخه او خمر  
 از هر یک یک قویه نیم جند به ستر مرکب فطر اسالیون از هر یک پانزده  
 مثقال تخم کرفس ده و قویه سیالیوس یک مثقال قسط در ریحی  
 اقراص از زبانه سیاه اسارون از هر یک شش مثقال  
 فلفل سفید و دوزده مثقال سنبل شش مثقال حماما زعفران  
 و از فلفل از هر یک چهار مثقال انیسون از هر یک ده مثقال  
 غسل سه وزن ادویه همچون سازند چنانکه رسم است و بعد از ششماه  
 استعمال نمایند شربت از نیم مثقال یک درم آبک مثقال **معجون**  
 و آنرا ماده المیوه نیز گویند و ضمیرا قوت دهد و اشتها آورد و بلغم  
 را دفع کند و سیان سلس البول در و پشت و در کرده اوجاع

مفصل اناغ باشد و منی زیاد کند و باه را بر یکتر اند و دوزخ است که  
دولت و قدرت دهد و شط اطرد و رنگ آن کبود اند و بوی خوش  
کند و پیرازاد سرد مزاج از موافق باشد **صفت** زنجبیل در فصل در صفت  
آمله بلیه شطج هندی زرد اند و جرج خصیة الثعلب مغز جلفوز  
عرق با بونه از هر یک چند گرم میزنند سبی چند گرم عسل صغی و در قبال  
اودیه بطریق متعارف **معجون** سازند شترتی و دو درم **معجون** **صفت**  
کرده و مشابه سرد را گرم کردند رسیده بکشاید **صفت** فلفل سیاه و  
سیند همانا قسط سنبل الطیب قصبه از زیره و ساوج هندی  
زعفران تخم کرفس انبون عاقر زخم تخم بخره تخم سداب ساوی  
کوشه و پخت **عسل** **معجون** سازند شترتی کیشقال بماء الاصول  
و در آب بادیان در آب کرفس **معجون** **ابو سلم** این معجون را فریاد  
رس گویند همه دردها بشکند و تسکین کند **صفت** انبون بزرنج  
از هر یک ده مثقال زعفران سنبل عاقر زخم ساوی  
تاقله در زلفل از هر یک پنج مثقال کوشه و پخت **عسل** **صفت**

شترتی

شترتی از دانی نیم مثقال **معجون** **تیرا** فواج صعب در زمان شب  
**صفت** خیر بود افره ساوج هندی فلفل در فلفل زنجبیل رنگ کابلی  
مقشر زلفل از هر یک کیشقال تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم  
مثقال ترب سفید و قنونا از هر یک ده مثقال کوشه و پخت **عسل** **صفت**  
عسل **صفت** شترتی و دو درم **معجون** **زبل** که همین خاصیت ارد **صفت**  
زبل الذیب چهار درم ترب چند تخم کرفس انبون از هر یک سه درم  
کوشه و پخت **عسل** **معجون** سازند شترتی سه درم چهار درم **معجون** **صفت**  
فواج بکشاید و بلغم وضع کند و در پوست ساکن کردند **صفت** ستمویا  
ده درم تاقله کبار و صفرا زنجبیل در چینی قرفنا رشک فلفل  
فلفل از هر یک چند درم شکر سرخ و ترب سفید از هر یک ده مثقال  
عسل صغی بقدر حست یاج **معجون** سازند شترتی و دو درم **معجون**  
**لوزی** صفرا و بلغم وضع کند **صفت** صفرا کافیشة صفرا و ام قنونا از هر یک  
ده درم زعفران درج نبات **صفت** و چند درم در کتاب که از نزد در  
کوشه بدان **صفت** شترتی کیشقال **معجون** **اسود** زعفران

کون با سرد دارد **صفحه** این دهن جند بدتر میزدن بنج زغم اسارین  
 مژ تخم کرفس پنجه انیسون سنبل کل ارمنی مسوی کوفته و چخته  
 باب موردی آب **معجون حبس الیهود** سنگ کرده دشان را  
 پاک کند **صفحه** مغز تخم خرزهره مغز تخم کدو حبس کبکج از هر یک بخورم  
 حجر الیهود پنجاه درم صلا یکرده لعین سرشند شرتی دو درم تا  
 سه درم **معجون ترب سنگ** کرده دشانه بریزند در کوزه نکی عرق  
 بغایت نافع بود **صفحه** عقرب محرق سه درم کبکج بخورم نیم چند  
 بدتر چهار درم کوفته لعین معجون سازند شرتی و انیسون کرفس  
**معجون کبکج** قرصه و کرده دشانه دبول لدم را نافع باشد **صفحه** بذر  
 البنج تخم کرفس از زیاده از هر یک هفت درم مغز حلقوزه بریان کرده  
 مغز فندق از بادام تلخ بریان کرده از هر یک سه درم زعفران  
 درم و نیم کبکج پست پیچ عدد کثیر اجبار درم کوفته بسفتند شرتی  
 یک درم با حبه بقون با مار اسل با شراب خشخاش خوبستند  
**معجون سبب المزاج** لقوه دفا لج و عرش برص و خدر را نافع با

زگیل

**صفحه** زنجبیل عاقرقاسون قسط و ج پل ملا در از هر یک دو درم است  
 حلتیث زراوند حرج خطبیا ناشطج مندی حبس الغار خند  
 سه درم خردل از هر یک بخورم با عسل صافه معجون سازند خبکج سه درم  
 شرتی بمقال **معجون حبس الغار** به شش محو زکریا قویج کبکج استوار  
 طبلی و حبس امراض کچی که بالذات حرارت نباشد نافع بود **صفحه** سداب  
 خشک بخورم پنجاه زیره کرامی کاشمشون بر صفت کرده با نظر اسالیب  
 مغز بادام تلخ فلفل فودنه دار فلفل روح زوقا حبس الغار خند بدتر  
 از هر یک دو درم جاو شیر سه درم کبکج چهار درم صمغ عربی در شراب  
 حل سازند و در او کوفته و چخت داخل نمایند و لعین سرشند شرتی  
 دو مشال **معجون راونده** و آنرا معجون ربونیز گویند از ترکیب محمد کرمان  
 صنیق النفس سه درم یعنی امان نافع باشد **صفحه** زراوند حرج فردمانا فلفل  
 کر سه درم سندان سفید زراوند ام تلخ انجیره از هر یک بخورم ب  
 السوس بر سیارشان زوقا از هر یک دو درم کوفته و چخته لعین شرتی  
 شربت سه درم بطبخ زوقا **معجون ابله** مواد بارده را نافع باشد

و باد است که **صفه** اصل آنخواه کند روح دار چینی مساجد کوشه  
 بعد از معجون سازند شربت دو درم **معجون حال** ناخت سرفه  
 که سبب آن رطوبت باشد **صفه** مغز حلقوزه سه درم مغز بادام  
 مغز بادام مقشر بزرگ از هر یک ده درم فانیسی درم بطریق مهور  
**معجون** سازند شربت مقابل یک کردکان **معجون کل** درم  
 نافع بود **صفه** کل برخ چهار درم سنج سوسن هفت درم بویون  
 لک مغزول از هر یک بشقال نیم سلیمه زعفران از هر یک سه درم فانیسی  
 رادر هر که حل کنند در دو کوفه و چخت بر آن مخلوط سازند و لعل  
 لبشند **معجون حرمت** قویج را در ساعت یکش **صفه** فلفل  
 در فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب خولجان قرفه از هر یک ده  
 درم تقویانها دو درم عسل صد و چهل درم شربت کینقال **معجون**  
**وج** است ای نزل را نافع بود **صفه** وج کثیر احلیت زنجبیل  
 رازانه مساجدی بسین معجون سازند **معجون** لولوی ترکیب جالیوس  
 هفت منفعت دارد قضیب سخت کند و اعینه منی کشاید

دشهرت

و شهرت زیاد کند و اعصاب را قوت دهد و در خون بغیر عظیم سدا  
 و لغو طاب بسیار آورد و دوستی هر دو در اول آن سدا کند **صفه**  
 مردار بیدار سفته لب از هر یک یک درم فجاج اذخر سعد کرمانج سلیمه  
 و از چینی اسارون مصطکی از هر یک نیم بشقال صمغ عربی کثیر از هر  
 یک نیم درم کوشه و حخته با هم خندان عسل سرشند دو در وقت خواب  
 نزدیک جماعت کینقال آب نیم گرم ساشا مند **معجون** دیگر که اعضا  
 رئیسه اوت در درد شفا آورد و معده را قوت دهد و شها  
 آورد و زنگنه که گرداند و طعام همضم کند **صفه** و از چینی بسین  
 الطیب پوست هر دو است خوربوا مغاٹ خولجان همین  
 و سفید شقاقل و الو پوست بلبله در نیمه بویه کا در بان از هر یک درم  
 مصطکی هل و زرنب زنجبیل قرفه اسارون هندی کبابه پوست  
 ترنج در پنج رومی زرنبا و صندل سفید حب القلقل انیسون لغضاع  
 بسا سه بیله سیاه بوزیدان زعفران ماه فرغین که بر باد  
 صلابه کرده بر جان از هر یک دو درم سعد کوفی درق کل سرخ از هر

یک چهار درم ماهی رسپان خصیه الثعلب تو درین از هر یک بخورم  
 مشک بیتی نیم مثقال غیر اشک بکشتال رقیق طلا سی عدد و در  
 نقره پنجاه عدد و قند منصفه نیم من معجون سازند چنانکه رسم است  
**معجون عطا** تقطیر البوال سرعت انزال اناض باشد **صفت** علك  
 رومی کند رکنار بلوط شونیز بزرگ العنب مسادی گوشه باد و مقدار  
 آن عمل سیرتند **معجون کندی** که لقمان خاصیت دارد **صفت**  
 علك و می کند رکنار بلوط کینه خشک از هر یک دو درم زیزه کرم  
 گردیا ناخواه از هر یک بخورم پوست بلبله بلیکه سیاه پوست  
 بلیله زرد آله مقشر از هر یک سه درم گوشه و چخت با سه مقدار آن  
 عمل سیرتند شربت دو مثقال صبحا و مسابنوشته غذا  
 کباب قلیه مناسبت **معجون شیرینی** همان منفعت دارد **صفت**  
 کباب چینی فوغل قنقل خصیه الثعلب مصطکی ناخواه از هر یک  
 درم با نیم من عمل معجون سازند شربت دو درم **معجون زردی**  
 در تقویت باه بی نظیر است **صفت** تخم کدر تخم شلغم تخم ترب

تخم

تخم ماهیون تخم اسبب تخم حریر مفر خلیفه زره حب الثقلل مغز الزلم  
 بزریدان قنطاریون زنجبیل تو درین لسان العصافیه شقلاخلع صندل  
 و زلفصل حرف حلیت قره مسادی گوشه عمل معجون سازند  
 شربت سه درم در شیر تازه یا شراب نوشیدین **معجون انفع** این  
 معجون از مفرحات و بعضی از تریاقات سموده اند و منافع بسیار  
 دارد **صفت** قنقل زنجبیل سنبل و زلفصل خیر بو آفاقه کجا شرح  
 بندی لسان العصافیه در روخ عقربی با در کجوبیه مصطکی لسان البوب  
 خولجان فرج شک مروارید مسفته صندل سفید زرنوب در حرج سلخه  
 کل سرخ با قوت مانی همین سرخ سفید از هر یک دو درم بسیار  
 شد درم پوست زرنج سه درم پوست بلبله یک درم غیر اشک  
 زعفران از هر یک یک درم و نیم مشک بخورم گوشه و چخت عمل  
 معجون کنند شربت یک درم تا دو مثقال **معجون اس** حافظه  
 را قوت دهد و سن یا زانافع باشد **صفت** باد و شربت میمون از  
 هر یک دو درم صبر زرد و شصت مثقال عاریقون است بهجا

مشقال سلیمه ج زراوند مرجم زعفران دارچینی از هر یک شش  
 درم قسط سداب غنفل سفید از هر یک شش مشقال عمل سه چهار یک  
 بطریق مهور و معجون سازند **معجون اطمینون** تا هی مزاج و درد  
 معده را سود دارد **صفه** قسط حمامان سنبل سیاه مصطکی از هر یک  
 دو از ده درم زراوند طویل غنفل سیاه تخم کرفس تخم شمش  
 انیسون ناخواه زیزه کرمانی دو دو قوطر اسالیون کاش اسازن  
 انشنتین انخلان فودنه نفعی از هر یک چهار درم کوشه و خجسته  
 بصل معجون سازند **معجون تری** قویج کجشاید **صفه** زنجبیل غنفل  
 سفید از هر یک پست درم مقویا ده درم خرنای دانه برون کرده  
 مغز بادام برگ سداب از هر یک شصت درم خرماراد رس که خیشاید  
 یک است بانه روز بکوبند و در او با کوشه و خجسته نیم من عمل صا  
 معجون سازند شربت سه درم تا چهار درم **معجون خبطیا** اصله  
 سبز و جگر درد معده و کرده را نافع بود و سد کجشاید **صفه**  
 خبطیا نای رومی غنفل سیاه از هر یک ده درم قسط سلج

مقل

مقل بویه چینی از هر یک هفت مشقال کوشه و خجسته با سه وزغ عمل  
 لبرشند شربت سه درم باب سداب **معجون آیتین** در ده معده  
 و جگر که از سردی بود زایل کند و استقار نافع بود **صفه** انیسون  
 تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مسادی کوشه با سه چند انبل  
 لبرشند شربت سه درم **معجون سنبل** معده و جگر نافع باشد  
**صفه** سنبل الطیب نفع از خرقصه الزیزه از هر یک چهار درم  
 مویز منقی سلیمه از هر یک بخم درم زعفران انیسون از هر یک یک درم  
 فلفل سیاه مقل از هر یک دو درم مقل مویز را در شلک حل کنند  
 و در او با کوشه و خجسته بران پانینند و بصل معجون سازند  
**معجون نفی** سرفه و درد جگر و درد معده و سینه اسود دارد  
 او از صافی کند و بول براند **صفه** مویز منقی پست و چند درم زعفران  
 سنبل سیاه دارچینی دارش شعان از هر یک یک درم قصب الزیزه  
 نفع از خرقصه البطم مقل از هر یک ده درم نیم مرجم چهار درم تخم  
 حل که ذیبت در شلک حل کنند و آنچه کوشه و خجسته بکوبند و

و نیز در حوض و در آب منی سرشته شری یکدم شتر زون  
بابت گرم لبونید نبوشند **مجموع قصاب الملک** مفاصل و نفوس در  
سهرز و تبهای کهن و ضیق النفس و سر نه گمنه در ایشان رود نایبی  
چشم را نافع باشد و با دمای غلیظ را دفع کند **صفحه** خطیانا، رومی  
اسطوخودوس قرمانا جاو شیر کما فیطوس یکم سه فرسین  
اسقوریون میعه سایه از هر یک بمشغال فرز غفران قسط فلفل  
سفید از هر سنبل فرنیون پوست سیخ لعاح اشق فودنه رازیا  
دو قودر کل سرخ نار دین حب لبان از هر یک بمشغال  
قرمشت مشغال سلیخه شازده مشغال عصاره عاقث شحم  
خند قونی صمغ عربی با دما از هر یک چهار درم افیون نذر البنج  
سفید اب از هر یک شش مشغال قند سفید چهار درم آجیل  
گردنیست در مثلش حل کنند آنچه کوفتیت بکنند و آن  
مزدوج سازند و بصل میچون کنند و بعد از ششماه استعمال  
نمایند **مجموع نصیر** خفقان بار در ادصرع در و عده که از سردی

این

باشد و فواق است تلمای اناغ است سه کیشاید **صفحه** خند بستر  
رب الیوس سلخه قسط بلخ فلفل سفید سیاه فیون مسیه  
زعفران سنبل از هر یک سه درم جاو شیر یکدم در دنج عقربی زرنبا  
مردارید با سفید از هر یک یکدم مشک دو دانا کوفته و بخت نسیل  
سیرشته شری مقابل نخودی **مجموعی** که از جهت ضعف معده  
نافست **صفحه** طباشیر پوست سنکدان از هر یک دو مشغال  
کلخ سه درم نعناع خشک پوست پردن پوست ترنج پوست  
بلبلک زرد از هر یک مشغالی همین سفید و سرخ سنبل سفید سرخ  
کشنه خشک کرده صغیر بریان کرده حب لاس از هر یک دو درم  
کوفته و بخت بل شراب فواله **مجموع** از ندر شری و مشغال **مجموع**  
**نخاج** مسهل سودا و بلغم بود و امراض سوداچی و بلغمی نافع باشد  
**صفحه** بلبلک سیاه پوست بلبلک کابلی آمله قشر افیمون از هر یک  
دو درم سفنج قستی اسطوخودوس ترید سفید از هر یک شش مشغال  
غارقیون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغول از هر یک دو درم در نیم تموی

کوفته و پخته با صد و پنجاه درم غسل بپوشند شربت پنجم شغال آهفت  
 شغال **مجموع خیار نیر** مسهل صغیر و بلغم باشد **صفت** تر بد بقیه چهل  
 درم غشسه درم نمک هندی رب السوسن از هر یک هفت درم  
 رازیانه اینسون مصطکی از هر یک پنجم درم مقویاوه درم غسل نیا نیر  
 صد درم روغن بادام چهل درم قند و غسل از هر یک صد شغال مغز  
 خیار نیر و غسل قند چهل گند و دارد که کوفته و پخته بر روغن بادام  
 چرب کنند و در یکدیگر بپوشند شربت پنجم شغال آهفت شغال  
**مجموع سورنجان** مسهل بلغم و صغیر باشد مخصوص غیاض و نفوس  
 و عرق اللسانست **صفت** سورنجان شش شغال پوست بلیله  
 هفت درم تخم کرفس نمک هندی رگ خناز به لجر فضل صغیر  
 رازیانه صغیر از هر یک شغال کل سرخ زنجبیل مقویاوه نیک نیر خشک  
 از هر یک صد درم ماهی زیره کرمانی پوست پیچ کبر شطرح هندی  
 بجزیران از هر یک دو درم تر بد بقیه با زره درم روغن بادام چرب  
 درم و نیم غسل صاف صد و پنجاه درم شربت پنجم شغال آهفت شغال

داده

**مجموع مشک** در جگر و ضعف معده را نافع باشد و سده بک ایتر درام  
 صلبه تحلیل دهد **صفت** مشک سیخه سبیل ساج هندی لک منقی بوی  
 حتی خطیبا نارومی از هر یک دو درم زعفران ناخواه کچک کرفس مصطکی  
 از هر یک صد درم عود هندی مرقره فضل از هر یک نیم شغال کوفته و پخته  
 با چندان غسل **مجموع سازند** **مجموع ناخواه** معده را پاک کند  
 و هشتماهی طعام آورد و دبا ه را قوت دهد **صفت** صغیر زوفا ناخواه  
 نفعش شونیز زیره کرمانی از هر یک شغال حاشا و شغال و حب سبب  
 رازیانه زنجبیل جوز بو آخ کرفس از هر یک شغال کوفته و پخته  
 با چندان غسل بپوشند **مجموع سلجی** در دشتت و روپای  
 را نافع باشد دبا ه را قوت دهد و معده را سود و دارد پاک کند  
 و موی را در سفید کند و سرعت انزال را سود دارد **صفت** کل سرخ  
 سعد عاقر قرقاط فضل سبیل مصطکی زرنبا و زعفران قافلتین  
 جوز بوا سوا و قند و غسل مناصفه بقدر است با ج قند را در کل  
 کبر از نند با غسل بقوام آورند و دارد که کوفته و پخته آن بپوشند



**معجون شنبلیله** در دوی دهن خوش کند و حفظ نماید و بینی یا  
 کند **صفحه** زعفران عاقر قرقاوند البیج فرفیون خوبان فاقه کجا دار  
 فلفل خند پیدستر مسادی کوشه و پخته با سه چندان غسل کنند  
**معجون سیر** لثوه و صغ و فالج و عرشه و بوا سیر بهی بر صر اناغ  
 باشد و معده را قوت دهد و اشتها آورد و بلفم دفع کند و قوت  
 پیغمبر و زناک اسخ کرده اند و حرارت غریزی را فروز و پسران اناغ  
 معیند و **صفحه** سیر پاک کرده نیم من در یکین آب پیخته تا قرا شود  
 و سه چهار یک غسل سی درم روغن کاد بر سرش ریزند و بایکدی که خروج  
 سازند و از اشرف گویند و این دارو کوشه و زنجبیلان بر کنند  
 فرفیون خرد بوا سیر فلفل مطه فاقه کجا رو صفار هلیله کانی و آب  
 رسنیل از هر یک نه درم و خود خام زعفران از یک بخند درم شمرتی  
 مقابل در کان **معجون نمک** معده را پاک کند و نفی با نفی و بوی  
 باز دارد و در این معی و سودایی را نافع باشد **صفحه** هلیله ساه  
 هلیله کانی اسطوخودوس سال زهر یک سه درم انیسون چهار درم

نکته

نمک مندی دو درم ایله فیتراوه درم غاریقون چهار درم کوشه و پخته  
 لبکچین بر شند شمرتی سه درم باب کرم **معجون قسط** اوجاع همه  
 و معده را نافع باشد **صفحه** در حینی سلخه قسط از هر یک سی درم فرفیون  
 انیسون ریونده جنینی کرم کرفس از هر یک ده درم سارون نه درم زعفران  
 هشت درم فلاح اذخر مر از هر یک پست چهار درم مر از هر یک پست  
 و او ویدیکر کوشه و پخته با سه چندان غسل صاف **معجون** سازند  
**معجون شمیری** فالج و لثوه و استرخاد امراض لغمی اناغ باشد و چون  
 بر عضو فلاج و مسترخی طراکت نماند نافع باشد **صفحه** انیسون فرفیون  
 چند پیدستر در حینی در فلفل سبب البیج زنجبیل زعفران  
 مسادی کوشه و پخته با سه چندان **معجون** که نفوس لغمی اذفع کند  
**صفحه** پوست هلیله زرد و سورنجان عاقر قرقاوند از هر یک پنج درم فلفل  
 سفید یک درم و نیم زیره کراتی هفت درم رسن چهار درم زنجبیل  
 دو درم انیسون نیم شقال کوشه و پخته با سه چندان شمرتی  
 دو شقال **معجون کسنگ** تونج را نافع باشد **صفحه** کسنگ کسنگ

چند تر از هر یک بخورد و سقونیا نیم جزو سقونیا را در روغن بادام بسایند  
 و یکسج را در عسل حل کنند و با یکدیگر سپا میزند و در او کوشه و بخت  
 بان بسپزند شربت می شود شقال **مخون جلقوز** عسل لبول اناض باشد  
**صفه** در خوریون چینی از خربلسان افیون سیلخه زعفران  
 و از چینی نظراسالیون کافیلوس از هر یک سه درم مغز جلقوز سه درم  
 نفع خشک خیم درم کوشه بعسل بسپزند و بعضی شمدانه است  
 کنند شربت می شقال بما العسل **مخون فیقی** شموات در روغن کند  
 و صناع را نافع باشد **صفه** ایارج فیقر او از دود درم پوست بلبله  
 کابلی پوست بلبله املاز هر یک دو درم ملح تبلی دو درم نیم کوشه  
 پنجمه بعسل مخون سازند شربت سه درم تا چهار درم در طبخ نمودند  
**مخون فودنه** در دمه و جگر و تبهای جنس اسود و ارد **صفه** فودنه  
 کوبی فودنه و شتی نظراسالیون سیالیوس از هر یک یک درم  
 شکر کرفس با بونه حاشا از هر یک چهار درم کاشمش پازره و درم طفل  
 سیاه جیل و چهار درم و در بعضی نسخها است و چهار درم مالکین

صفحه

مصفی بسپزند **مخون قمل** بادوبوسیر بادوبوسی که اندر روغن باشد  
 بشکند داماس مقعد که خون آید سو و ارد **صفه** بلبله کابلی خیم درم قمل  
 پنجاه درم قمل را در آب کشتند تا حل شود و در او بادبان بسپزند شربت  
 دو درم **مخون مالک لبول** که کو توالی که او را در روغن اناض باشد و سپندان  
 منی ابا زور و خاصه سپر از **صفه** اقا فیکلنار از هر یک سه درم صندل  
 سرخ و سفید عدد سه درم نقیب از زیره تخم حمض صمغ عربی طبا سیر  
 هر یک دو درم تخم مور و دو شقال خندک درم سو و پنجمه کباب بسپزند  
 شربت از وی خیم درم خندک بریان و قلند شک کناول کنند **مخون قمل**  
 اسهان بلغمی اناض باشد **صفه** افیون چند سه درم سیالیوس از هر یک نیم درم  
 ماسارون تخم کرفس بلبله افیون نسل الطیب کل رومی کلنا  
 مساوی کوشه و پنجمه با چندان عسل بسپزند شربت خیم درم ربیب  
 یا آب سرد یا آب سماق **مخون نفیث** امراض صنوبری اناض باشد  
 در نزد و فو کند **صفه** بنفشه مغز اولم شیرین از هر یک ده درم تخم کاشی  
 سه درم مغز خیار بن مغز تخم کدو سیلخه از هر یک خیم درم کبر الیکرم

اصول السوسن کدرم کرده و پنجه قند و کلاب معجون سازند شربتی کدرم  
 کلاب کرم کرده **معجون تبراط** نسیان با خولیا و صرع و بهن در برص  
 و اوجاع منفاصل دور و معده دوا الحیه و دوا الثعلب و دوا الفیل  
 و تقطیر العیون سرکه گندم و تب ربع دهمای بلغی و عسل العیون بوی اسیر  
 و برقان سدی و طحال اناج باشد و دفع غلظت سموم کند و در  
 قوت دهد و باه را از یابو کند و سنگ کرده و مشا نه بر زرد و حیض  
 بکشاید بوی دهن و بوی عرق خوش کند که گمانی زبان برود و صدمع  
 زایل کند و جمع ارض بلغم و سودای اسود دارد و پیر از انفاست  
 سفید بود **صفت** جسطیا تا قرمانا مار مشک تخم زنجشک حب الفان زرد  
 طول از هر یک یک مثقال انیسون چند پسته تر ج لبان عود و لبان  
 سلخه اسارون مصطکی از هر یک یک درم مروج در درج عقرنی از بنا  
 تخم کرفس تخم جرجر تخم ساز تخم کندا از هر یک دو درم صبر  
 ستوطری ده درم ترب سفید بست درم عود خام دو از ده درم  
 جوز بویار بود چینی قزقل قاقله با سه شنه سنبل الطیب عقرنی

استقین بریان کرده در زرب شطرح هندی فلیخه و آرسنی از هر یک سه  
 درم در ق کل سرخ بادنجبوید یک مغسول از هر یک بخدر رم سعد المخلب  
 از هر یک چهار درم بلبله سیاه پوست بلبله آله از هر یک شش درم کوشه  
 و پنجه بروغن بادام تلخ جربکینند و با سه جندان عسل سبزشند  
 در ظرف آگ بپزند و شش روز در میان جوینند شربتی از دو درم  
 تا چند درم **معجون** که نافع است از حبه در و معده کوطعام اتی کند  
 اصول الفخر سعدان که یک درم شنه بلبله نخل کند زانخواه از هر یک  
 نیم درم دانه همیز کفی زنجبیل و آرسنی بلخچه فودنه از هر یک انگلی و نیم  
 مصطکی عود خام از هر یک دو درم آنک فراخل ساک از هر یک انگلی نیم موز  
 را کوبند و قدری آب اضافه نمایند و شیر آن کبرند و بچوشانند تا  
 غلظت شود و ادویه دیگر را کوشه و جنت بدان سبزشند و هر روز  
 مقابل کباب و ام تناول فرمایند **معجون سینه** اسهال کهنه اوز حیرانافع  
 باشد **صفت** چند پسته اسارون میوه سیاه بلبله بنج کند  
 مساوی عسل معجون سازند شربتی دو درم تا سه درم **معجون فولاد**

اصول السوسن کدرم کرده و پنجه قند و کلاب معجون سازند شربتی کدرم  
 کلاب کرم کرده **معجون تبراط** نسیان با خولیا و صرع و بهن در برص  
 و اوجاع منفاصل دور و معده دوا الحیه و دوا الثعلب و دوا الفیل  
 و تقطیر العیون سرکه گندم و تب ربع دهمای بلغی و عسل العیون بوی اسیر  
 و برقان سدی و طحال اناج باشد و دفع غلظت سموم کند و در  
 قوت دهد و باه را از یابو کند و سنگ کرده و مشا نه بر زرد و حیض  
 بکشاید بوی دهن و بوی عرق خوش کند که گمانی زبان برود و صدمع  
 زایل کند و جمع ارض بلغم و سودای اسود دارد و پیر از انفاست  
 سفید بود **صفت** جسطیا تا قرمانا مار مشک تخم زنجشک حب الفان زرد  
 طول از هر یک یک مثقال انیسون چند پسته تر ج لبان عود و لبان  
 سلخه اسارون مصطکی از هر یک یک درم مروج در درج عقرنی از بنا  
 تخم کرفس تخم جرجر تخم ساز تخم کندا از هر یک دو درم صبر  
 ستوطری ده درم ترب سفید بست درم عود خام دو از ده درم  
 جوز بویار بود چینی قزقل قاقله با سه شنه سنبل الطیب عقرنی

اصول السوسن کدرم کرده و پنجه قند و کلاب معجون سازند شربتی کدرم  
 کلاب کرم کرده **معجون تبراط** نسیان با خولیا و صرع و بهن در برص  
 و اوجاع منفاصل دور و معده دوا الحیه و دوا الثعلب و دوا الفیل  
 و تقطیر العیون سرکه گندم و تب ربع دهمای بلغی و عسل العیون بوی اسیر  
 و برقان سدی و طحال اناج باشد و دفع غلظت سموم کند و در  
 قوت دهد و باه را از یابو کند و سنگ کرده و مشا نه بر زرد و حیض  
 بکشاید بوی دهن و بوی عرق خوش کند که گمانی زبان برود و صدمع  
 زایل کند و جمع ارض بلغم و سودای اسود دارد و پیر از انفاست  
 سفید بود **صفت** جسطیا تا قرمانا مار مشک تخم زنجشک حب الفان زرد  
 طول از هر یک یک مثقال انیسون چند پسته تر ج لبان عود و لبان  
 سلخه اسارون مصطکی از هر یک یک درم مروج در درج عقرنی از بنا  
 تخم کرفس تخم جرجر تخم ساز تخم کندا از هر یک دو درم صبر  
 ستوطری ده درم ترب سفید بست درم عود خام دو از ده درم  
 جوز بویار بود چینی قزقل قاقله با سه شنه سنبل الطیب عقرنی

اصول

این مجنون است در کسبی عجب است و خواص بسیار دارد  
در علاج و لقوه و صرع و غیره و در میان و عرق النسا و مفاصل لطیفی و  
جمع امراض بارده را مانع باشد و حفظ را زیاد کند و معده را قوت دهد  
دبانه را زیاد کند و سرعت انزال بسبب البول اوقع کند و هر آنرا  
مواش باشد **صفت** زعفران نخل در ارض نخل شجر مفسول است  
صلایه کرده کجا چینی مصطکی انیسون ماهی تقصیر بسبب  
قوفل در چینی صندل زیره کمانی سیاه و آنه تخم خوزه تخم کاسنی  
تخم خشخاش عاقر قرحا همین بلیه سیاه که با مرغان مردار  
استفته لسان العصاره تخم کرفس مغز بنیه و آنه تخم تا توره زهر گرفته  
بریان کرده و خطیبا نامیشتر است اعرابی زنجبیل مغز کجک مغز  
خودس مغز کندر رومی بابونه جوز براهله قاقله کما بلیه شطرح  
هندی آنخواه جوز هندی بلیون سبجه سبستوار هر یک در شغال  
استر غار مغز جلفوزه بهار گردکان حب السبل مندی خصیه  
الشعلب زرنجا و رازبانه بلادر زهر گرفته کجله زهر گرفته بریان کرده

صوب

انیسون زراوند طویل پانز عضل زراوند جرج شامه جرج از هر یک نیم شغال  
غشبه خالص مشک بطنی از هر یک یک شغال انیسون مصری چهار شغال در طول  
در قنقره از هر یک پنجاه عدد و قند سفید ربع اجزاء اصل صاف مقابل اجزاء  
فولاد و مکلس هر صد شغال در ازده شغال است و در متعارف مجنون  
سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند و طریق تکلیس فولاد است که فولاد  
جوهر در خالی از خاک بستند و صلا کیستند و هر پنجاه شغال فولاد  
پنجاه شغال کوکر و زرد صلا کی کرده آن خم کنند و در طول بریزند  
و در کوزه نهند و آتش در چند آنکه کوکر و تمام بسوزد و دو کوکر در  
سایه بعد از آن هر دو آورند و خوب صلا کی کنند و باز پنجاه شغال  
دیگر کوکر و با صلا کیستند و همان طریق در بوتنه بریزند و در کوزه نهند  
و آتش کنند تا کوکر و تمام بسوزد پس از بوتنه هر دو آورند و آب صبر  
سکه گنده که شقه صلا کیستند تا نیا صلا ای شود و بعد از آن آب  
بشوند تا تخم از او برود و پس آب بشوند تا شیرین شود و در آن  
نخک کنند و آب ترب صلا کیستند چند آنکه چون آب بریزند

ان

تغذیه در روزی یک بار  
تغذیه در روزی دو بار  
تغذیه در روزی سه بار  
تغذیه در روزی چهار بار  
تغذیه در روزی پنج بار  
تغذیه در روزی شش بار  
تغذیه در روزی هفت بار  
تغذیه در روزی هشت بار  
تغذیه در روزی نُه بار  
تغذیه در روزی ده بار

صفت اوردن صفت  
باقی برده و در مکه  
دو هفته بعد در صبح  
دو سه روز خوردند  
در وقت خواب خوردند  
در وقت بیدار خوردند  
در وقت اول خوردند  
در وقت دوم خوردند  
در وقت سوم خوردند  
در وقت چهارم خوردند  
در وقت پنجم خوردند  
در وقت ششم خوردند  
در وقت هفتم خوردند  
در وقت هشتم خوردند  
در وقت نهم خوردند  
در وقت دهم خوردند

پیل گفته که از  
با یکدیگر میل فرمود  
تا روز

**مجموع جویبندی** ترکیب مولانا عماد الدین محمود و جبهه تقوی باه  
در معده و دل و دماغ و جگر و کبد و شش و سینه و کمر و زردی و زخمی  
بدن یک کوفتد بوی و آن خوش کند و نافع بسیار دارد **صفت** پنج  
چینی اعلا نگاه مشقال مردارید با سفته صلیبیه کرده و مشقال شمشاد و  
مشقال بونید چینی استیمون رومی از هر یک سه مشقال سنبل اهل  
از هر یک سه درم مصطکی عود خام با پیشتر اعرابی و غیر آن مشقال غیر  
از هر یک دو درم سکه صید او رو میان از هر یک سه مشقال آرز چینی  
قرنفل فلفل زنجبیل از هر یک دو مشقال جوز بوب آب سیاه از هر یک ده  
مشقال خضیه الثعلب پنج مشقال تخم که در تخم شلغم همین  
جنک برنج از هر یک سه مشقال بوزیران سورنجان از هر یک دو درم مشقال  
ده درم کبابه خوجان مصری قسط شیرین از هر یک دو درم تودی  
تودی زرد از هر یک سه مشقال سعد کوفی دو درم ورق منشط سس  
اودیه حب سبوع را کوفته و بخته کا در زمان باد بخوبی کل سرخ دو ال از هر  
یک ده مشقال جوشانیده صاف کرده آب آن نگاه دارند پنج خوزه

تکر

در این کتاب از ترکیب زنده معجون مسیحی قرفه پنج مثقال خونجان کبابه چینی در مثل  
 جوز بود از هر یک سه مثقال قافله کبابه قافله صغارا از هر یک سه درم و نیم مثقال  
 درق قرفه از هر یک سه مثقال کافور بان با در نیمه بود از هر یک پنج مثقال سیل  
 اشنه از هر یک چهار مثقال ساوج زنجبیل و آرد چینی فلفل از هر یک  
 دو مثقال پوست ترنج سه مثقال کل سرخ چهار مثقال حدیث مثقال  
 خصیه الشعاب به اسان العصاره از هر یک سه مثقال عنبر اشبه  
 دو مثقال العنکب مثقال مشک نیم درم و آرد کبابه از هر یک مثقال  
 درق طلا و نقره از هر یک نیم مثقال جز و غمست مثقال قفل  
 دو وزن اوویه **معجون الباه** از ترکیب مولانا فخر الدین شیرازی  
**صفت** بهنین خونجان از هر یک بخمد در زنجبیل سه مثقال نیمه اشبه  
 شاقول تووری زرد تووری سفید از هر یک پنج مثقال خشک مرئی و درم  
 جوز بود و درم عنبر بود ام فندق از هر یک ده مثقال زعفران  
 سه درم کافور بان پنج مثقال به اسان درمی عنبر اشبه یک درم و درق  
 الجبال سه مثقال شیر کوه سفید جوشانیده صاف کرده غسل بقوم

در این کتاب از ترکیب زنده معجون مسیحی قرفه پنج مثقال خونجان کبابه چینی در مثل  
 جوز بود از هر یک سه مثقال قافله کبابه قافله صغارا از هر یک سه درم و نیم مثقال  
 درق قرفه از هر یک سه مثقال کافور بان با در نیمه بود از هر یک پنج مثقال سیل  
 اشنه از هر یک چهار مثقال ساوج زنجبیل و آرد چینی فلفل از هر یک  
 دو مثقال پوست ترنج سه مثقال کل سرخ چهار مثقال حدیث مثقال  
 خصیه الشعاب به اسان العصاره از هر یک سه مثقال عنبر اشبه  
 دو مثقال العنکب مثقال مشک نیم درم و آرد کبابه از هر یک مثقال  
 درق طلا و نقره از هر یک نیم مثقال جز و غمست مثقال قفل  
 دو وزن اوویه **معجون الباه** از ترکیب مولانا فخر الدین شیرازی  
**صفت** بهنین خونجان از هر یک بخمد در زنجبیل سه مثقال نیمه اشبه  
 شاقول تووری زرد تووری سفید از هر یک پنج مثقال خشک مرئی و درم  
 جوز بود و درم عنبر بود ام فندق از هر یک ده مثقال زعفران  
 سه درم کافور بان پنج مثقال به اسان درمی عنبر اشبه یک درم و درق  
 الجبال سه مثقال شیر کوه سفید جوشانیده صاف کرده غسل بقوم

در این کتاب از ترکیب زنده معجون مسیحی قرفه پنج مثقال خونجان کبابه چینی در مثل  
 جوز بود از هر یک سه مثقال قافله کبابه قافله صغارا از هر یک سه درم و نیم مثقال  
 درق قرفه از هر یک سه مثقال کافور بان با در نیمه بود از هر یک پنج مثقال سیل  
 اشنه از هر یک چهار مثقال ساوج زنجبیل و آرد چینی فلفل از هر یک  
 دو مثقال پوست ترنج سه مثقال کل سرخ چهار مثقال حدیث مثقال  
 خصیه الشعاب به اسان العصاره از هر یک سه مثقال عنبر اشبه  
 دو مثقال العنکب مثقال مشک نیم درم و آرد کبابه از هر یک مثقال  
 درق طلا و نقره از هر یک نیم مثقال جز و غمست مثقال قفل  
 دو وزن اوویه **معجون الباه** از ترکیب مولانا فخر الدین شیرازی  
**صفت** بهنین خونجان از هر یک بخمد در زنجبیل سه مثقال نیمه اشبه  
 شاقول تووری زرد تووری سفید از هر یک پنج مثقال خشک مرئی و درم  
 جوز بود و درم عنبر بود ام فندق از هر یک ده مثقال زعفران  
 سه درم کافور بان پنج مثقال به اسان درمی عنبر اشبه یک درم و درق  
 الجبال سه مثقال شیر کوه سفید جوشانیده صاف کرده غسل بقوم

آردند و کربان بپرشد **مجموع سنجری** آب پارس سفید کبطل الکین  
 بکطل هر دو را بر آتش زخم بجوشاند تا نیم قوام شود و مدت یک هفته از آن  
 هر روز سی درم تناول کنند قضیب با قوت دهد و منی بفراید **مجموع**  
**الحمد** جهت قوت باه نامت ابی که هست آن آهن ادران بود  
 میکند نیم من سیر پاک کرده ده استار داخل کرده بجوشاند تا سخته  
 شود و بعد از آن آب اصفان کنند و سیر را بنیازند و فضل  
 در نجیل بسا سه لسان العصفور فضل از هر سی بیج عود  
 از هر یک ده درم در فضل خردم زعفران مشک نیکدم همه جدا جدا  
 بگویند و نرم بنزند و اصل آن آب کنند و نرم نرم آتش میکنند  
 تا آب همه در دانه را بخورد و بعد دو وزن در دانه آب حل  
 داخل کنند و بجوشانده و خرد کند و در ظرفی کنند و هر روز از آن  
 بنوشند تا کلام تناول نمایند و نفعست **مجموع سنجری** ترکیب سنج  
 ابو علی شهور است بقرص سنجری فواید بسیار دارد و مقوی است  
 بگردن و معده را قوت دهد حافظه را بفرماید و باضم طعام با

دقت

دقت بجز نرید و قوت سمع ز یاد کند و نگاه دارد **صفت** سنبلیله شغال  
 بسا سه خوز بوا قاقا صغار زنجبیل در آتش قند لعل زعفران بهمین  
 عود الصلیب مصطکی از چیل ساوج هندی از هر یک شش مثقال  
 ششم معصوم شغال ششم مانی هر دو شش مثقال زیزه کربانی نیم  
 تخم کدو از هر یک سه مثقال خنبر بادام شیرین مغز پسته مغز سر  
 کجشک از هر یک شش مثقال بوزج قند سفید از هر یک سه مثقال  
 عمل صفت سه وزن او و یک مقدار شربتی دو مثقال **مجموعی** که نفعست  
 کند و قافی را کبابی باشد **صفت** کزبره بسا سه درم در دانه کدو  
 نیم طباطبائی سفید کدو کوشه و بخت شرباب سبب شربتی  
 بشفال او درم شرباب **مفرجی** که مقوی قلب و باه و معده است  
**صفت** مرداریدنا سفته شغال لعل چشمالی فیروزه شالی بوی  
 لب کبریا حجر الهیود مشک خالص از هر یک دو مثقال عود و هما شغال  
 پوست نیرب سه دو مثقال پوست آترج سه مثقال قند لعل دو  
 مثقال قاقا قندهار شربتی درونج از هر یک سه مثقال بهمین دو

مشقال زنجبیل خولجان فلفل و زعفران از هر یک دو مثقال اسرار درین  
سرخ و سفید و دال از هر یک سه مثقال خضیه الثعلب دو مثقال شاقول کلنج  
از هر یک سه مثقال طباشیر دو مثقال صطکی نیم مثقال قسط شیرین  
دو مثقال تخم کاسنی سه مثقال قرقع از هر یک دو مثقال  
فرغیون بک مثقال حمامه مثقال بذر البینج یک مثقال تخم فرخ یک دو  
مشقال فیون زعفران از هر یک دو مثقال پس سردن ادویه  
سیصد و سی مثقال باشد **مجموع رسن** که بزبان هندی بی رسن  
گویند **صفه** پشک بک مثقال نیم فلفل دو مثقال زنجبیل بک مثقال نیم عاقر  
قرقع یک مثقال بوزنج یک مثقال اسل سردن ادویه و سیصد و سی مثقال کل  
و احد از ادویه یک مثقال نیم باشد می باید که هر یک از دارو ها کوفته و بخته  
بستور عین کنند **مجموع** بقوی الباه و بطیب النفس و لیخن  
البدن و یفتح الرج من المعد و من برد الکلی و یزید الحفظ **صفه**  
در جنبی اربعه مثاقیل قسط علود سبیل اربعه مثقالی کرک مثقال شقا  
رازیانج در جنبی است و نفع با بس و ورق صعفر و زنجبیل الیای

سلیخه من کل واحد اربعه مثاقیل ساج و فلفل فلفل اسود اسارین  
بزر بخره کروی یا قرضل خولجان شاقول من کل واحد اربعه مثاقیل نصف  
عاقر قرقع قاقله بزر اللغت بزر الخجل من کل واحد مثقالان سکنجبین  
لب الفسق لب اللوز حلغوزه من کل واحد عشره مثاقیل عود هندی  
مثاقیل مثاقیل شکر امض مثل المجمع عمل صنفی نصف الادویه  
**مجموع تندی** فواید بسیار دارد و نسخه مولانا عموالدین محمد بود  
**صفه** همین سرخ همین سفید از هر یک دو مثقال تودی سفید مثقال  
از هر یک نیم مثقال خولجان سه مثقال سورجان دو مثقال رزاق  
مدحج زرباد و درنج عقربی از هر یک سه مثقال خضیه الثعلب ده  
مشقال لسان العصافیر سه مثقال عاقر قرقع بوزنج از هر یک دو  
مشقال تخم حمیده دو مثقال تخم ترب نیم مثقال انجوره مثقال  
خشخاش سفید ده مثقال بذر البینج نیم مثقال کچھد مثقال مغز تخم  
فرزه مغز تخم خیارین از هر یک دو مثقال حب الزلم حب السمینه  
حب القفل عود هندی از هر یک سه مثقال در جنبی سبیل از هر



هر یک پنجمش مال مصطکی سه شقال صدل سفید ده شقال زنجبیل فلفل در  
فلفل و فلفل سه شقال آن پنجمش مال جوز بود ده شقال دو اسکندریه  
بسیار پنجمش مال مغز بادام شیرین با نرود ده شقال مغز گردکان مغز  
پسته مغز فندق با زنجبیل از هر یک ده شقال مغز بنه و از تخم خرفه تخم کاسنی  
درق کل سرخ کشین خشک زرشک منقعی از هر یک پنجم درم آنکه پنجمش  
پوست بلبله پوست بلبله کابلی از هر یک ده شقال او در پنجویم پنجمش مال  
کاو زبان ده شقال طباشیر سفید سه شقال تخم کندنا تخم  
باز از هر یک پنجمش مال حب النیل سه شقال آب پیس سرخ اعی پنجمش مال  
سکه صید پنجمش مال رو بیان ده شقال خایه غروس پنجمش مال مغز  
سرخ خشک پنجمش مال حلیث پنجمش مال بوزیدان سه شقال زعفران  
پنجمش مال آب نار شیرین آب سرد و بخی از هر یک صد شقال آب  
سبک لطای دو دست شقال آب بر شیرین صد شقال  
کلاب نیم عرق پد مشک نیم من عنبر استیث و شقال مشک  
دو شقال قند سفید و نبات و عمل سوزن او و **مجموع زلیب**

مجموع

مصر و رانغ باشد **صفت** پوست بلبله کابلی پوست بلبله زرد پوست  
بلبله آنکه پنجمش اسطوخودوس از هر یک ده درم عود الصلیب پنجم  
عاقه قرعاه درم سوزنی کبرطل او و دیگر گوشه پنجمه با بوزیدان پنجم  
سازد شترتی پنجم درم **مجموع سیالیون** همین خاصیت دارد **صفت**  
سیالیون عاقه قرعاه اسطوخودوس از هر یک ده درم غار یقون  
سندرم فروما اعلیت زرا و نرود حرج از هر یک ده درم گوشه پنجمه  
بکنجین عضلی اسب بر شند شترتی پنجمش مال **مجموع لبان** نیاز را  
نافع باشد **صفت** کندر و جسد از هر یک ده درم فلفل زنجبیل از هر یک  
پنجم درم گوشه پنجمه اسب بر شند جسد شترتی پنجمش مال **مجموعی** که منع  
مستی کند **صفت** شاخ بز بخت مغز بادام تخم کربن و نرود کوهی  
نمخ نطفی سداب ناخواه مسادی گوشه پنجمش مال **مجموع** از نرود **مجموعی**  
که سلس البول ابا زوارد **صفت** کلنارده درم کندر بلوط از هر یک ده  
درم سعد گردیا از هر یک پنجم درم گوشه پنجمه پنجمش مال **مجموع** سازند  
**مجموع دیگر** که همین خاصیت دارد **صفت** شاه بلوط هفت درم



با تندی متقی بچو شانه و بقوام آورند و در او را که کوشه و چخت بان مشربند  
 شربتی بمشقال **مهم سورا شک** شجر فوم الاغون سفید است  
 قلع نرک هوه خوبه سوم از هر یک دو مشقال و عن کجی بمشقال  
**مفرج یا قوتی** نقل از خط خان احمد جیلانی **مشقه** یا قوت ربانی  
 بمشقال یا قوت زرد بمشقال یا قوت کجی و بمشقال لعل جزین  
 سه مشقال مردارینا سفته بمشقال عقیق سرخ دو مشقال شب  
 دو مشقال کبریا شمع دو مشقال بپ متخلخل دو مشقال شمع  
 مفسول دو مشقال ورق طلا سی عدد و ورق نقره چهل عدد و عود  
 قماری بمشقال نادر حیوانی سه مشقال جودا و جرب و مشقال زنبار  
 حلول سه مشقال عنبر اشهب دو مشقال مشک خالص سه مشقال الزم  
 مقرض چهار مشقال مصطکی بولوی ده مشقال زعفران ده مشقال  
 پوست اترج سه مشقال پوست پسته ده مشقال درختی سبیل  
 الطیب بمشقال همین از هر کدام بمشقال طباشیر بمشقال روغ  
 عفرنی بمشقال قرفنج مشقال ساوج اینچ مشقال شمع زنجشک چهار

معال

مشقال ورق بادرنجبویه بمشقال شمشاد بادرنجبویه بمشقال کلخ مشقال  
 زرشک متقی بمشقال آب فواکه شیرین و قند محمودی ترکیب ازند  
**مفرج بارود** خفقان حار را نافع بود و در لاقوت و در **مشقه** کلخ  
 طباشیر همین سفید کاذب ان کشته خشک بریان کرده و صندل  
 سفید از هر یک یک درم تخم خیارین مفرج که در از هر یک چهار درم تخم  
 خرفه بازده درم زرشک متقی شش درم مردارینا سفته کبریا عفران  
 کافور از هر یک نیم درم نبات مصری صد درم نبات ادرعرق پید  
 مشک یک درم و باخچه مشقال آب سیب بقوام آورند و در او را کوشه  
 و چخت بان بپوشند **مفرج بارود** بنسخه دیگر **مشقه** مردارینا سفته  
 بسد سوخته طباشیر کبریا کاذب ان کل از منی از هر یک دو درم و عفران  
 جنائک رسیم است **مفرج و دکفای عقیق** خفقان و ضعف از ازال  
 کند و فطاد آورد هر چهار متر **مشقه** همین سرخ و سفید خردم  
 پوست هیل کابی پوست پروان پسته ترنج ابریشم خام  
 مقرض مردارینا سفته از هر یک دو درم کاذب ان شش اهنه

با در بنویس از هر یک ده درم کشت نیز خشک طباشیر از هر یک سه درم بسبب کبریا  
در بنیاد و در روخ رودی از هر یک یک درم عود خام کبشقال آب انار آب  
آب حمض آب زرشک از هر یک ده درم قند سفید و شکر سفید  
از هر یک صد شقال بهار با قند و شکر بت بگوام آوردند و در دانه ها کوشه  
و نخته بان بسبب شند **مفرج و ککشی** که خفتان و صغف لرا که از روی  
بود و در او **صفه** پوست ترنج کل سرخ با در بنویس که در زبان مفرج  
شخ خیارین از هر یک یک درم همین سرخ و سفید از هر یک دو درم نیم  
بیلکه یا مغز بادام خشک سفید کفنی مقش از هر یک سه درم غفران  
و در درم دار چینی سه درم نیم شکر کفنی کبک کبک کبک کبک کبک کبک  
بادام خشک نبات مصری و ترنجبین از هر یک نیم نبات ترنجبین  
را در کلاب تل سازند و بگوام آوردند و در دانه ها کوشه و نخته بان بسبب شند  
**منزج و ککشی** با در طباشیر همین کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک  
از هر یک کبشقال صندل سفید کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک  
است درم زرشک بی فانه و درم زرشک کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک

مکرم

نیم درم پوست پرند پسته یک درم قند سفید کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک  
مشقال مطبق مهور معجون سازند **منزج** به نسخه دیگر در دانه ها کوشه و نخته  
را قوت دهد و منی هم فراید و شتهای طعام و جماع آورد و دانه ها قوت  
دهد **صفه** ترخه کا و زبان با در بنویس کل سرخ از هر یک یک درم غفران  
کبابه چینی قرص سبیل قله کبار قاقله صغار جوز بو آختر زرشک  
مصطکی پوست ترنج کل ان العصافیر با در از هر یک سه درم نیم  
چهار درم هر دو درم با در بنویس ساج سعد کوفی غبر اشهد از هر یک دو درم  
ترنجبین و غفران از هر یک یک درم خصیه الشدب و درم مشک زرشک کبک  
نقره محلول از هر یک نیم درم لعل کبر باب از هر یک یک درم غر و غفران  
سی مشقال اصل و در زن او دیم معجون سازند چنانکه رسم است **منزج**  
**رشیب** لعل و با در از هر یک یک درم غفران سی مشقال غر و غفران  
و مشقال قند سفید نجا مشقال قند را در کلاب که از نند و بگوام آوردند  
و در دانه ها کوشه و نخته بان بسبب شند **مفرج** که خفتان و صغف لرا که  
راناغ باشد **صفه** ساج سعد ناخواه و دالانیون نیم کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک کبک

فرجشک از هر یک سه درم سنگ عفران از هر یک یک درم با درنجوبیه درم  
 مرداریدنا سفته بسد از هر یک پنجم درم عصاره قهقهه شش درم  
 پوست ترنج درم دو درم کاو زبان هفت درم کوشه و نخته باب شش درم  
 جوشانیده معجون سازند شربت سه درم **مرای هیله** معده را قوت دهد  
 و با صمغ را قوی گرداند و طبع را نرم کند و بواسیر را نافع بود و بهر  
 راتی که در اندرون بسیار زایل کند و جوان نگاه دارد **صفت هیله**  
 کابلی بزرگ صد عدد و در ظرفی قمشند و چندان آب بر سر آن ریزند  
 که آنرا بپوشاند و خاکستر پاک نگاه درم بر سر آن کنند چهار روز  
 آب خاکستر را تغییر دهند هر روز یکبار پس بشویند چنانکه پوست  
 از جدا شود و در رو یک کنند و آب صاف بر او شست بریزند یک  
 کف جو مقشر مخلو قهقهه اضافه آن کنند و جوشانند تا جو نخته شود  
 پس هر دن آورند و در کبابه بست و شویند و هر هیله را ده روز  
 بزنند و در ظرفی قمشند و چندان عمل بر سر آن ریزند که آنرا بپوشاند  
 و پوست روز بگذارند و بعد از آن هر دن آورند و آن عمل نگاه

دارند و یک غسل تازه بر سر آن کنند و ده روز دیگر بگذارند و بعد از آن  
 با غسل اول دویم جوشانند تا بقوام آید اگر این دارو باد آید کنند  
 بهتر باشد قهقهه و زعفران و زنجبیل جوز بوم مصطکی عود خام از هر یک پنج  
 شقال شاک نیم درم زعفران یک شقال در ظرف جنبی قمشند و بعد  
 از غسل روز سه شغال کنند **مرای شقال** باه را قوت دهد و معده را  
 تمام آورد و مثانه را سود دارد **صفت هیله** یک شمانه روز در آن آب  
 بریزند یک شمانه روز دیگر در آب تازه نجیسانند با آن یک بار بریزند  
 و یک روز دیگر در آب تازه جیسانند بعد از آن مقشر کنند و جوشانند  
 تا نیم نخته شود و آنجا عمل صاف بر سر آن کنند و بعد از غسل روز  
 سه درم **مرای بالنگ** معده را قوت دهد و مزاج آورد  
 پوست ترنج را در رو یک کنند و با آب جوشانند تا نیم نخته شود  
 و پرون آورند و بقیشارند و غسل صاف بر سر آن کنند و با آن  
 نرم جوشانند تا بقوام آید و اگر نقیده نخواهند چمن ع اما مری  
 هیله و با آنک شقال در حوض رو کردگان بعسل بهتر باشد و مرای مفر

دالودید سبب اسال آن بقصد **مریخی** باه را قوت دهد و سینه  
نرم کند و پشت محکم کند **صفه** کز بزرگ رنج استند پاره  
کنند و میان آنرا بنندازند و در آب غسل بچوشانند تا بخته شود و بعد  
از آن پرون آورند و در غسل اندازند آنک بچوشی به بندد و در ظرفی کنند  
و بعد از غسل روز تان اول کنند **مریخی** که دره و مشانه و معده  
بارده را نافع باشد و بول براند و تهامی لغی اسود دارد و باه را زیاده  
کند **زنجبیل** از آن خوب در زیر یک گشتند و دست روز هر روز  
آب بر آن بریزند بعد از آن پرون آورند و بشویند و در شیشه ریخته  
کنند و آب غسل بچوشانند تا بقوام آید **مریخی** که در کان معده را قوت  
دهد و باه را زیاده کند سبب تا آنکه در کان تازه که هنوز صلب شده  
باشد و پوست از وجه آنستند و آب غسل بچوشانند تا بقوام  
آید **مریخی** و **وج** قویجی و فایج و صرع را نافع باشد و ج ترکی نریز  
سه شبانه روز در آب بچپانند بعد از آن پرون آورند  
و در آب غسل بچوشانند تا بقوام آید **مریخی** **هندوانه** حرارت را

دفع

دفع کند و شکر نکی بنیاید بستاند پوست همدواند و بنری از ترش  
سه روز در آب آب یک بچپانند روز چهارم در نمک آب چپانند  
و یک شبانه روز دیگر در آب شیرین بچپانند پس پرون آورند  
قدری آب قدری غسل بچوشانند تا نیم خفته شود پس پرون آورند  
و بنهند تا آب از او برود و دیگر باره در غسل اندازند و بچوشانند  
تا بقوام آید **مریخی** که در سینه و شش و مشانه را نافع باشد **صفه**  
کدوی تازه بچپانند و مغز آن بنندازند و پاره پاره گشتند و باه  
و غسل بچوشانند تا بقوام آید **مریخی** که در **صفه** دفع کند و تب  
زایل گرداند و محرور مزاج را مواش باشد **صفه** که در صندی را از جوب  
دانه پاک کنند و در کتاب چپانند یک ساعت و بعد از آن قند  
را بقوام آورند و تمر بر رویش بریزند چون بچوشن زنده فرزند گیرند  
**مریخی** **سعد** و در آن نافع باشد **صفه** سبب پوست باز کنند  
دوانه پرون آورند و در آب بچوشانند تا نیم خفته شود پس باه بقوام  
آورند **مریخی** **سعد** صفت مریخی به مثل مریخی است اما

سبب درست را هر کی کنند و بنشین معده را قوت دهد و قوی و  
غشیان همیضه فواق و در خواب که رانفع باشد **سبب** آب بر  
ترش چهار من شراب بجای نداشت من عمل مصفی در من مجموع  
را در دیک بزنده زنجبیل مصطکی قاقله کبار و صغار در حسنی و کبابه  
قرنفل از هر یک هفت درم زعفران سه درم همه اینم کوفته کنند  
سوی زعفران و در کبسه ریزند و در آن اندازند و بجوشانند در زمان  
زمان کبسه ابلانند تا شیر تمام باز دهد زعفران ساییده اضافه  
نمایند و بقوام آورند **العسل** معده را قوت دهد و در آنها  
آرد و بول براند و مفاصل و امراض بلغمی رانفع باشد **صفت** عسل  
یکجز در آب درخورد و بجوشانند تا لثی برود و وولث بماند و اگر  
مقوی خواهند در حسنی خوبان زنجبیل مصطکی زعفران آن جوز  
بسایه کوفته و بخته بقدر جهت بیاج اضافه نمایند **مالجین**  
مالجولیا و یرقان و جرب و کفک امراض سودایی رانفع باشد و  
صفر ابرانده با نشتیون مهمل سودایی باشد **صفت** بز سرخ جوبان

سج

صحن البیدان که چهل روز از زائیدن او گذشت باشد چند روز کشیدند  
یکتا هو یکا کاسنی یا از زائیده آرد و جوب علف یا شتره آزه بدیند بعد  
از آن دو رطل شراب بر او بتانند و در دیک سنگین کنند بپوش نرم  
بجوشانند و چون بپوشش بنزد رطل سنگین صادق مخصوصه بر آن  
ریزند و جوب کچر پوست کنند و کجیب بنانند تا به بز و پس از آن  
فرد کینه در کرباس اندازند و سپا در زائیده آب آن بکشد آن بسایه  
بگیرند و در کرباسه بجوشانند و کف بر او ریزند و با کجیب بنوشند  
هر روز یک رطل بسایه چنانچه میان هر دو دفعه دو ساعت باشد  
بعد از نوشیدن چند کام برود **الاصول** نفوس ادجاع  
مفاصل بلغمی و سودایی رانفع باشد **صفت** پوست کرفس پوست  
کج کاسنی اصل السوس خطمی از هر یک ه درم تخم کاسنی از زائیده  
و تخم کرفس سورجیان زیزه کرمانی ناخواه از هر یک چهارم کچر زرد سوز  
منقی بست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کرده  
هر روز سی درم با ده درم کشکرت بنوشند **الاصول** بار دوا و جاع

مفاصل حار را نافع باشد **صفحه** عناب پستان از هر یک سی عدد  
 پوست خج کاسنی پوست خج از زیانه از هر یک ده درم تخم کاسنی  
 در زیانه از هر یک نخدرم سورنجان سه درم در سه رطل آب بپوشند  
 تا به نیمه آید و صاف کنند هر روز سی درم باده درم کلقته بنوشند  
**ماء الاصول** یک لقمه دفع الجذام و صرع و حصبه امراض لغمی سودایی  
 نافع باشد و سنگ کرده و مثانه بریزانند و سده و جگر و سینه بپوشاند  
 دستقدا و اجاع مفاصل اسود دارد **صفحه** پوست خج کرفس  
 پوست خج از زیانه از هر یک ده درم پوست خج کبر خدرم تخم کرفس  
 انیسون از زیانه خج او خرا از هر یک چهار درم حب لبان سارون  
 دو درم سیخه قطبیا ناز هر یک دو درم و نیم عود لبان بوزیدان  
 هزاره خن از هر یک سه درم سوز منقی است درم در دو رطل  
 بپزند تا بکین آید و بهالانند شربتی سی شقال باد و شقال روغن  
 بیدانچر و خدرم روغن بادام **ماء الاصول** دیگر سده جگر  
 و سینه بپوشاند در بوه معده و جگر و سینه بپوشاند لغمی

نصفه

نافع باشد **صفحه** پوست خج از زیانه هفت درم خج او خرا و فصاح او خرا  
 از هر یک بخدرم سبیل صطکی از هر یک یک درم و نیم فوه کبک شقی عود  
 لبان از هر یک سه درم پنجه ده عدد سوز منقی است درم در سه  
 رطل آب بپوشانند تا به نیمه آید و صاف کرده هر روز جبل درم بپوشند  
 روغن بادام تلخ و یک درم روغن بادام شیرین بپوشند **ماء الزور**  
 باد بپوشاند و خراط غلیظ را وضع کند و فو لیسج در استقایی طیبی  
 نافع باشد **صفحه** ناخواه کاشم زریه کرمانی کرد با صفت شونیز هر یک  
 کنفی در سه رطل آب بپوشانند تا پاک رطل آید و صاف کنند در صبح  
 و شام است درم از ان با سه درم روغن هند پنجه نوشتند **طبیعی**  
**هلیله** اسهال صفا کند **صفحه** پوست هلیله روغن شقال کوی  
 سیاه است دانه پستان می دانه شاهترج رسنا می از هر یک  
 پنجم درم کلخ چهار درم عناب ده عدد تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک  
 ده درم غلب اصل السون خش نیلوز از هر یک سه درم در سه رطل  
 آب بپوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند در شربت و قمر مندی



از هر یک هشتقال پنجین و مغز خیارشنبه بر وزن دوام جرب کرده  
 از هر یک پانزده هشتقال دران حل کرده بنوشند **مطبوع فواکه**  
 حیات حاره را نافع باشد و صفرا و فحش کند **صفه** سارگی هفت درم  
 بنفشه غیب الشعاب نیوفرا از هر یک سه درم عناب پستان آلوی  
 سیاه از هر یک هشت عدو کلر خ چهار درم در سه رطل آب بنوشند  
 تا بنیاید و صاف کرده تمزندی و شیر خشت از هر یک دو درم  
 ترنجبین هشت درم دران حل کنند بنوشند **مطبوع فستق**  
 معده گرم صغفرا نافع باشد **صفه** انستین پنجم کلر خ شش درم  
 تمزندی هشت درم ترنجبین سی درم کلر خ انستین را بنوشند  
 و صاف کنند تمزندی دران حل کنند و یک درم یازدهم  
 حب سائمه فرو برند و از عقب آن **مطبوع** بنوشند **مطبوع فستق**  
 صفرای سوخته د بلغم سودا را دفع کند و امراض سودا ای نافع باشد  
**صفه** سارگی هفت درم کلر خ هفت سیمون چهار درم درانه سینه  
 و پوست بیلکه زرد و بیلکه سیاه از هر یک پنجم کلر خ شش

و اصل السوس از زمانه از هر یک دو درم اسطوخودوس بر سیاه  
 شاهتره کا دربان با درنجبویه بنفش نیوفرا از هر یک سه درم بنوشند  
 پستان از هر یک سی درم در سه رطل آب بنوشند تا بنیاید و صاف  
 کرده کلقتند آفتابی ده درم مغز خیارشنبه بر وزن جرب کرده پنجین  
 از هر یک پانزده درم دران حل کنند بنوشند **مطبوع سورجیان**  
 اوجاع مفاصل را نافع باشد **صفه** سارگی هفت درم کلر خ  
 پوست بیلکه زرد پوست بیلکه زرد از هر یک چهار درم سورجیان  
 رازیانه تخم کرفس پوست پنچ از زمانه انیسون قنطاریون از هر  
 یک دو درم بر سیاه شان کا دربان با درنجبویه از هر یک دو  
 درم جوشانیده صاف کرده کلقتند هشتقال ترنجبین هشتقال  
 دران حل کرده باز خورد **مطبوع** **شادنج** کوبیده و شقایق مقعد  
 نافع باشد **صفه** شادنج مغسول کلر خ زمین لویه التیس از هر یک درم  
 انستین نیم هشتقال چهار حب عناب دو درم زعفران یک درم  
 زردن بنفشه دو درم در وزن کلر خ دوام از هر یک دو درم موم سفید

پنجم درم موم را در روغن بکند از نزد دارو پاک کوفته و چغندر بر آن  
 مزوج سازند و با ده درم شکر و خشان در باون نیک بمالند  
 تا مرم شود **مرم کاخوری** ترکیب لب مقعد و سورتش روغن  
 اشش با نافع باشد **صفت** مردار سنگ بخیل از زیر موم سفید  
 از هر یک پنجم درم روغن پست درم موم را در روغن بکند از نزد دارو پاک  
 کوفته و چغندر اضافه نمایند و در باون بسایند تا هموار شود  
 بکند از نزد خشک شود و یک غنچه تخم مرغ و قدری کافور در جمل  
 نمایند در موم سازند **مرم جراحی** که ناسور کهنه شده باشد  
 لخته بود و سخت بر روغن بزرگ مرم کنند و بر آن جرحت نمند  
 تا پاک شود و بعد از آن استخوان آدم را سوخته در ساییده بر آن جرح  
 بریزند و بجز لبست **مرم مسهل** که او را مصلبه اشش بخارزد  
 سرطان و سلعه نافع باشد و جرحت از گوشت مرده دریم  
 پاک کنند تا سوراخ اصلاح آید **صفت** جاوشیر زنگار و بارز و درم  
 از هر یک دو درم اشش موم کند زرد و از نطفه از هر یک یک درم

محل نقل

نقل مرده و سنگ از هر یک چهار درم موم و راسخ از هر یک ده درم روغن  
 زیت بکند و صغیرا در سر که حل کنند و موم را در روغن بمالند  
 تا مرم شود و او را مصلبه از موم کند و زخم را از هر یک پاک کند گوشت برود  
**مرم بلیقون** زفت راسخ موم سفید از هر یک پست مشقال از زرد  
 چهار درم روغن بیت پنجاه مشقال شجره هوه چوبه مشقال موم ادر  
 روغن بکند از نزد باقی آید در آن حل کنند و موم سازند **مصل**  
 گوشت نوبه و یاندر و جراحی خشک کند **صفت** مردار سنگ درم  
 صلیا کرده با ده درم موم و زیت درم روغن حل کرده قدری که  
 مرم سازند **مرم زنگار** لخمزاید را بخورد و در ریشهای کهنه بخورد  
 کند **صفت** زنگار دو درم صلیا کرده با موم علیک البطم و ریشخ از  
 هر یک پنجم درم درسی درم روغن زیت که خسته و در باون کنند  
 و پاکیزد موم از زردت کوفته و پنجه نیک بمالند تا مرم شود **مرم جلیقون**  
 او را مصلبه از موم کند و چغندر و اند **صفت** مردار سنگ درم  
 صلیا کرده با چهار یک روغن زیت در باون کنند و جوی کنند

تا زنگ بر داند از آتش فرود گیرند تا سرد شود پس بکنند لعاب جلاب لعاب  
زرنگ و لعاب ندر قطن ناد لعاب خطمی و لعاب مردان زهریک نگاه درم  
نیم گرم کنند و بر سر آن زیر بند بکشند نیم جوشانند و کفچه نهند  
تا غلیظ شود و سه روز بگذرد **درم سرطان سیاهی مهم الزنج** سرطان بخار  
را نافع باشد و در مایه نهند **صفحه** مردار سنگ بچندم کند رماز و  
اشق موم زهریک ده درم علك البطم و سرخ زهریک شت درم نیم  
گدازه خشک در روغن زیت بکند از بند آنچه باید کوفت بکوبند تا آن  
مخرد و کشتند و در آن بالند تا مرم شود **مهم سبب** گوشت  
مرد و بخورد و در سینه را بصلاح آورد **صفحه** مردار سنگ یک چهارم  
زفت روی بست درم علك البطم بچندم روغن زیتون نیم گرم  
سی شغال کدخت در روغن زیتون بکند از بند مردار سنگ  
صلایه کرده بر آن نهشاند و مرم سازند **مهم توتیا** حرمت  
تغییب است و در **صفحه** توتیا بست درم موم در نگاه درم روغن  
کل مرم سازند **مهم مصری** حرمت کوس اناغ باشد **صفحه** کتر

کنند

پوست سبب ده درم پوست غنچه ده درم ناروانه بریان کرده درم  
زعفران شاه بوطان زهریک بچندم سبب خاص سبب شترتی درم  
**جوارش کندر** اسهال تمنجی ز دارد و مسده اگر کند **صفحه** کند شترتی درم  
فلفل در فلفل زهریک و از ده درم زنجبیل خوخان زهریک و درم قطن حوز  
بوا زهریک بچندم سنگ نیم درم قند سفید شصت درم کوفته خشک بعل بشند  
**جوارش تخم زنی** طعام اضم کند و اسهال باز آورد سبز بکند از کوی  
که نیم استقا بر نافع بود و در اول کف **صفحه** قسط قره سنبل حب سبب  
سلیخه زهریک رمی جو بربوا قاطله کما قرفل انیسون کللیل المکک شطرح اوشک  
هریک چهار درم سبب با سه درم عرق زهریک درم روغن حینی زراوه  
مدحرج است زهریک بچندم بلبله سیاه پوست بلبله کابلی روغن زیت  
بریان کرده از زهریک بست درم بلبله ده عدد و حب لاس بوزن حمل از ده  
نبات دو وزن او و در کتاب بکند از بند و بقوام آورند و در او کوفته  
چخشه آن سبب شدند و بعد از ده استعمال نمایند **جوارش طباشیر**  
تب اسهال صغری ای نافع باشد **صفحه** طباشیر سفید حب لاس

بوارش انفاق  
چته تقویه سلا و حق  
و دماغ و کوفه سفید  
سیرین را  
کبرطلو سیرین را  
از تخم کبک با شرب  
سکائی کبک نند  
تا میرا شود از زردین  
سرون کتفه با بنیم  
رطل شک سفید و نیم رطل  
عمل بقوام آورند  
نقل در رطل  
از هر یک ۱۰ مقال  
زعفران ۵۰ عودندی  
۵۰ م کوفه پنجه برشند

کل سنج از هر یک دو درم تخم حاض صمغ عربی از هر یک هفت درم کلنا  
سماق عصاره لجنه التیس از هر یک شش درم زعفران زنون از هر یک  
دو درم کوفه پنجه کلاب برشند شربتی به درم **جوارش ساق**  
اسهال صفراوی با زرد ۱۰ **صفحه** سماق پست درم حب لاس ده درم زرد  
سی درم صمغ عربی کلنا زردانه از هر یک پنجم کوفه پنجه با بنیم زرد  
دیگر باره کوفه شربتی سه درم **جوارش انجدان** قریح کبک سید و باد دفع  
کنند و جتا حاض اناغ به شد **صفحه** فضل و فضل از هر یک پنجم  
ایر سا زنجبیل از هر یک شش درم میسون مصطکی را زینا زانخواه تخم کرفس  
از هر یک دو درم انجدان با زرد درم کوفه پنجه پخت لعسل برشند شربتی  
دو درم **جوارش نارنگ** طبع از هر یک کند و قویح کبک به **صفحه**  
جز بوا کیدرم قاقه در چربی از هر یک دو درم نارنگ فضل از هر یک  
درم در فضل پنجم زنجبیل شش درم مقونیا پست درم نبات طی  
کوفه پنجه لعسل محکم از شد شربتی از کیدرم تا سه درم **جوارش دیکر**  
که اسهال صفر اکنه پی نقت عود حاض مصطکی از هر یک کیدرم تر برف سفید

درم مقونیا پنجم کوفه پنجه پخت لعسل برشند شربتی پنجم **جوارش ساق**  
بواسیر در درمی معده دهمی رضم را نافع باشد و با دای غلیظ را دفع کند **صفحه**  
بسیاسه قرقه قاقه صفرا زنجبیل در فضل در چربی سارون از هر یک درمی  
قاقه کبار پنجم فضل دو درم فضل کیدرم پنجم کوفه سفید پست درم کوفه  
پنجه لعسل برشند شربتی کفحال **جوارش سفلیا** ریزه بعضی  
بواسیر را نافع بود **صفحه** تخم تره تینک بیان کرده زیره کرمانی بر از هر یک  
کیدرم مصطکی شش درم بلبله کابلی روغن کلاب بیان کرده درمی کوفه پنجه  
کلاب برشند **جوارش شمش** معده را قوت دهد و شوات رود  
زنان طاهر را دفع کند و زکام کوبد و اندوشت تمامی طاهر آورد **صفحه** زرنیا  
کرم کرفس زیه کرمانی با خواه از هر یک دو درم کیدرم پنجم فضل  
فضل در فضل قاقه در چربی از هر یک سه درم شکر طبر زرد و نود شقال کوفه پنجه  
کلاب برشند **جوارش** که حفظ زیاد کند **صفحه** زنجبیل انخواه از هر یک دو درم  
شوغر بلبله کابلی از هر یک پنجم کوفه پنجه پخت لعسل برشند شربتی کفحال  
**جوارش ساق** تنقیه معده و در نسلت کند تر بر سفید درم زنجبیل

جوارش بلادی  
چته ریح کوبد و رقیقه باه  
و بعضی نبات نافع  
در مانی بر درین است  
زنجبیل ده کنار نقل  
سه رستا رطیح بند  
دو رستا شقال کفحال  
فانید ۴۰ صد و پنجاه م  
منزله کاب سفید ده م  
کیدر سفید گم ده م  
بلادرده عدد در سکه  
و غیر روغن کد خندان  
دست مالیده که حوض  
حل شود صفت عوده  
او درم بان رسته که در سکه  
بلور زردی عمل فایده بقوام  
آوردند برشند

قند سفید پانزده درم شربتی درم جو ازش شکر با آن به نسیج دیگر  
 قریح کبکاید و فسلک ت رویه دفع کند و معده را قوت دهد **صفحه** فلفل  
 زنجبیل زیره کرمانی سداب بوره ارضی خوبان قرضه از هر یک درم نیم نیم  
 درم عمل عمل درم شربتی یک درم نیم تا سه درم جو ازش قریح **صفحه**  
 کرده و شانه و معده را نافع بود و بادای غلیظت کند و خلط غلیظ را  
 دفع کند **صفحه** دارچینی خود هندی رسن از هر یک خردم زنجبیل درم  
 نفع است درم خیر بو ارضه از هر یک درم مصطکی انیسون رازیانه سیخ  
 از هر یک درم کوشه و پخت بعمل آید **صفحه** جو ازش حب لاس ایضه  
 و اسهال معده نافع باشد و قوی که از بلغم طریقت باشد باز دارد **صفحه** الماس  
 نو و شقال یک یک سیاه بلبله طایفه سیفر از هر یک پت درم فلفل سیاه درم  
 زنجبیل از هر یک درم مصطکی قردمانا گویا انیسون زیره کرمانی سنبلیله  
 قاقاقه سطر از هر یک شش درم جو ازش کرفس ناسخه از هر یک خردم ساج هندی  
 حکما از هر یک چهار درم کوشه و پخت بعمل آید **صفحه** جو ازش قریح  
 و قنوه و باد بو اسیر و بادها که در معده باشد سود دارد **صفحه** ستمونیا بر بنیه

درم شربتی درم جو ازش شکر با آن به نسیج دیگر  
 قریح کبکاید و فسلک ت رویه دفع کند و معده را قوت دهد  
 زنجبیل زیره کرمانی سداب بوره ارضی خوبان قرضه از هر یک درم نیم نیم  
 درم عمل عمل درم شربتی یک درم نیم تا سه درم جو ازش قریح  
 کرده و شانه و معده را نافع بود و بادای غلیظت کند و خلط غلیظ را  
 دفع کند دارچینی خود هندی رسن از هر یک خردم زنجبیل درم  
 نفع است درم خیر بو ارضه از هر یک درم مصطکی انیسون رازیانه سیخ  
 از هر یک درم کوشه و پخت بعمل آید جو ازش حب لاس ایضه  
 و اسهال معده نافع باشد و قوی که از بلغم طریقت باشد باز دارد  
 الماس نو و شقال یک یک سیاه بلبله طایفه سیفر از هر یک پت درم فلفل سیاه درم  
 زنجبیل از هر یک درم مصطکی قردمانا گویا انیسون زیره کرمانی سنبلیله  
 قاقاقه سطر از هر یک شش درم جو ازش کرفس ناسخه از هر یک خردم ساج هندی  
 حکما از هر یک چهار درم کوشه و پخت بعمل آید جو ازش قریح  
 و قنوه و باد بو اسیر و بادها که در معده باشد سود دارد ستمونیا بر بنیه

انیسون رازیانه سیخ  
 کرفس ناسخه از هر یک خردم ساج هندی  
 حکما از هر یک چهار درم کوشه و پخت بعمل آید  
 جو ازش قریح و قنوه و باد بو اسیر و بادها که در معده باشد سود دارد ستمونیا بر بنیه

و فلفل سیاه  
 و زنجبیل  
 و دارچینی  
 و ساج هندی  
 و کرفس ناسخه  
 و ستمونیا  
 و قنوه  
 و باد بو اسیر  
 و بادها که در معده باشد سود دارد

میوه سایه سفید شش درم روغن کلخ یک درم زنجبیل ساند و درم  
**مرهم دیگر** که بواسیر را سود دارد و در مساک کند **صفحه** مغز ساق کاه  
 سه درم کوهن شتر روغن کل سادی در یک یک کوبشاند و قدری فین  
 اضافه کنند و در باون نیک بماند و درم ساند و درم استعمال  
**مرهم دیگر** که از جهت بواسیر عظیم النفع است **صفحه** سیطیم  
 ماکیان سه درم زهر یک خردم مغز ساق کاه و نجا درم روغن مغز زرد  
 تلخ و روغن مغز شفتالو و روغن کل زهر یک درم میوه سایه درم  
 مقل از رقیق پست درم آب کند با بقدر حاجت موم سفید خردم  
 مقل او را آب کند با کل کنند و روغن نار با موم سه کله از بند  
 با مقل مخلول در باون یک یک کوبشاند و درم استعمال نمایند

**باب المون نوع بلبله** صفر ابراند و صدراع حار را نافع است  
**صفحه** پوست بلبله زرد و درم الوی سیاه پستان  
 از هر یک سی عدد و هندی پست درم شکر کاسنی سه درم مغز  
 خیار شیرین درم زنجبیل باز زده درم شکر در نجا درم آب نسیج

انیسون رازیانه سیخ  
 کرفس ناسخه از هر یک خردم ساج هندی  
 حکما از هر یک چهار درم کوشه و پخت بعمل آید  
 جو ازش قریح و قنوه و باد بو اسیر و بادها که در معده باشد سود دارد ستمونیا بر بنیه

و فلفل سیاه  
 و زنجبیل  
 و دارچینی  
 و ساج هندی  
 و کرفس ناسخه  
 و ستمونیا  
 و قنوه  
 و باد بو اسیر  
 و بادها که در معده باشد سود دارد  
 و فلفل سیاه  
 و زنجبیل  
 و دارچینی  
 و ساج هندی  
 و کرفس ناسخه  
 و ستمونیا  
 و قنوه  
 و باد بو اسیر  
 و بادها که در معده باشد سود دارد

از جهت دعا شرف آفتاب  
 در کمال بود از هر که محتاج  
 نفع و بر سر هر بیماری رود  
 شفای یابد و جانی بر او کار  
 نکند و دعا این است  
 و بجزیر است

۱	۱۳	۱۱	۶
۱۲	۱۵	۲	۱۲
۳	۹	۴	۲
۱۰	۵	۴	۱۰

اسم هر که در وقت صبح  
 بند و راه منته نفع  
 بیست و شش مرتبه از حق  
 مصطاف لوب

صبح صاف کرده بیاشاند **نفع نواکه** صندل و فلفل و کشمش  
 باشد **صفت** آوی سیاه عناب پستان از هر یک سی عدد  
 هندی ده درم زردالوده عدوقند سفید ده درم زنجبیل سیستیم  
 شب بخیا نند و صبح صاف کنند و بنوشند **نفع صبر**  
 صداع حاد را نافت **صفت** آب کاسنی معشوقه و شغال صبر مطری  
 چهار دانگ در آن حل کنند سه روز در آفتاب نهند و شرف  
 جای گرم نهند در در سیم پالانید و بنوشند **نفع صبر زنجی**  
 در صداع بلغمی اناغ باشد **صفت** سدس سیستیم نفع  
 از هر یک کفلس از زبان ناخواه زیره کرمانی از هر یک کفی و در یک نیم  
 آب بنزد تا به نیم آمد پالانید و بنوشند درم صبر در آن حل کنند  
 سه روز در آفتاب بگذارند روز چهارم صاف کنند شربتی چهل  
 درم بگیرد رم روغن سداب بخر بنوشند **نفع صبر زنجی دیگر**  
 صداع سودایی را نافع است **صفت** استخس ده درم سداب  
 پنجم فنطوریون مصطکی از هر یک سه درم صبر مطری شش درم

ادویه

ادویه پنجم نوشته در سطل آب گرم خیس اندازد سه روز در آفتاب نهند روز چهارم  
 صاف کنند شربتی چهل درم بگیرد رم روغن بادام شیرین خورد  
**نظری** که خواب آورد و سرسام را نافع باشد **صفت** شنبلیله نیم کافور  
 از هر یک پنجم پوست خشخاش گل سرخ سیلوف پوست کدوی  
 تر با بونه از هر یک ده درم شک جو پنجاه درم در نیم سب آب جوشانند  
 تا به نیم آید و سه بر بخاران بدارند **نظری** که صداع بارور اناغ بود **صفت**  
 با بونه اکلیل الملک تمام مزنجوش برنجاس صومعه ساوی جوشانند  
 سه بخاران بدارند **نظری** که صداع ریجی اناغ بود **صفت** با بونه اکلیل  
 الملک برگ کرفس زیره کرمانی مزنجوش صومعه شبت جوشانند سه  
 بخاران دارند **نظری** که صداع سودایی اسود دارد **صفت** بنفشه  
 نیلوفر اکلیل الملک با بونه سوسن خشک ساوج هندی فلفل جوشانند  
 سه بخاران بدارند **نظری** که کرانی گوش که از عفت مهل بداند  
 باشد و سبب آن بخارات بود زایل کند **صفت** با بونه اکلیل الملک نیم  
 از هر یک ده درم تمام مزنجوش از هر پوست پنج کرفس کلخ از هر یک

ادویه پنجم نوشته در سطل آب گرم خیس اندازد سه روز در آفتاب نهند روز چهارم  
 صاف کنند شربتی چهل درم بگیرد رم روغن بادام شیرین خورد  
**نظری** که خواب آورد و سرسام را نافع باشد **صفت** شنبلیله نیم کافور  
 از هر یک پنجم پوست خشخاش گل سرخ سیلوف پوست کدوی  
 تر با بونه از هر یک ده درم شک جو پنجاه درم در نیم سب آب جوشانند  
 تا به نیم آید و سه بر بخاران بدارند **نظری** که صداع بارور اناغ بود **صفت**  
 با بونه اکلیل الملک تمام مزنجوش برنجاس صومعه ساوی جوشانند  
 سه بخاران بدارند **نظری** که صداع ریجی اناغ بود **صفت** با بونه اکلیل  
 الملک برگ کرفس زیره کرمانی مزنجوش صومعه شبت جوشانند سه  
 بخاران دارند **نظری** که صداع سودایی اسود دارد **صفت** بنفشه  
 نیلوفر اکلیل الملک با بونه سوسن خشک ساوج هندی فلفل جوشانند  
 سه بخاران بدارند **نظری** که کرانی گوش که از عفت مهل بداند  
 باشد و سبب آن بخارات بود زایل کند **صفت** با بونه اکلیل الملک نیم  
 از هر یک ده درم تمام مزنجوش از هر پوست پنج کرفس کلخ از هر یک

ادویه پنجم نوشته در سطل آب گرم خیس اندازد سه روز در آفتاب نهند روز چهارم  
 صاف کنند شربتی چهل درم بگیرد رم روغن بادام شیرین خورد  
**نظری** که خواب آورد و سرسام را نافع باشد **صفت** شنبلیله نیم کافور  
 از هر یک پنجم پوست خشخاش گل سرخ سیلوف پوست کدوی  
 تر با بونه از هر یک ده درم شک جو پنجاه درم در نیم سب آب جوشانند  
 تا به نیم آید و سه بر بخاران بدارند **نظری** که صداع بارور اناغ بود **صفت**  
 با بونه اکلیل الملک تمام مزنجوش برنجاس صومعه ساوی جوشانند  
 سه بخاران بدارند **نظری** که صداع ریجی اناغ بود **صفت** با بونه اکلیل  
 الملک برگ کرفس زیره کرمانی مزنجوش صومعه شبت جوشانند سه  
 بخاران دارند **نظری** که صداع سودایی اسود دارد **صفت** بنفشه  
 نیلوفر اکلیل الملک با بونه سوسن خشک ساوج هندی فلفل جوشانند  
 سه بخاران بدارند **نظری** که کرانی گوش که از عفت مهل بداند  
 باشد و سبب آن بخارات بود زایل کند **صفت** با بونه اکلیل الملک نیم  
 از هر یک ده درم تمام مزنجوش از هر پوست پنج کرفس کلخ از هر یک



**صفحه** کل سرخ نموت درم کلنا رازناج از هر یک بخدرم برک ترب برک  
 مورد خشک چهار درم شب میانی پوست انار ناز و از هر یک سه درم  
 نیم کوفته بچوشاند دوران نشینند **نطولی** که از زهره خروج مقعد نافع  
 باشد **صفحه** کلنا پوست انار صفت بلوط مورد کل سرخ از هر یک درم  
 نیم کوفته بچوشاند دوران نشینند **نطولی** که سده مینی بکشاید **صفحه**  
 لادان خوب که شونیز بچوشاند سرد بخاران در نید یک بوسه بخیرم  
 در سر که بچوشاند سرد بخاران در نید **نفوخی** که کند مینی بر **صفحه**  
 راج سک قرضل مسادی کوفته و چخت در مینی و سند **نفوخی** که  
 سکوت اهبوشن آرد **صفحه** کندش و خربق سفید کوفته و خخته  
 اندک اندک در مینی و سند **نفوخی** که صدراع فرسن رانافع باشد **صفحه**  
 عصاره قشای الحار بخورم درم نظرون کوفته و چخت در مینی و سند  
**نفوخی** دیگر شونیز فلفل و شادیا هاین فایده دارد **نفوخی** که  
 صرع رانافع بود **صفحه** شحم خنظل قشای الحار نوشا در کندش فلفل  
 اسود اسطوخودوس کوفته و چخت بقدر است یا ج در مینی

راجحه انک کوفت  
 زرد کوفته در سرخ  
 سه الفار بله در سرخ  
 بخت بر جوار جوار  
 کوبیده بوزن در آورده  
 باب باز با عاب  
 با در فاضل  
 بقدر فلفل روزه  
 روز یک در صبح میل  
 کتله تا مدت  
 هفت بوم هر روز  
 که در کوفت بریز  
 مدون شده و آب  
 راند

دند

**دند** **باب** الو او و جوری که چون در دهن مصرع ریزند بپوش آید  
**صفحه** حلیت چند پسته کوفته در کچین عنصلی حل کرده و جوار سینه  
**دجری** که همین خاصیت دارد **صفحه** رازمانه انیسون زریزه کرمانی جوی  
 صاف کرده کلفه را در آن حل کنند و در جوار سینه و جوری که  
 ناهست از زهره غشی که بعد از اسهال پد اشود **صفحه** مشک سک کوفته  
 در آب به حل کنند و در حلق بچکانند و جوری که از جهت صداع طفل  
 نافع باشد **صفحه** صغیر چند پسته زریزه کرمانی کوفته سه جواران در شیر  
 حل کنند و در کوفی طفل ریزند و جوری که سرقه اطفال نافع باشد **صفحه**  
 رب السوس کثیر اصمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم فرناوم  
 دو درم عسل سی درم روغن بادام خدرم فانید را با عسل بچوشاند  
 و صاف کنند و او و یها کوفته روغن بادام بان مزوج کنند  
 و قدری از آن در دهن طفل ریزند **باب** ایاقوتی که خفتن  
 و غشی نافع است و در اقاوت و هدر و فرج آرد **صفحه** مردار  
 ناسفته شش درم بسد چهار درم یا قوت مانی کل نخستوم



اربعه از ابرویان  
 غلبت که اورا قابض  
 با دفع غلبت میکند  
 با دفع غلبت میکند  
 و در وقت غلبه از ابرویان  
 او را شسته شود  
 با دفع غلبت میکند  
 با دفع غلبت میکند  
 با دفع غلبت میکند  
 با دفع غلبت میکند

که طلای گندیده بگذارد  
 که شربتی بود  
 صفوی که طلای گندیده می  
 بر باد بود که در آن  
 که خطبه در آن بود  
 چون طلای گندیده بگذرد  
 بود

با درنجبویه به من مسلخ از هر یک دو درم در وقت طلای عقیق بمینی  
 شب ساج بندی زرباد در وقت عقربی رومی از هر یک یک مثقال  
 لاجورد و منول یک مثقال نیم لعل که با نیلوفر زرشک سفید شنبلیله  
 تخم کلن است تریخ کا و زبان ریون و جنی تخم کاسنی عود هندی  
 ابریشم متعوض از هر یک یک درم کا فور رمانی عنبر شمشاد از هر یک  
 دو مثقال شمشاد بتنی نیم مثقال شیر و اندک پوست بیلکه کالی شرب  
 سیباب انار شیرین شرباب با از هر یک یک درم کوفت شمشاد کالینو  
 و کجریه پنهان در شرباب و کلاب است است با درم کورن و کوبیده  
 و بعد از چهل روز که در میان جو باشد استعمال نمایند شربتی که کشت  
**یا قوت** که خفتان و دو سوک و ضعف در اناغ باشد و عصا  
 ز بوقوت دهد و لون اصافی کند و نشا ط او در دو  
 را دفع کند **صفت** یا قوت سرخ لب که با حجر لاجورد کل زمینی سبل  
 الطیب و ج بهمن سرخ با درج از هر یک دو مثقال یا قوت زرد  
 یا قوت کبود عقیق مروارید ناسفته پوست پروان است باد

بنجبویه

چنگ خندان  
 که طلای گندیده بگذارد  
 که شربتی بود  
 صفوی که طلای گندیده می  
 بر باد بود که در آن  
 که خطبه در آن بود  
 چون طلای گندیده بگذرد  
 بود

بجوبیه کل مخ استوم غلبه شب در محلول فتره محلول کل در حبه در پنج  
 عقربی سفید از هر یک چهار مثقال لعل فیروزه یشب ابریشم  
 ترفل سیاه و فضندل سرخ سفید در جنی کباب جنی فاقله کباب  
 هر یک سه مثقال زرد و یک مثقال و نیم تخم زنجشک کا و زبان طباشیر سفید  
 از هر یک یک مثقال آله مقشر پوست بیلکه کالی از هر یک دو مثقال عصا  
 زرشک بانزده دو مثقال خالص یک مثقال نیم کافور نیم مثقال است  
 آب بر از هر یک یکین آب حمض نیمین کلاب عرق پدشک یکین  
 نبات مصری یکین نیم نبات را در کلاب عرق کباب زرد آب است  
 به بنوام آردن زیاد و چون فرویزند آب حمض بران برزند دادند  
 کوفته و چکش شده جوهر صلیب کرده بان سبب شند شربتی که کشت  
**یا قوتی** قوی السفرج و آنرا از غایت قرض روحانی کونید و او حکم  
 قوت دهد و مالنجولی را در اراض سو و ابی انبساط نافع است **صفت**  
 مردارینا سفید مهران که با زنجشک از هر یک یک درم صندل سرخ و سفید  
 طباشیر زرباد و با درنجبویه ترفل ساج عود و قماری ابریشم متعوض

بجوبیه کل مخ استوم غلبه شب در محلول فتره محلول کل در حبه در پنج  
 عقربی سفید از هر یک چهار مثقال لعل فیروزه یشب ابریشم  
 ترفل سیاه و فضندل سرخ سفید در جنی کباب جنی فاقله کباب  
 هر یک سه مثقال زرد و یک مثقال و نیم تخم زنجشک کا و زبان طباشیر سفید  
 از هر یک یک مثقال آله مقشر پوست بیلکه کالی از هر یک دو مثقال عصا  
 زرشک بانزده دو مثقال خالص یک مثقال نیم کافور نیم مثقال است  
 آب بر از هر یک یکین آب حمض نیمین کلاب عرق پدشک یکین  
 نبات مصری یکین نیم نبات را در کلاب عرق کباب زرد آب است  
 به بنوام آردن زیاد و چون فرویزند آب حمض بران برزند دادند  
 کوفته و چکش شده جوهر صلیب کرده بان سبب شند شربتی که کشت  
**یا قوتی** قوی السفرج و آنرا از غایت قرض روحانی کونید و او حکم  
 قوت دهد و مالنجولی را در اراض سو و ابی انبساط نافع است **صفت**  
 مردارینا سفید مهران که با زنجشک از هر یک یک درم صندل سرخ و سفید  
 طباشیر زرباد و با درنجبویه ترفل ساج عود و قماری ابریشم متعوض

از هر یک یک مثقال **یا قوتی** یا قوت تجمل جوردیش کل مخوم سنبلی قانله

کبار و صغار کل ارمنی عنبر شمشاد و زهر ماه زردین و ورق طلا و ورق  
نقره از هر یک یک مثقال مر و اریز سافه کرباب و همین ترخه درون  
عقوبی زرباد سعد کبابه جنی صندل ترخه و سفید ک  
بلبله زردانله مقشر تخم کاسنی خالص از هر یک  
پوست ترخه کاو زبان طباثیر سفید عود و خالص  
چهار مثقال نار شک نخچیل ساوج شفاقل  
مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال نبات  
آب سیب آب امر و آب نار شیرین کل  
عرق کاو زبان از هر یک یک چهار کی نبات  
و باب میوه باقیه ام آورند و او به را کوشه و چخت  
کرید بان لبرشند و بعد از چل روز استعمال  
یا قوت زرد یا قوت ترخه لعل سرخ حجر لاجورد عقوبت سنبلی قانله  
رضین خطایی سنبلی الطیب کل مخوم کل ارمنی از هر یک یک مثقال

در شفاقل  
در نقره  
در عقوبی  
در بلبله  
در پوست  
در چهار  
در مصطکی  
در آب  
در عرق  
در و باب  
در کرید  
در یا قوت  
در رضین

در شفاقل  
در نقره  
در عقوبی  
در بلبله  
در پوست  
در چهار  
در مصطکی  
در آب  
در عرق  
در و باب  
در کرید  
در یا قوت  
در رضین

پوست ترخه از هر یک ده درم کاو زبان در رخ عقوبی لعل یا قوت عقوبت  
یعنی ورق طلا و ورق نقره عنبر شمشاد زعفران کاو زبان از هر یک یک درم  
شک نیم درم قند سفید شمشاد و درم عمل صاف کرده پنجاه درم معجون سازند  
چنانکه هم است **یا قوتی** معادل صفت لعل و سوس و دایمی یا  
نافع باشد و در اوقات دهر و ناطا آورده هر چه تمام تر **صندل** مر و اریز  
ناشسته با درخوبه پوست هر دو سه مثقال پوست ترخه صندل سفید  
ورق کل سرخ از هر یک سه درم سد همین سرخ کبابه جنی از هر یک  
یک درم و نیم کبابه شمشاد زردین ساوج هندی و آریز سنی از هر یک یک درم  
لعل عود خام از هر یک یک مثقال یا قوت زرد عنبر شمشاد زرد محلول نقره  
محلول از هر یک نیم مثقال همین سفید کشنی ترخه کل ارمنی کبابه  
از هر یک دو درم زرباد کاو قیصری از هر یک نیم درم کاو زبان آمله  
از هر یک نیم درم عصاره زرشک ده درم زعفران و کلی نیم درم شراب  
بهست مثقال شراب حماض نیم من شراب سیب جبل مثقال  
دارد و با کوشه و پنجه و جواهر صلیب کرده و شرابها بقوام آورند و شربتند

در شفاقل  
در نقره  
در عقوبی  
در بلبله  
در پوست  
در چهار  
در مصطکی  
در آب  
در عرق  
در و باب  
در کرید  
در یا قوت  
در رضین

از هر یک یک مثقال  
کند و بر او بند چنانکه  
زرد را حیض بسیار رود  
در شفاقل  
باید نهادن و ولگرد  
تا درن باز آید  
و دیگر کبابه از زردین  
خون مجاری عضله  
بر کبابه زردین  
بهدود سینه باید نهادن  
تا او به میل کند از پیش  
در شفاقل  
در کرید  
بیمانی و ادرقاق برود  
اگر در زبان نکره باشد  
و در دکنه سینه  
بر کبابه باید نهادن  
و در زبان تا آن

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

که با مردارید ساخته بر همین سرخ و سفید قرفزار شکر فاقه  
صفا شکر قتل صندلین زرشک منقعی کل میس کوفت بلیک کا  
مصطک ایشیم مغرض از هر یک سه مثقال فاد زهر حیوانی غرض شرب  
از هر یک یک مثقال نیم شیب زرشک و سعد هندی کجا بچینی ورق کل  
سرخ شنبه خشک یک مثقال نیم کاسنی ورق طلا ورق نقره  
از هر یک دو مثقال فرخ خشک طباشیر سفید از هر یک دو مثقال  
کهار چهار عدد زعفران مشک تندی از هر یک نیم مثقال نبات مصری  
بسیب اب مرو و از هر یک نیم من کلاب عرق  
صد درم عرق کافور بان دو درم آب نارغذب  
اصفی نیم من نبات ادرعرق با کد از نزد عسل  
با کوبه بخواهم آورند و ادویه کوفته و چنبت و جواهر صلابه  
روده بان لبر شند شربتی یک مثقال **قوی** نسخ شنبه اولی  
سینا بالجنویا و امراض سودایی انقباض نافع باشد و نفع  
هر چه تمامتر بود در اعضای شربت است و در **سند** یا قوت را

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

در میان تمام کاسنی مشک خالص کافور از هر یک یک درم مردارید تا  
با از هر یک یک درم نیم ایشیم مغرض در سلطان نهی محرق از هر یک  
مثقال دو انگلی شکر طلا مکلس و دو انگلی فرخ خشک با درم حلو و دو  
بریک سه درم همین سفید عود و خام حمر ارمینی مغسول با جور و مغسول  
مصطکی سنج و از چینی زعفران ابل فاقه کهار و از چینی  
طیاسی از هر یک یک مثقال استیمون دو درم  
سودج هندی دو درم در درج عرقنی و عنبر  
نیم درم ورق کل سرخ از هر یک چهار درم  
صد مثقال شراب حماض شراب سیب  
هر یک سی مثقال عسل صافی استیمون سیب  
سازند شربتی یک مثقال ابدال زچل روز تمام

والله اعلم  
بما یخفی  
عن العباد

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
الطاهر المصطفى وآله الطيبين الطاهرين  
الطاهرين الطاهرين

انواع درختان  
و درختان  
که در  
ایران  
و بلاد  
سایر  
است

صفات  
فلویسی  
رومی

و مند بود و بست قونج و عسر البول و سپرز و بل تشنج  
سودمند بود و در دندان چون بروی دندان  
ناقص را از ایل کند زعفران پندرم فلفل  
هر یک پست درم اینون و درم قطران  
سه چهار درم تخم کرفس منطی سه درم  
و ساق قوتها و حب لبان و فرفنون  
گلوخته و پیچیده بروغن لبان چربیده  
سهند و بعد از شش ماه تمام  
از بهر قونج و در درده باب  
از طبیبان کرم کرفس و و می کنند  
چون از سه ماه تا سه سال می ماند

درد کمر  
درد پا  
درد سر  
درد دندان  
درد شکم  
درد معده  
درد دل  
درد کله  
درد کمر  
درد پا  
درد سر  
درد دندان  
درد شکم  
درد معده  
درد دل  
درد کله

انواع  
درختان  
که در  
ایران  
و بلاد  
سایر  
است

انواع درختان  
که در  
ایران  
و بلاد  
سایر  
است

انواع درختان  
که در  
ایران  
و بلاد  
سایر  
است

کتابخانه خطی

جول

این کتاب در پیشانی  
کتابخانه خطی  
کتابخانه خطی

کتابخانه خطی  
کتابخانه خطی  
کتابخانه خطی  
کتابخانه خطی  
کتابخانه خطی



۸۶۸۷۰۱  
۷۸۶۸۱

وایم رسیدن روزی از زمین که  
روز به روز می‌گذرد و روزی که  
در این دنیا غافل می‌ماند  
می‌آید و در آن روزی کارها می‌شود

کتابخانه خطی  
کتابخانه خطی  
کتابخانه خطی  
کتابخانه خطی

